



دانشگاه کردستان
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی
گروه فقه شافعی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه شافعی گرایش فقه شافعی

عنوان:
بررسی حکم ازدواج سفید در فقه شافعی

پژوهشگر:
سوران فریدی

استاد راهنما:
دکتر وریا حفیدی

استاد مشاور:
دکتر سهیلا رستمی

شهریور ۱۴۰۰

برای حقوق پدیدآوران



دانشگاه کردستان
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی
گروه فقه شافعی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه شافعی گرایش فقه شافعی

عنوان:

بررسی حکم ازدواج سفید در فقه شافعی

پژوهشگر:

سوران فریدی

استاد راهنما:

دکتر وریا حفیدی

استاد مشاور:

دکتر سهیلا رستمی

شهریور ۱۴۰۰

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع
این پایان‌نامه متعلق به دانشگاه کردستان است.

بسمه تعالی ***

تعهدنامه‌ی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کردستان در انجام پایان‌نامه

این جانب سوران فریدی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی فقه شافعی متعهد می‌شوم:

۱- صداقت، امانتداری و بی طرفی را در انجام پژوهش و انتشار نتایج حاصل از آن رعایت نمایم.

۲- در نگارش نتیجه‌ی پژوهش‌های حاصل از موضوع پایان نامه، از باز نویسی نوشته‌های دیگران بدون ذکر منبع، بازی با الفاظ، زیاده نویسی، کلی گویی و جزم اندیشی و تصرف گرای پرهیز نمایم و نتایج پژوهشی خود را در موعد مقرر و با اطلاع استاد راهنما منتشر نمایم.

۳- تمامی یافته‌های مستخرج از پایان نامه متعلق به دانشگاه کردستان بوده و لازم است در کلیه مقالات مستخرج از آن‌ها، نام دانشگاه کردستان را تحت عنوان ((دانشجوی دانشگاه کردستان)) یا ((دانش آموخته دانشگاه کردستان)) ذکر نمایم.

۴- در انتشار مقالات نام استاد (استادان) راهنما و استاد (استادان) مشاور را در لیست مولفین مقاله ذکر نمایم و از آوردن اسامی افرادی که نقش موثری در انجام پژوهش نداشته‌اند، جداً خودداری نمایم.

۵- در بخش سپاسگزاری مقاله، از تمامی افراد و سازمان‌هایی که در اجرای پژوهش، مساعدتی مبذول داشته‌اند، با ذکر نوع مشارکت، تشکر و قدر دانی نمایم.

۶- از انتشار هم پوشان یا ارسال هم‌زمان یک مقاله به چند مجله و یا ارسال مجدد مقاله چاپ شده به مجلات دیگر خودداری نمایم.

۷- در صورت عدم رعایت موارد مذکور، دانشگاه کردستان مجاز خواهد بود تا برابر مقررات اقدام نماید.

امضاء دانشجو

دستورالعمل نحوه برخورد با موارد تخطی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در هنگام انتشار نتایج

پژوهش

۱- در موارد زیر دانشگاه کردستان با مجله مربوطه مکاتبه و درخواست خارج نمودن مقاله را نموده و موضوع را به محل کار یا تحصیل بعدی دانشجو اطلاع خواهد داد.

الف - چاپ مقاله بدون اطلاع و تأیید استادان راهنما.

ب - چاپ نتایج حاصل از پژوهش‌های انجام شده در دانشگاه کردستان بدون ذکر نام دانشگاه

۲- در صورت احراز تخلف از سایر موارد درج شده در تعهد نامه دانشجویی، دانشگاه ضمن مکاتبه با مجله مربوطه، حسب مورد تصمیم‌گیری خواهد نمود.



دانشگاه کردستان
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی
گروه الهیات و فقه شافعی

پایان نامه ارائه شده به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی لازم جهت اخذ درجه
کارشناسی ارشد (M.A) در رشته فقه شافعی گرایش فقه شافعی

عنوان:

بررسی حکم ازدواج سفید در فقه شافعی

پژوهشگر:

سوران فریدی

در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۳۰ توسط کمیته تخصصی و هیأت داوران زیر مورد بررسی قرار گرفت و با
درجه عالی به تصویب رسید.

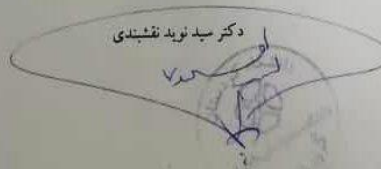
امضاء	مرتبه علمی	نام و نام خانوادگی	هیأت داوران
	استادیار	دکتر وریا حقیقی	۱- استاد راهنما
	استادیار	دکتر مهیلا رستمی	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر اقبال علی میرزایی	۳- استاد داور خارجی
	استادیار	دکتر نوید نقشبندی	۴- استاد داور داخلی

مهر و امضاء معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه



مهر و امضاء مدیر گروه

دکتر سید نوید نقشبندی



تقدیر و تشکر

حال که با لطف خدای بزرگ کار تحقیق و محارث این پیمان نامه به اتمام رسیده است بر خود واجب می دانم از کیهی عزیزان و بزرگوارانی که در طول انجام این پیمان نامه نهایت مساعدت را با اینجانب داشته اند، مراتب تقدیر و تشکر خود را اعلام نمایم:

- از پدر و مادر عزیزتر از جانم که با صبری و دعای خیرشان در زندگی ام توانسته ام تک تک مراحل را طی کنم، صمیمانه تشکر می کنم.
- از استاد عالی قدر جناب آقای دکتر حسینی که زحمات را بهمانی این پیمان نامه را عمده دار گردیدند و در تمام مراحل آن بهواره بامداد و کشته رویی از راهبانی های مدبرانه سپهری های دلسوزانه و تشویق های امیدبخش شان کمال تشکر را دارم و توقیعات روز افزون ایشان توأم با صحت و سعادت را از انبوه خواستارم.
- از سرکار خانم دکتر رستمی که در امر مشاوره ی این پیمان نامه مساعدت نمودند، کمال تشکر و امتنان را دارم.

چکیده

ازدواج در دین اسلام از جمله مهم ترین عقده هایی است که شخص در طول عمر خود آن را منعقد می کند که در کتاب و سنت بر این امر تأکید شده است. زن و مرد با هم ازدواج می کنند تا مودت و رحمتی میان آن ها شکل گیرد به طوری که هر یک از آنان، دیگری را نعمتی ارزشمند از جانب خدا و شریک زندگی خود به حساب آورد؛ اما الگوی ازدواج و تشکیل خانواده در چند دهه ی اخیر تغییرات فراوانی در جهان داشته است. از جمله این تغییرات "ازدواج سفید" یا "هم خانگی" است. این الگو به زندگی مشترک دو شریک جنسی بدون انشای صیغه ی عقد اشاره دارد که طرفین فارغ از مراسم شرعی و عرفی، با رضایت و توافق، زندگی خود را در مکان مشترکی آغاز می کنند، اما هیچ کجا زوجیت آن ها نه به طور شرعی و نه به صورت قانونی ثبت نخواهد شد. زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی و قانونی و رابطه ی زناشویی ثبت نشده، غیر قانونی و نامشروع

است. با توجه به تأثیر مستقیم این الگو بر روی خانواده‌ها بررسی آن از نظر شرعی مورد توجه می‌باشد. هدف این پژوهش تحلیل و ارزیابی ازدواج سفید که به روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی- تحلیلی انجام شده است، دیدگاه فقه نسبت به ازدواج سفید را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان داده‌اند که این نوع ازدواج محصول فرایند تجدد و گسترش جهانی شدن است. این پژوهش نشان داد که از منظر فقه شافعیه ازدواج سفید به دلیل عدم وجود ارکان ازدواج از جمله: عدم وجود صیغه، عدم وجود ولیّ و عدم وجود شاهدان و عدم تحقق حکمت‌های ازدواج مانند حفظ نسب و حفظ نسل، سکون و آرامش و مخالفت با اصول شرع قابل قبول نبوده و باعث ایجاد هرج و مرج در جامعه خواهد شد. به لحاظ شرعی باید صیغه‌ی عقد ازدواج بیان شود و ایجاب و قبول لفظی باشد، مگر در حالت عجز از تلفظ که همگی نشان‌دهنده‌ی اهمیت و جایگاه ازدواج است نه سخت‌گیری در آن.

کلیدواژه: ازدواج، ازدواج سفید، ارکان و حکمت‌های ازدواج، هم‌خانگی، صیغه، ولی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
الف- مقدمه (شامل بیان مسأله، مبانی نظری، پیشینه و جنبه نوآوری).....	۲
ب- اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۵
ج- اهداف و پرسش‌های تحقیق / فرضیه‌ها.....	۵
د- روش شناسی (شامل رویکرد و طرح تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری، ابزار و شیوه تجزیه و تحلیل).....	۶
ه- ساختار تحقیق.....	۶
فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۷
۱-۱- مفهوم ازدواج.....	۸
۱-۱-۱- معنای لغوی ازدواج.....	۸
۱-۱-۲- معنای اصطلاحی ازدواج.....	۱۰
۲-۱- مشروعیت ازدواج در اسلام.....	۱۱
۱-۲-۱- قرآن.....	۱۲
۲-۲-۱- سنت.....	۱۳
۳-۲-۱- اجماع.....	۱۳
۱-۳- حکم ازدواج.....	۱۴
۱-۳-۱- مستحب.....	۱۴
۲-۳-۱- واجب.....	۱۴
۳-۳-۱- مکروه.....	۱۴
۱-۳-۴- مباح.....	۱۵
۴- مفهوم ازدواج سفید.....	۱۶
۵-۱- تاریخچه ازدواج سفید.....	۱۸
۶-۱- ازدواج‌های باطل دوران جاهلیت و معاصر.....	۲۲
۶-۱-۱- ازدواج‌های دوران جاهلیت (پیش از اسلام).....	۲۲
الف- ازدواج استبضاع.....	۲۳
ب- ازدواج مضامده.....	۲۳
ج- ازدواج مخادنه.....	۲۴
د- ازدواج شِغار.....	۲۵

هـ- ازدواج موقت (ضیَرَن).....	۲۵
و- ازدواج رَهْط یا تعدد شوهران.....	۲۶
ز- ازدواج همزمان با دو خواهر.....	۲۶
۲-۶-۱- ازدواج‌های معاصر.....	۲۷
الف- ازدواج با حیوانات.....	۲۷
ب- ازدواج با خود (سولوگامی).....	۲۸
ج- ازدواج با همجنس.....	۲۹
۱-۷- زمینه‌ها و عوامل پیدایش ازدواج سفید.....	۳۲
۱-۷-۱- فقر مالی.....	۳۲
۱-۷-۲- تنوع‌طلبی جنسی.....	۳۳
۱-۷-۳- مسئولیت‌گریزی.....	۳۴
۱-۷-۴- تضعیف باورهای مذهبی.....	۳۴
۱-۸- آسیب‌های ازدواج سفید.....	۳۷
فصل دوم: تطبیق و ارزیابی فقهی ازدواج سفید با مبانی فقه شافعی.....	۴۰
۱-۲- تطبیق ارکان و شروط ازدواج سفید با مبانی فقه شافعی.....	۴۱
۱-۲-۱- عدم وجود صیغه.....	۴۱
۱-۲-۲- زوج و زوجۀ.....	۴۳
۱-۲-۳- عدم وجود دو نفر شاهد.....	۴۵
۱-۲-۴- عدم وجود ولیّ.....	۴۶
۲-۲- تطبیق مقاصد ازدواج سفید در فقه شافعی.....	۴۸
۲-۲-۱- حفظ نسب.....	۴۹
۲-۲-۲- ایجاد سکون، اطمینان و آرامش.....	۵۲
۲-۲-۳- حفظ عفت و پاکدامنی.....	۵۳
۲-۲-۴- حفظ و تداوم نسل.....	۵۵
۲-۲-۵- تعدیل بخشیدن به شهوت و غریزه‌ی جنسی.....	۵۶
۲-۲-۶- تربیت فرزندان.....	۵۷
فصل سوم: نتیجه‌گیری.....	۶۱
منابع.....	۶۳

مقدمه

الف - مقدمه (شامل بیان مسأله، مبانی نظری، پیشینه و جنبه نوآوری)

انسان موجودی اجتماعی است و اولین نهادی که در آن چشم می‌گشاید، خانواده است. استعدادها و توانایی‌های او در جمع شکل می‌گیرد و خانواده نخستین و کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که با ازدواج سنگ بنای آن گذاشته می‌شود. ازدواج سنت دیرینه‌ای است که هم موجب بقای نسل بشر می‌شود و هم جوامعی که منسجم‌تر، موفق‌تر و کمال‌گراتر هستند، از آن جهت است که خانواده در آن جوامع، خانواده‌هایی دارای چهارچوب، هدفمند و منضبط می‌باشند. ازدواج از ریشه "زوج" کلمه‌ای عربی و مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال می‌باشد و در لغت به معنای شوهر و همسر، و زن در عربی «الزَّوْجَةُ» است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۲۹۱/۲). در فقه شافعی ازدواج، عقدی که متضمن اباحه‌ی وطء می‌باشد و با لفظ نکاح، تزویج و مانند آن‌ها منعقد می‌شود (شربینی، ۱۴۱۵، ۲۰۰/۴). ازدواج در اسلام امری پسندیده و مستحب (شربینی، ۱۴۲۱، ۲۰۰/۴) و قراردادی با شرایط ویژه است.

ازدواج سفید ترجمه‌ی واژه‌ی انگلیسی "whait marriage" و فرانسوی "cohabitation" که به زندگی باهم و شریک جنسی ترجمه شده است. در ابتدا به معنی زندگی مشترک بدون رابطه جنسی بود اما بعدها یک زندگی زناشویی تلقی شد که بدون ثبت رسمی ازدواج بود، این نوع ازدواج در اکثر کشورهای آمریکایی و اروپایی رواج پیدا کرد (اکبری، ۱۳۹۵، ۱۷). در نیمه دوم قرن ۲۰ میلادی شکل گرفته است و در آن پابندی به شریک زندگی بیشتر جنبه عاطفی دارد نه قانونی، در کشور ایران پدیده‌ای نوظهور است که در دهه‌های اخیر بیشتر نمود پیدا کرده است. زندگی پسر و دختر زیر یک سقف بدون عقد نکاح ممکن است با اهدافی مانند برآورده شدن نیازهای روانی، عاطفی یا جنسی باشد اما نمی‌توان آن را ازدواج نامید (باقری و همکاران، ۱۳۹۸، ۳۵-۳۶). ازدواج سفید را با نام‌های دیگری از جمله: هم‌باشی، هم‌خانگی، هم‌بالینی و هم‌مانی ذکر کرده‌اند.

اسلام، ازدواج را امری فطری و هماهنگ قانون آفرینش دانسته که انسان برای بقای نسل و آرامش جسم و روح و روان و رشد و تکامل معنوی به آن نیاز دارد. ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام اهداف و حکمت‌های متعددی دارد که در منابع اسلامی و مصادر فقهی برای تحقق اهداف و حکمت‌های ازدواج، ضوابطی تعیین کرده‌اند که هدف از تبیین ضوابط، اطمینان از تحقق اهداف و غایات ازدواج و تشکیل خانواده می‌باشد.

در فقه شافعی هم برای ازدواج شروط، ضوابط و ارکانی وجود دارد، بر اساس این ارکان و ضوابط می‌باشد که در فقه شافعی ازدواجی معتبر است و اگر ازدواجی شرایط لازم را نداشته باشد، باطل بوده و آثار شرعی بر آن مترتب نخواهد گشت. عقد ازدواج دارای پنج رکن است از جمله: ۱- صیغه، ۲- زوجة، ۳- زوج، ۴- ولی، ۵- شاهدان (نووی، ۲۰۰۵، ۱۶/۱۲۵-۱۲۶). ازدواجی

که با وجود ارکان و شروط لازم صورت گیرد، از نگاه شرعی صحیح و معتبر بوده و آثاری همچون: استمتاع هر یک از زوجین به شیوه مشروع، نفقه، مهریه، اطاعت زوجه از زوج، ثابت شدن نسب، ارث و موارد دیگر. علت تشدد فقه‌های شافعی در ضابطه‌مند نمودن ازدواج تحقق حکمت‌های تشریع ازدواج می‌باشد. برخی از این حکمت‌ها عبارتند از: به جای آوردن یکی از سنت‌های الهی، برآورده شدن یک نیاز درونی که خداوند در درون آدمی قرار داده است، دعوت اسلام به افزایش نسل، ایجاد آرامش و آسایش روحی، دلبستگی بهتر و بیشتر به زندگی، دوری از رذایل اخلاقی چون زنا، تثبیت حقوق هر یک از افراد خانواده، وسعت بخشیدن به دایره دوستی‌ها، آشنایی‌ها، تعاون و همکاری در جامعه و ایجاد کانونی گرم و پر از مهر و صمیمیت برای تربیت فرزندان. ازدواج صرف زندگی صوری دو نفر در زیر یک سقف نیست بلکه اهداف آن بسیار است از جمله: بعد از تولد فرزند، کانونی برای تربیت و آموزش برای او وجود داشته باشد، آن دو نفری که با هم زندگی می‌کنند بتوانند در قبال همدیگر (سلامت، بیماری، تکامل و رشد) احساس مسئولیت کنند و به خاطر این مبانی تکلیفی است که این احکام و ارکان ساخته شده است. پژوهش حاضر در صدد آن است که بر اساس مبانی و ضوابط فقه شافعی و با استقراء حکمت‌های تشریع ازدواج به تحلیل حکم این نوع ازدواج‌ها پرداخته و میزان انطباق آن با احکام و ضوابط فقهی و تحقق حکمت‌های آن را تبیین نماید.

از آنجا که بحث از ازدواج سفید، از جمله مباحث جدید است؛ لذا در کتب قدیمی فقهی از آن به صورت جزئی بحث نشده است اما به صورت کلی در زیر مجموعه بحث نکاح (ازدواج) در کتب فقهی می‌توان آن را بررسی و تحقیق نمود.

از پایان‌نامه‌ها و مقالاتی که به عنوان پیشینه این پژوهش می‌توان به آن‌ها اشاره نمود، عبارتند از:

۱- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعدی، محمد حسین؛ ایثاری، مریم؛ طالبی، سحر (۱۳۹۰). *سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران*. جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال دوم، شماره ۲، ص ۳۴-۱ (این مقاله از نگاه جامعه‌شناسی به موضوع ازدواج سفید پرداخته و به بررسی الگوهای مختلف آن اختصاص دارد).

۲- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعدی، محمد حسین؛ ایثاری، مریم، طالبی، سحر (۱۳۹۱). *هم‌خانگی پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران*. جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال سوم، شماره ۱، ص ۷۸-۴۳ (در این مقاله به روابط پیش از ازدواج بین دختر و پسر و زندگی آن‌ها پرداخته‌اند).

۳- ابراهیم‌پیری، طیبه (۱۳۹۶). *ازدواج سفید و مقایسه آن با نکاح معاطاتی*. پایان‌نامه ارشد. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی. دانشگاه سیستان و بلوچستان (ازدواج سفید با نکاح معاطاتی که در آن صیغه ایجاب و قبول وجود ندارد مقایسه شده است).

- ۴- حقیقت، آزاده (۱۳۹۳). بنویسیم سفید؛ بخوانیم سیاه. گزارش، شماره ۲۶۳، ص ۸-۷
- ۵- خلیفه‌زاده یزدی، آسیه (۱۳۹۶). تحلیل حقوقی و جرم شناختی ازدواج سفید در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه حقوق. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت.
- ۶- رحمت آبادی، اعظم؛ کاریزی، الهام (۱۳۹۶). ازدواج سفید؛ پیامدها و خطرات. میراث طاها، شماره یک، ص ۱۰۲-۷۷.
- ۷- رستمی‌زاد، بهزاد (۱۳۹۶). ماهیت فقهی و حقوقی ازدواج سفید. پایان‌نامه ارشد. گروه حقوق. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماکو.
- ۸- رضایی، حسن (۱۳۹۶). ازدواج سفید یا هم باشی سیاه. پایش سبک زندگی، شماره ۶، ص ۵۵-۵۰
- ۹- سهراب زاده، مهران؛ نوروزی، میلاد؛ عسکری کویری، اسماء (۱۳۹۶). ازدواج سفید؛ انگیزه‌ها و زمینه‌ها. فصل‌نامه جامعه‌شناسی.
- ۱۰- عبدی نیان، افروز؛ علامت ساز، بتول (۱۳۹۸). ازدواج سفید و پیامدهای آن در کشور ایران. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال دوم، شماره ۱۱، ص ۱۰۵-۱۰۰.
- ۱۱- گلچین، مسعود؛ صفری، سعید (۱۳۹۶). کلان‌شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد؛ مطالعه زمینه‌ها، فرایند و پیامدهای هم‌خانگی. فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی ایران، دوره دهم، شماره ۱، ص ۵۷-۲۹.
- ۱۲- لشنی، موسی (۱۳۹۷). بازپژوهی فقهی ازدواج سفید. گفت‌مان فقه و اصول. سال سوم، شماره ۴، ص ۱۵۶-۱۳۳.
- ۱۳- مسعودیان، منصوره (۱۳۹۸). رهیافت پیشگیرانه اجتماعی ناظر بر ازدواج سپید. شباک، شماره ۴۳، ص ۷۲-۶۱.
- ۱۴- مهدی‌زاده، شراره (۱۳۹۶). تأثیر سرمایه فرهنگی بر نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه جامعه‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء.
- ۱۵- مقصودلو محلی، حسین (۱۳۹۷). مقایسه ازدواج سفید با ازدواج معاطاتی در حقوق ایران با تأکید بر رویه قضایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه حقوق. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- ۱۶- محمد زاده، رقیه (۱۳۹۶). هم‌باشی: زمینه‌ها، پیامدها و راهکارها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه مددکاری اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۷- نصرتی نژاد، فرهاد؛ بهرامی، گیتی (۱۳۹۶). عوامل تعیین کننده هم‌باشی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، سال دوم، شماره ۶، ص ۳۴.

چنانکه مشاهده می‌شود، کتاب، پایان‌نامه، مقاله و سایر آثار و پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی ازدواج سفید، بیشتر به بررسی آثار و پیامدهای ازدواج سفید از نگاه جامعه‌شناسی یا حقوقی پرداخته و مواردی که از نگاه فقهی به مسأله‌ی ازدواج سفید پرداخته اند، معمولاً در چهارچوب فقه امامیه به بررسی و تحلیل مسأله اقدام کرده‌اند، و مجال بررسی آن از نگاه مذاهب دیگر وجود دارد.

ب- اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که احوال شخصیه تابع فقه مذاهب می‌باشد و در مذاهب مختلف در مورد جواز و عدم جواز برخی از ازدواج‌ها اختلاف نظر وجود دارد، لذا ضروری است که با توجه به شرایط محیطی و کثرت پیروان مذهب شافعی ضروری به نظر می‌رسد که این نوع ازدواج از نگاه فقه شافعی بررسی شده و احکام آن مشخص شود. اهمیت این پژوهش از آنجاست که با توجه به سخت شدن تدریجی ازدواج و نیازهای مختلف جوانان، برخی از اشکال ازدواج به سرعت در میان اقشار جامعه رواج پیدا کرده و رواج آن سبب می‌شود که اهمیت پرداختن به این قبیل موضوعات در قالب پایان‌نامه‌های علمی بیش از پیش باشد.

ج- اهداف و پرسش‌های تحقیق / فرضیه‌ها

- ۱- ماهیت ازدواج سفید چیست؟
- ۲- اهداف، مبانی و ضوابط ازدواج از نگاه فقه شافعی چیست؟
- ۳- حکم ازدواج سفید بر اساس مبانی فقه شافعی چیست؟

اهداف جزئی

- ۱- تبیین ماهیت ازدواج سفید
- ۲- تبیین اهداف، مبانی و ضوابط ازدواج از نگاه فقه شافعی
- ۳- بیان حکم ازدواج سفید براساس مبانی فقه شافعی

د- روش‌شناسی (شامل رویکرد و طرح تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری، ابزار و شیوه تجزیه و تحلیل)

در پژوهش حاضر، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده می‌شود. با این توصیف که ابتدا داده‌ها و اطلاعات از منابع گردآوری می‌شود و سپس در سیر منظم و منطقی مورد تحلیل و پژوهش قرار می‌گیرند. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای، و نرم افزارهای موجود مانند (المکتبه الشامله) و منابع اینترنت استفاده خواهد شد و ابزار تحقیق فیش می‌باشد.

ه- ساختار تحقیق

این تحقیق تشکیل شده از سه فصل با بیان مقدمه و در پایان همراه با ارائه‌ی نتیجه‌گیری می‌باشد. در مقدمه به بیان مسأله، پرسش‌های تحقیق، اهداف تحقیق، مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیق، اهمیت و ضرورت انجام تحقیق و روش انجام آن پرداخته شده است. در فصل اول کلیات و مفاهیم اساسی موضوع شامل معنی لغوی و اصطلاحاتی و واژگان هم معنی و... بیان شده است. در فصل دوم تطبیق و ارزیابی ازدواج سفید در فقه شافعی مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان در فصل سوم نتیجه‌گیری این مبحث ارائه شده است.

فصل اول

کلیات و مفاهیم

در دوران اخیر ازدواج‌های مختلفی ظاهر شده‌اند که بررسی و بیان حکم فقهی آن‌ها، ضرورت دارد تا اطلاق کلمه‌ی ازدواج بر آن‌ها موجب اشتباه در حکم فقهی آن‌ها نشود. از جمله‌ی این ازدواج‌ها، "ازدواج سفید" می‌باشد که پژوهش حاضر به بررسی حکم فقهی این نوع ازدواج پرداخته است.

برای بررسی بهتر، لازم است ابتدا مفهوم لغوی و اصطلاحی ازدواج، سپس معنای ازدواج سفید بررسی شود تا پس از شناخت دقیق مفهوم و ماهیت آن به بررسی ابعاد موضوع و بیان احکام فقهی پرداخته شود.

۱-۱- مفهوم ازدواج

غالب مفاهیم و اصطلاحات فقهی دارای معنایی ویژه است که با معنای اولیه و لغوی آن تناسب مفهومی دارد. به همین سبب، ابتدا به بیان معنای لغوی و سپس به بیان معنای اصطلاحی ازدواج پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱- معنای لغوی ازدواج

ازدواج واژه‌ای عربی و اصل آن از ریشه‌ی «زَوَجَ» است. «الزَّوَج» به معنای شوهر و همسر، و زن در عربی «الزَّوْجَةُ» است. «الزَّوَج» در مقابل «الفرد» قرار دارد. گفته می‌شود: «زوج است یا فرد»، همان‌گونه که گفته می‌شود: «شفع (خلاف فرد) است یا وتر (فرد)». واژه‌ی «زوج» در قرآن کریم به معنای جفت و در مقابل فرد به کار رفته است چنان‌که خداوند فرموده است: «وَأَنْتَبِتُنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» (ق/ ۷) در این آیه خداوند به رویش همه‌ی گیاهان به صورت زوج اشاره کرده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۲۹۱/۲؛ زبیدی، بی‌تا، ۲۰/۶؛ جوهری، ۱۴۳۰، ۵۰۴). به هر دو مقارن و قرین از مذکر و مؤنث در حیوانات و غیرحیوانات (یک زوج (جفت) کفش) که مزدوج شده‌اند، زوج گویند (اصفهانی، بی‌تا، ۳۸۴). به زنی که بسیار ازدواج کرده و شوهران بسیار نموده است، «المرأة المزوجة» و به مردی که همسران زیادی داشته باشد، «كثيرة الزواج» می‌گویند (فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۱۹۲) و همچنین به نمط و پوششی که بر روی هودج انداخته می‌شود، به نوعی رنگ ابریشمی یا شبیه به آن و به هر چیزی که در اندام‌های بدن جفت باشد، زوج گفته می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۲۹۳/۲).

«وَزَوْجُ الْكَلَامِ» یعنی این سخن از لحاظ سجع یا وزن به سخن دیگر شبیه است یا این که دو مطلب یا دو سخن از حیث محتوایی به هم ارتباط دارند (زبیدی، بی‌تا، ۲۰/۶). فعل «زوج» فعلی متعددی است و به صورت یک مفعولی؛ «تزوجت امرأة»، و دو مفعولی به کار می‌رود؛ «زوجته

^۱. و از هر نوع گیاه بهجت‌انگیز و مسرت‌بخش در آن رویانده‌ایم.

امراة» و با حرف جر هم متعدی می‌شود: «تزوجت بها»، اما تعدیه با حرف جر کمتر استعمال می‌شود.

واژه‌ی «زَوْج» با مشتقات آن ۸۴ بار در قرآن به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۷۸، ۴۲۵-۴۲۳). اصل کلمه‌ی زوج، نوع، صنف («فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (لقمان / ۱۰)) و گونه از هر چیزی و آن دو چیز، مقارن باشند و فرقی ندارد که هم شکل باشند یا نقیض هم، به آن‌ها زوجان گفته می‌شود: «فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى» (قیامت / ۳۹).

زوج و قرین زن، شوهر او و زوج و قرین مرد، زن او است. کلمه‌ی زوج هم به صورت مفرد (هما زوج) «أَنْبَتْنَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (حج / ۵)) و هم به صورت مثنی (هما زوجان) «وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (رعد / ۳)) به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۹۱/۲؛ اصفهانی، بی‌تا، ۳۸۴؛ زبیدی، بی‌تا، ۲۰/۶).

«زَوْج» به معنای جفت نمودن و کنار هم قرار دادن هم می‌باشد: «وَوَزَّوَجْنَاهُمْ بِخَوْرِ عَيْنٍ»^۵ (دخان / ۵۴) (جوهری، ۱۴۳۰، ۵۰۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۱۹۲). در این آیه «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ»^۶ (ذاریات / ۴۹) کلمه «زوج» چنین نشان می‌دهد که همه‌ی اشیاء ترکیبی از جوهر و عرض و ماده و صورت است و بسیاری از آن‌چه در عالم وجود دارد، زوج هستند از جمله: گیاهان: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ»^۷ (یس / ۳۶)، «أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى»^۸ (طه / ۵۳)، و حیوانات: «حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ»^۹ (هود / ۴۰) (اصفهانی، بی‌تا، ۳۸۵) و بسیاری از مخلوقات دیگر. جمع کلمه «زَوْج»، «أَزْوَاج» و «أَزْوَاج» است. کلمه‌ی «أَزْوَاج» هفت بار در قرآن به کار برده

^۱. و با آن اقسام گوناگونی از گیاهان پرارزش را رویانده‌ایم.

^۲. و از این (انسان) دو صنف نر و ماده را ساخته و پرداخته است.

^۳. با آن اقسام گوناگونی از گیاهان پرارزش را رویانده‌ایم.

^۴. و از هرگونه ثمر و میوه‌ای، جفت نر و ماده‌ای در آن آفریده است.

^۵. و زنان بهشتی سیاه‌چشم با چشمان درشت را نیز به همسری آنان درمی‌آوریم.

^۶. ما از هر چیز جفتی را آفریده‌ایم، تا این که شما (عظمت آفریدگار را) یاد کنید.

^۷. تسبیح و تقدیس خداوندی را سزا است که همه‌ی نرها و ماده‌ها را آفریده است اعم از آنچه از زمین می‌روید، و از خود آنان، و از چیزهائی که ایشان نمی‌دانند.

^۸. و با آن انواع گیاهان و اقسام درختان نر و ماده را رویانده است.

^۹. (نوح به کار خود مشغول بود و کافران هم به تمسخر خود ادامه دادند) تا آن گاه که فرمان ما (مبنی بر هلاک کافران) در رسید و آب از زمین جوشیدن گرفت (و خشم ما به غایت رسید. به نوح) گفتیم: «سوار کشتی کن از هر صنفی نر و ماده‌ای را».

شده است برای مثال در آیهی «تَمَانِيَةُ أَزْوَاجٍ» (أنعام/ ۱۴۳) به جفت بودن حیوانات، آیهی «هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّالٍ عَلَى الْأَرَْائِكِ مُتَكِئُونَ» (یس/ ۵۶) به زوج بودن انسان‌ها اشاره می‌کند اما کلمه‌ی «أزواج» در قرآن به کار نرفته است (اصفهانی، بی‌تا، ۳۸۵).

با توجه به تحلیل لغوی و جمع‌بندی مطالب فوق، مفهوم و معنای ماده‌ی «زوج»، اقتران، زوج شدن، جفت نمودن و کنار هم قرار گرفتن می‌باشد.

۱-۱-۲- معنای اصطلاحی ازدواج

ازدواج، اقتران و همکاری و مشارکت بین دو جنس (زن و مرد) است. کلمه‌ی ازدواج به صورت مستمر و دائمی در رابطه با زن و مرد برای تشکیل خانواده استفاده می‌شود و کاربرد آن به این معنا چنان گسترش پیدا کرده که تنها این معنی از آن فهمیده می‌شود. در فقه شافعی ازدواج، عقدی است که متضمن اباحه‌ی وطء با لفظ نکاح، تزویج و مانند آن‌ها (شریبینی، ۱۴۱۵، ۲۰۰/۴؛ انصاری، بی‌تا، ۳۰/۲). در قرآن برای بحث ازدواج از واژه‌ی «نکاح» هم استفاده شده و عقد ازدواج مترادف و هم معنی نکاح است: "إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ" (احزاب/ ۴۹) (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۶۲۶/۲).

نکاح و مشتقات آن ۲۳ بار در قرآن آمده است (عبدالباقی، ۱۳۷۸، ۸۳۰). نکاح کلمه‌ای عربی از ریشه‌ی «نَكَحَ» و مصدر ثلاثی از باب مفاعله (نکح، ینکح، مناکحه یا نکاح) است. نَكَحَ در لغت به معنای گرد هم آمدن و جمع شدن است. در زبان عربی وقتی شاخه‌های درختی در هم تنیده می‌شود و به هم گره می‌خورند، می‌گویند: تناکحت الاشجار. به معنای وطء، جماع و رابطه‌ی زناشویی هم هست (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۶۲۶/۶؛ زبیدی، بی‌تا، ۱۹۵/۷؛ جوهری، ۱۴۳۰، ۴۱۳/۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۲۴۶). عرب آن‌را به معنی عقد و وطء به کار برده است و در همه‌ی آن‌ها به معنی عقد است (زبیدی، بی‌تا، ۱۹۵/۷) به غیر از یک مورد که بر وطء حمل می‌شود: "فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ" (بقره/ ۲۳۰) (رملی، ۱۴۳۰، ۷۳۶/۱). ثعلبی معتقد است برای واژه‌ی «نکاح» هزار کلمه وجود دارد و علی‌بن جعفر لغوی مشتقات آن را هزار و چهل اسم دانسته است، که این نشان از شرف و عظمت کلمه دارد (شریبینی، ۱۴۱۵، ۲۰۰/۴).

از نظر شرعی برای کلمه نکاح سه وجه وجود دارد: ۱- اصح آن حقیقت در عقد و مجاز در

۱. (خداوند از هر نوعی از چهارپایان، یعنی: شتر و گاو و بز و گوسفند، نر و ماده آفریده است که رویهم) هشت جفت آفریده است.

۲. آنان و همسرانشان در زیر سایه‌های پر و فراخ، بر تختها تکیه زده‌اند.

۳. هنگامی که با زنان مؤمنه ازدواج کردید.

۴. پس اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر باز هم) او را طلاق داد، از آن به بعد زن بر او حلال نخواهد بود، مگر این که با شوهر دیگری ازدواج کند (و با او آمیزش جنسی نماید و ازدواج واقعی و جدی صورت گیرد؛ نه موقتی و فریبکارانه).

وطء است همان گونه در قرآن و اخبار آمده است به جز یک مورد و آن آیه ۲۳۰ سوره ی بقره می باشد: "فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ"، ۲- حقیقت در وطء و مجاز در عقد است؛ از نظر امام ابوحنیفه این وجه به معنای لغوی آن و وجه اول به معنای شرعی نزدیک تر است. فایده این اختلاف این جا مشخص می شود: کسی که با زنی زنا کند در نزد احناف آن زن بر پدر و پسر زانی حرام می شود در حالی که در نزد شافعیه خلاف این است. ۳- در هر دو معنی مشترک است: "وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ" (۲۲۱/ بقره). عقد نکاح از طرف زوج و طبق رای اصح از جانب زوج عقدی لازم است (شربینی، ۱۴۱۵، ۲۰۰/۴؛ ابن رفعه، ۲۰۰۹، ۱۳/۵-۳). نکاح در اصل و حقیقت برای عقد است و در معنای استعاری برای جماع و مقاربت، محال است در اصل به معنی جماع باشد و استعاری برای عقد، زیرا نام های جماع همه کنایه ای است و تصریح به آن ها قبیح و زشت دانسته شده است مانند: "وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ" (نور/ ۳۲) و "إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ" (احزاب/ ۴۹) (اصفهانی، بی تا، ۸۲۳). نکاح لفظی است که هم بر عقد اطلاق می شود هم جماع و وطء (فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۲۴۶؛ جوهری، ۱۴۳۰، ۴۱۳/۱؛ زبیدی، بی تا، ۱۹۵/۷).

۱-۲- مشروعیت ازدواج در اسلام

ازدواج در دین اسلام مشروع است. برای اثبات این گفته به قرآن، سنت و اجماع اشاره و استناد می شود و با توجه به آیات و سنت، به جایگاه خاص امر ازدواج پی خواهیم برد. (نوی، بی تا، ۱۶؛ رملی، ۱۴۳۰، ۷۳۶؛ شربینی، ۱۴۱۵، ۲۰۱/۴).

۱. و با زنان مشرک (غیر اهل کتاب) تا ایمان نیاورند ازدواج نکنید، و بی گمان کنیز مؤمنی از زن (آزاد) مشرکی بهتر است، اگرچه (زیبائی یا ثروت یا موقعیت او) شما را به شگفتی انداخته باشد (و دلباخته ی او بوده باشید)، و (زنان و دختران خود را) به ازدواج مردان مشرک در نیاورید، مادامی که ایمان نیاورند. و بی گمان غلام مؤمنی از مرد مشرکی بهتر است اگرچه (زیبائی یا ثروت یا موقعیت او) شما را به شگفتی انداخته باشد (و دل از گفتار روده باشد). آنان (اعم از زنان یا مردان مشرک) به سوی آتش (دوزخ) دعوت می کنند (و سبب شقاوت می گردند) و خدا به سوی بهشت و آمرزش به فرمان خود و توفیق خویش دعوت می کند (و پیروی از دستور او، وسیله ی سعادت می شود)، و خدا آیات خود را برای مردم روشن می سازد (و احکام شریعت را با دلائل واضح تفهیم می نماید) تا این که (راه صلاح و سعادت خویش را بشناسند و) یادآور شوند.

۲. مردان و زنان مجرد خود را و غلامان و کنیزان شایسته ی (ازدواج) خویش را (با تهیه ی نفقه و پرداخت مهریه) به ازدواج یکدیگر در آورید.

۳. هنگامی که با زنان مؤمنه ازدواج کردید.

۱-۲-۱- قرآن

در قرآن آیات بسیاری وجود دارد که به مشروعیت امر ازدواج دلالت دارد از جمله این آیات:

الف- فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أُذُنِي أَلَّا تَعُولُوا (نساء/ ۳). قبل از اسلام معمول بود که بسیاری از مردم حجاز، دختران یتیم را به عنوان تکفل و سرپرستی به خانه خود می‌بردند، و بعد با آن‌ها ازدواج کرده و اموال آن‌ها را تملک می‌کردند، و چون همه کار دست آنها بود حتی مهریه آن‌ها را کمتر از معمول قرار می‌دادند، و هنگامی که کمترین ناراحتی از آنها پیدا می‌کردند به آسانی آنها را رها می‌ساختند. آیه فوق در این زمینه نازل شد و به سرپرستان ایتام دستور داد در صورتی با دختران یتیم ازدواج کنند که عدالت را به طور کامل درباره آنها رعایت نمایند، در غیر این صورت از آنها چشم‌پوشی کرده و همسران خود را از زنان دیگر انتخاب نمایند.

ب- وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْطِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور/ ۳۲). در این آیه ترغیب و تشویق به ازدواج به خوبی نمایان و آشکار است و خداوند خود وعده گشایش و فراخی رزق و روزی به زوج‌های جوان داده است و ترس از فقر را دلیلی برای تشکیل ندادن خانواده نمی‌داند. جمله «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْطِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» در آیه، وعده جمیل و نیکویی است که خدای تعالی داده، مبنی بر اینکه از فقر نترسند که خدا نیازمندان به ازدواج را بی‌نیاز می‌کند و وسعت رزق می‌دهد، و با جمله «وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» بر آن تاکید کرده است و به آن‌ها اطمینان خاطر داده است.

ج- وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً (روم/ ۲۱). یاد خداوند مایه آرامش دل و روح است، «بذكر الله تطمئن القلوب» و همسر مایه آرامش جسم و روان «أزواجاً لتسكنوا إليها». یکی از اهداف ازدواج، سکونت و آرامش و مهم‌ترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است. محبت، هدیه‌ای الهی است که با مال و مقام و زیبایی به دست نمی‌آید و آن را خانواده به انسان می‌دهد. آرامش از این‌جا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه‌ی شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند به‌طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است، و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه

۱. ولی وقتی که به خود اطمینان داشتید که می‌توانید میان زنان دادگری کنید و شرائط و ظروف خاص تعدد ازواج مهیا بود) با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید، با دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید.

۲. بی‌همسران (از مرد و زن) و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید، اگر تهیدست و نیازمند باشند خداوند از احسان خود آنان را بی‌نیاز می‌کند، خداوند بسیار عطاکننده و داناست.

۳. و از دیگر نشانه‌های (قدرت و ربوبیت) او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در بین شما (درحالی که پیش از ازدواج با یکدیگر بیگانه بودید) محبت و مهرورزی قرار داد.

نیرومندی وجود داشته باشد. در این آیه نیز مشروعیت امر نیک ازدواج به طور کامل نمایان است.
 د- هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (أعراف/ ۱۸۹). «لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»: ازدواج و همسر، عامل آرامش روح و زندگی است و نآرامی‌های روانی را برطرف می‌کند. اساس زندگی بر انس و الفت است، نه اختلاف و شقاق، به خصوص زن با لطافت خاصی که دارد، آرامش خاطر مرد را فراهم می‌سازد. به راستی وجود همسران با این ویژگی‌ها برای انسان‌ها که مایه آرامش زندگی آن‌ها است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود.

۱-۲-۲- سنت

احادیث فراوانی از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل و روایت شده که بر مشروعیت و ترغیب به امر ازدواج دلالت دارد.

الف- پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: "يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ".^۲ حدیث شریف در اصرار به ازدواج و تفویض به آن برای کسانی که توانایی و اشتیاق به آن را دارند، روشن است.

ب- پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: "الدُّنْيَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ"^۳ (مسلم، بی تا، ۲/ ۱۰۹۰، حدیث ۱۴۶۷).

ج- پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: "تَزَوَّجُوا الْوَدُودَ الْوَلُودَ فَإِنَّي مُكَاثِّرٌ بِكُمْ الْأُمَمَ"^۴ (حسن صحیح، ابوداود، ۲۰۵۰).

۱-۲-۳- اجماع

از قدیم همه علما بر جواز و مشروعیت ازدواج اتفاق نظر داشته و هیچ فقهی منکر جواز یا مشروعیت آن نشده است (شریینی، ۱۴۲۱، ۲۰۱/۴). ازدواج همچنین از سنت‌های صحابه و سلف امت می‌باشد.

^۱. اوست کسی که همه شما را از یک تن آفرید، و جفتش را از (جنس) او پدید آورد تا در کنارش آرامش گیرد.
^۲. کسی که توانایی ازدواج کردن دارد، ازدواج کند. زیرا این کار باعث حفاظت چشم و شرم‌گاه می‌شود و کسی که توانایی ازدواج را ندارد، روزه بگیرد، چرا که روزه، شهوت را ضعیف و کنترل می‌کند.
^۳. دنیا محل انتفاع است و بهترین کالای این دنیا که مورد انتفاع است، زن صالح است.
^۴. با زانی ازدواج کنید که شوهر را دوست دارند و فرزند می‌آورند، برای اینکه می‌خواهم امتم بیشتر از امت‌های دیگر باشد و من به بسیاری امتم در مقابل ملت‌های دیگر افتخار می‌کنم.

۳-۱- حکم ازدواج

احکام ناظر به یک کار بسته به شرایط انعطاف‌پذیر است. حکم اولیه ازدواج مستحب بودن آن است (شربینی، ۱۴۱۵، ۲۰۳/۴؛ ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷، ۱۸۳/۷) و برای مستحب بودن امر ازدواج به حدیث «یا معشر الشباب» استناد می‌شود. بنا بر برخی وجوه و با توجه به شرایط فرد، احکام ثانویه‌ای ممکن است بر آن عارض و به واجب، مکروه، مباح تبدیل شود.

۱-۳-۱- مستحب

اگر در فرد برای امر ازدواج نیاز، میل و رغبت درونی وجود داشته باشد و فرد توانایی پرداخت مهریه، نفقه و مایحتاج زندگی را داشت و اگر ازدواج نکند، ترس از وقوع در زنا نداشت، ازدواج کردن وی مستحب است (رملی، ۱۴۳۰، ۷۳۶؛ نووی، بی‌تا، ۱۳۰/۱۶).

۱-۳-۲- واجب

شخصی که از طریق روزه نتواند خود را از گناه دور کند و بداند دلیل آن عدم ازدواج است، در این حالت ازدواج کردن وی، واجب است، زیرا تنها راهی که می‌تواند انسان را از زنا و انحرافات جنسی دور کند، ازدواج است و در صورتی این ازدواج واجب است که فرد توانایی و قدرت پرداخت نفقه، مهریه و مایحتاج زندگی را داشته باشد (ابن‌رفعه، ۲۰۰۹، ۶/۱۳).

۱-۳-۳- مکروه

اما ترک ازدواج بدون عذر مکروه است، به دلیل حدیث انس بن مالک: «سه نفر به خانه یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و سلم آمدند تا از عبادت او سؤال کنند. وقتی که از عبادتش آگاه شدند انگار عبادتش را کم دانستند و گفتند: ما کجا و پیامبر صلی الله علیه و سلم کجا؟! خداوند گناهان گذشته و آینده او را بخشیده است، پس یکی از آنها گفت: من تمام شب را نماز می‌خوانم، دیگری گفت: من هم تمام سال را روزه می‌گیرم و افطار نمی‌کنم، سومی گفت: من هم از زنان کناره‌گیری کرده و هرگز ازدواج نمی‌کنم. پیامبر صلی الله علیه و سلم نزد آنان آمد و فرمودند: "شما کسانی هستید که چنین و چنان گفتید؟ سوگند به خدا من از همه شما بیشتر از خدا می‌ترسم و بیشتر از شما تقوا دارم، در عین حال هم روزه می‌گیرم و هم افطار می‌کنم، هم نماز می‌خوانم و هم می‌خواهم و با زنان ازدواج می‌کنم؛ پس کسی که از سنت من روی گرداند

از من نیست"^۱ (بخاری، ۱۴۲۲، ۵۰۶۳/۷). اگر در فرد برای ازدواج کردن نیاز و رغبتی وجود نداشت یا اینکه فرد قادر به پرداخت مهریه و نفقه را نداشت و ترس از زنا نداشته باشد و در تلاطم و معصیت‌های جنسی نیست اما از طرف دیگر ترس از اجرای حق نسبت به طرف مقابل دارد، ازدواج کردن این فرد مکروه است (رملی، ۱۴۳۰، ۷۳۷) اما اگر ازدواج کرد، عقد ازدواج وی صحیح و نافذ است. کسی که به ازدواج رغبت دارد لیکن توانایی آن را ندارد، باید روزه بگیرد (ابن‌رفعه، ۲۰۰۹، ۶/۱۳) به دلیل حدیث ابن مسعود که گفت: پیامبر صلی الله علیه و سلم به ما فرمود: (یا معشر الشباب من استطاع منكم الباءة فلتزوج، فإنه أغض للبصر و أحسن للفرج، و من لم يستطع فعليه بالصوم، فإنه له وجاء).

۴-۳-۱- مباح

اگر فرد توانایی پرداخت هزینه‌های ازدواج را داشته باشد و مشغول انجام عبادات و کسب علم نباشد و به آن بی‌نیاز باشد، انجام دادن ازدواج برای او مباح است. برای امر مهم ازدواج اهداف و مقاصدی در شریعت بیان شده است که اگر ازدواج حرامی روی دهد، این اهداف و مقاصد از بین خواهد رفت.

خداوند متعال در آیات ۲۲ تا ۲۴ سوره نساء: "وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا (۲۲) حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي خُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (۲۳)"، ازدواج با ۱۴ گروه از بانوان را بر مردان حرام کرده است: هفت گروه از آن‌ها

۱. حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ أَبِي مَرْيَمَ، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، أَخْبَرَنَا حُمَيْدُ بْنُ أَبِي حُمَيْدٍ الطَّوِيلُ، أَنَّهُ سَمِعَ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، يَقُولُ: جَاءَ ثَلَاثَةُ رَهْطٍ إِلَى بُيُوتِ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَسْأَلُونَ عَنْ عِبَادَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَمَّا أُخْبِرُوا كَانَهُمْ تَقَالُوْهُ، فَقَالُوا: وَأَيْنَ نَحْنُ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَدْ غَفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ، قَالَ أَحَدُهُمْ: أَمَا أَنَا فَإِنِّي أَصَلَّى اللَّيْلَ أَبَدًا، وَقَالَ آخَرُ: أَنَا أَصُومُ الذَّهْرَ وَلَا أَفْطِرُ، وَقَالَ آخَرُ: أَنَا أَعْتَرَلُ النِّسَاءَ فَلَا أَتَزَوَّجُ أَبَدًا، فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَيْهِمْ، فَقَالَ: «أَنْتُمْ الَّذِينَ قُلْتُمْ كَذَا وَكَذَا، أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لَأُخْشَاكُمُ لِلَّهِ وَأَنْفَاكُمُ لَهُ، لِكُنِّي أَصُومُ وَأَفْطِرُ، وَأُصَلِّي وَأَرْقُدُ، وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ، فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي».

۲. و با زانی ازدواج نکنید که پدران شما با آنان ازدواج کرده‌اند. چرا که این کار، عمل بسیار زشتی است و (در پیش خدا و مردم) مبعوض بوده و روش بسیار نادرستی است؛ مگر آنچه گذشته است (و در زمان جاهلیت بوده است که مورد عفو خدا قرار می‌گیرد) (۲۲) و با زانی ازدواج نکنید که پدران شما با آنان ازدواج کرده‌اند. چرا که این کار، عمل بسیار زشتی است و (در پیش خدا و مردم) مبعوض بوده و روش بسیار نادرستی است؛ مگر آنچه گذشته است (و در زمان جاهلیت بوده است که مورد عفو خدا قرار می‌گیرد) (۲۳).

محارم نسبی، چهار گروه محارم سببی، دو گروه محارم رضاعی و مورد آخر هم جمع بین دو خواهر می‌باشد (نووی، بی‌تا، ۱۶/ ۲۱۴):

- محارم نسبی (خویشاوندان محرم از طریق خون و نسب): مادر، دختر، دختر پسر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر و دختر خواهر می‌باشد که مسئله‌ی حرمت ازدواج با محارم نسبی از جمله احکام ثابت و محکم الهی است که این تحریم ناظر بر تنافر فطری و ذاتی آدمی از این گونه ازدواج‌ها است و هر عقل سلیمی که طرفدار مکارم اخلاق باشد، تحریم این ازدواج‌ها را تأیید می‌کند.

- محارم سببی (یعنی افرادی که از طریق پیوند ازدواج بر زوجین حرام می‌شوند): زن پدر، زن پسر، مادر زن، دختر زنی که با آن زن نزدیکی صورت گرفته است و جمع میان دو خواهر را شامل می‌شود.

- محارم رضاعی (تمام کسانی که به واسطه‌ی ارتباط نسبی، ازدواج با آن‌ها حرام است، به واسطه‌ی ارتباط از طریق شیر خوردن نیز ازدواج با آن‌ها حرام است): قرآن فقط به دو دسته از افراد یعنی، خواهران و مادران رضاعی، اشاره کرده است اما طبق احادیث محارم رضاعی منحصر به این افراد نیست: "يُحْرَمُ مِنَ الرِّضَاعَةِ مَا يُحْرَمُ مِنَ الْوِلَادَةِ" (صحیح مسلم، بی‌تا، ۱۰۶۸/۲، حدیث شماره‌ی ۱۴۴۴).

بنابراین مردان نمی‌توانند هر زنی را به ازدواج خود درآورند و بانویی که شخص می‌خواهد با او ازدواج کند، نباید از بانوانی باشد که بر مرد حرام است، خواه حرمت موقتی باشد یا حرمت ابدی. حرام بودن ابدی یک زن، برای همیشه موجب حرام شدن ازدواج با وی است. علت‌ها و اسباب حرام بودن ابدی: ۱- نسب، ۲- مصاهره و پیوند خویشاوندی، و ۳- شیرخوارگی است (شریینی، ۱۴۲۱، ۴/ ۲۸۶).

۱-۴- مفهوم ازدواج سفید

"ازدواج سفید" ترکیبی از دو کلمه‌ی "ازدواج" و "سفید" است. ازدواج سفید در فرانسه با marriage blanc و در انگلیسی با White marriage شناخته می‌شود؛ به ازدواجی قانونی و بدون روابط جنسی معنی شده است،^۱ که در آن ازدواج بدون در نظر گرفتن هدف بلند مدت است؛ اما چیزی که از آن به زندگی مشترک زن و مرد به همراه روابط جنسی بدون ازدواج یاد می‌شود، در

^۱. آن‌چه به واسطه‌ی نسب و ولادت حرام می‌شود، به واسطه‌ی رضاع نیز حرام است.

! A marriage without sexual relations

فرهنگ لغت آکسفورد هم‌باشی^۱ است. ازدواج سفید یا هم‌خانگی بدون ازدواج را می‌توان معادل اصطلاح non marital cohabitation دانست.

ارائه‌ی تعریفی واحد و دقیق از مفهوم ازدواج سفید بسیار دشوار است؛ چون در جوامع و دوره‌های زمانی مختلف، تعریف‌های متفاوتی از این مفهوم ارائه شده که آن‌ها در مواردی متعارض و گاه متناقض هستند. این امر علاوه بر دشواری تعریف، بیان حکم فقهی این امر را با ابهام دچار خواهد کرد. در زیر به بیان تعاریف متعدد که برای تبیین مفهوم ازدواج سفید ارائه شده است، پرداخته خواهد شد.

در فرهنگ لغت آمریکایی^۲ ازدواج سفید را به عنوان ازدواج بدون رابطه‌ی جنسی می‌شناسند؛ حتی در معنای دیگر به ازدواج یک مرد همجنس‌گرا با یک زن دلالت دارد (صفری، ۱۳۹۴، ۱۳). وقتی زن و مردی زیر یک سقف و بدون ثبت رسمی، قانونی، شرعی و گاهی به صورت مخفیانه، در کنار هم زندگی می‌کنند، به این ارتباط در غرب، ازدواج سفید گویند.

ریشه‌ی عبارت‌سازی ازدواج سفید، نوعی حرمت‌زدایی از جامعه و عادی کردن رابطه‌ی نامتناسب با فرهنگ دینی است (قنبریان، ۲۰۱۷، ۳). این شکل از رابطه‌ی زن و مرد چه با نام "ازدواج سفید" و چه با نام "هم‌خانگی بدون ازدواج" خوانده شود، در عمل یکسان بوده و دارای وجهی شرعی و قانونی نمی‌باشد. در هم‌باشی زن و مرد با یکدیگر هم‌خانه می‌شوند، در حالی که مدت با هم بودن آن‌ها مشخص نیست. بنا به یک تعریف دیگر، ازدواج سفید عبارت است از رابطه‌ی آزادانه‌ی زن و مردی که خارج از رعایت موازین قانونی، برای مدتی نامشخص، زندگی در کنار یکدیگر را تجربه می‌کنند؛ از این حیث لزومی ندارد چنین رابطه‌ای به ازدواج منتهی شود و آن دو با رضایت در کنار همدیگر گذران وقت می‌کنند (مسعودیان، ۱۳۹۸، ۶۲).

هم‌خانگی بدون ازدواج یا همان ازدواج سفید، پدیده‌ای است که دختر و پسر بی‌آنکه میان آن‌ها پیوند مقدس ازدواج جاری شود، به عنوان هم‌خانه با هم زندگی می‌کنند. البته قابل ذکر است این زندگی برخلاف آداب و رسوم حاکم بر فقه و شریعت شکل می‌گیرد که به دنبال آن ناهنجاری‌های اجتماعی، اخلاقی و... بسیاری را به دنبال دارد و برای دور کردن افراد جامعه از سبک زندگی اسلامی تلاش می‌کند. وجه تسمیه این نوع ازدواج، سفید بودن شناسنامه‌ی طرفین و عدم اطلاع خانواده‌ها در بیشتر موارد است.

از ازدواج سفید با هم‌باشی، هم‌خانگی، هم‌بالینی، هم‌زیستی بدون ثبت، ازدواج سیاه، روابط آزاد و هم‌سکنایی هم یاد می‌شود (گرچی‌پشتی و همکاران، ۱۳۹۸، ۳۳؛ موسی‌زاده و همکاران،

^۱ Cohabitation

^۲ live together and have a sexual relationship without being married

^۳ American Heritage

بی‌تا، ۳؛ نصرتی‌نژاد و بهرامی، ۱۳۹۶، ۳۸؛ رضانی‌فر و آدیش، ۱۳۹۷، ۲۰۰؛ گلچین و صفری، ۱۳۹۶، ۳۳).

با جمع‌بندی تعاریف ذکر شده می‌توان گفت زمانی که یک زن و مرد بدون هیچ چهارچوب حقوقی، قانونی، شرعی و عرفی اقدام به تشکیل پیوند زناشویی می‌کنند، ازدواج سفید اتفاق می‌افتد و ازدواج سفید نوعی ازدواج است که در جامعه‌های غربی وجود دارد که در آن زنان و مردان مسئولیت مادی در برابر یکدیگر ندارند و به دنبال اشباع احساسات و تمایلات جنسی هم هستند.

۱-۵- تاریخچه ازدواج سفید

در چند دهه‌ی اخیر، نهاد خانواده در جهان تحولاتی داشته است. تحولاتی که ریشه‌های آن را باید در انقلاب جنسی اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی و آمریکایی جست‌وجو کرد. یکی از مهم‌ترین نتایج انقلاب جنسی در غرب، گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج در این کشورها بوده است (ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱، ۴۵؛ درویشی‌نژاد خنار، ۱۳۹۵، ۱۵). این انقلاب، با اسطوره‌زدایی رابطه‌ی جنسی، آن را به امری عادی و معمولی تبدیل کرد که به راحتی در "قبل از ازدواج" دست یافتنی است. در این دوره، ارضای نیاز جنسی از اتکا به ازدواج جدا شد (موسی - زاده و همکاران، بی‌تا، ۴؛ قنبریان، ۲۰۱۷، ۵) و رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج و هم‌خانگی^۳، گونه‌ی نوینی از زندگی در غرب شد. با گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج، در کشورهای متعدد جهان، به تدریج سن ازدواج^۴ در این کشورها افزایش یافت و با گسترش هم‌خانگی، تعداد ازدواج نیز کاهش یافت (ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱، ۴۶).

در دوره‌های اولیه‌ی پیدایش ازدواج سفید (هم‌خانگی)، به طور غالب افراد فقیری که توانایی ازدواج نداشتند، به این گونه روابط روی می‌آوردند. اما از دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی به بعد، به تدریج هم‌خانگی در بین بیشتر طبقات و گروه‌های اجتماعی رواج پیدا کرد. در آلمان به زندگی مشترک بدون ازدواج "رابطه‌ی شبه ازدواج" می‌گویند و در دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی که جامعه‌ی آلمان چنین زندگی مشترکی را به سختی می‌پذیرفت، به این نوع زندگی مشترک بدون ازدواج، "ازدواج وحشی" می‌گفتند (ارجمند دانش، ۱۳۹۷، ۱۳) همچنین گزارش شده است بعد از جنگ جهانی دوم، در کشور آلمان، زنان میانسال به دلیل عدم قطع حقوق دوران بیوگی، رغبت به ازدواج سفید

! Sexual revolution

! premarital sex

! cohabitation

! marriage age

! marriage rate

در میان آنان بیشتر شد (موسی‌زاده و همکاران، بی‌تا، ۵).

در سال ۱۹۶۹، از نظر بیش از ۷۵ درصد آمریکاییان، رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج امری زشت و مذموم بود. در دهه‌ی ۱۹۷۰، نزدیک به ۴۰۰ هزار زوج در قالب الگوهای هم‌خانگی زندگی می‌کردند، و این آمار در دهه‌ی ۱۹۸۰ به ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار زوج رسید و در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰، از مرز ۴ میلیون گذشت. طبق آمارهای سال ۲۰۱۰، بیش از ۷ میلیون زوج (۱۴ میلیون نفر) در آمریکا، در قالب هم‌خانگی با یکدیگر زندگی می‌کنند (ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰، ۷) و بیش از دو سوم زوج‌های آمریکایی پیش از ازدواج رسمی، مدتی را بدون ازدواج، با یکدیگر، زیر یک سقف می‌گذرانند (رستمی‌زاده، ۱۳۹۶، ۷۴). در آمریکا هم‌باشی به عنوان بدیلی برای مجرد ماندن و یا بیشتر شبیه روابط آشنایی است (صفری، ۱۳۹۴، ۱۶).

این تغییرات کشورهای اروپایی را هم فرا گرفت. تغییرات خانواده در سراسر اروپا به طور یکنواخت رخ نداده است بلکه در ۵۰ سال اخیر، روند اشاعه‌ی آن از شمال اروپا به سمت جنوب در حرکت بوده است. گسترش هم‌خانگی در اروپا، که در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰ آغاز شد، در مرحله‌ی اول در شمال این قاره و در کشور سوئد به وقوع پیوست، در مرحله‌ی دوم، گسترش بیشتری یافت و در دهه‌ی ۱۹۷۰ به کشورهای مرکز اروپا مانند فرانسه، اتریش، سوئیس، آلمان، هلند و انگلستان اشاعه یافت. سپس در مرحله‌ی سوم، در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰، به جنوب اروپا و کشورهایی چون ایتالیا، پرتغال، اسپانیا و یونان انتقال یافت. به این ترتیب، ازدواج سفید در اروپا با درنوردیدن سرزمین‌های گوناگون، به تدریج از رفتار انحرافی و ناهنجار، به رفتار مرسوم و پیش پا افتاده تغییر معنا داد. در این بین روند تاریخی و تدریجی اشاعه‌ی ازدواج سفید در اروپا، سطوح متفاوتی از تأثیرات را نیز در این کشورها با خود به همراه داشته است؛ برای مثال ازدواج سفید در شمال و مرکز اروپا، به سبب تقدم تاریخی آن، رواج بسیار بیشتری در برابر جنوب اروپا دارد. این روابط، در مرکز و جنوب اروپا، از ۸۰ درصد در فرانسه تا ۱۰ درصد در ایتالیا در نوسان است (ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱، ۴۹-۴۸).

گزارش نقشه جهانی خانواده که روند تحولات نهاد خانواده در مناطق مختلف جهان را توضیح می‌دهد، نشان می‌دهد آمریکای شمالی، اروپای شمالی و غربی (سوئد و فرانسه) و اقیانوسیه دارای بالاترین آمارهای زوج‌های هم‌بالین بدون ازدواج هستند (سهراب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۹۷). در کشور سوئد، در شمال اروپا، که پیش قراول هم‌خانگی در این قاره است، بیش‌تر جوانان هم‌خانگی را به ازدواج ترجیح می‌دهند. ازدواج بدون ثبت قانونی یک سنت قدیمی در ایسلند، دانمارک و سوئد است (رمضانی‌فر و آدیش، ۱۳۹۷، ۲۰۰) و هم‌خانگی در سوئد هنجار قبل از ازدواج است و اغلب معادل ازدواج تلقی می‌گردد (افراشته، فرمانفرمایی، ۱۳۹۶، ۱۰۱). امروزه در یازده کشور اروپایی از هم‌خانگی، به مثابه‌ی یک رابطه‌ی قانونی حمایت می‌شود و زوج‌های

هم‌خانه^۱ به موازات زوج‌های ازدواج کرده با هم زندگی می‌کنند و حتی صاحب فرزند می‌شوند (ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱، ۴۷). تجربه‌ی کشورهای آمریکایی و اروپایی، نشان‌دهنده‌ی رقیب بودن دو پدیده "هم‌خانگی بدون ازدواج" و "ازدواج رسمی" است (گلچین و صفری، ۱۳۹۶، ۳۱). امروزه در غرب از دو نوع عمده‌ی ازدواج سفید یاد می‌شود: "ازدواج سفید پیش از ازدواج" و "ازدواج سفید بدون ازدواج"؛ در الگوی اول ازدواج سفید بیشتر مرحله‌ای مقدماتی و آزمایشی برای رسیدن به ازدواجی بهتر است اما در الگوی دوم، ازدواج سفید، امر ازدواج را به حاشیه رانده و خود بر مسند آن نشسته است. ازدواج سفید پیش از ازدواج به تأخیر ازدواج و ازدواج سفید بدون ازدواج، به انکار آن می‌انجامد (موسی‌زاده و همکاران، بی‌تا، ۶). به همین سبب ازدواج سفید پیش از ازدواج، کمتر به فرزندآوری منجر می‌شود؛ به عکس، در الگوی ازدواج سفید بدون ازدواج، فرزندآوری به وفور یافت می‌شود (قنبریان، ۲۰۱۷، ۷). در این میان فرایند تحولات جهانی، در چند دهه‌ی اخیر، به اروپا و آمریکا محدود نشد و به تدریج قاره‌های دیگر را هم در نوردید. با افزایش فناوری‌های ارتباطی و کوچک شدن جهان، روند تغییر الگوهای روابط جنسی به نقاط متعدد جهان هم اشاعه یافت؛ مثلاً در آسیا و در چند دهه‌ی اخیر در چین، در دهه‌ی ۱۹۸۰ به تدریج نگرش‌های عمومی به روابط جنسی پیش از ازدواج تغییر کرد و چنان گسترش و تنوع یافت که مسئله امروز جامعه‌ی چین را از روابط جنسی پیش از ازدواج به روابط جنسی خارج از ازدواج مبدل کرده است. جوانان جامعه‌ی امروزی چین حاضر نیستند ازدواج رسمی انجام دهند و در قالب‌های دیگری چون هم‌خانگی آزاد، رابطه‌ی جنسی دارند که نتیجه‌ی آن افزایش چشم‌گیر بیماری‌های مقاربتی چون ایدز برای جامعه چین بوده است (ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰، ۷-۶). هم‌زیستی بدون ازدواج یک شکل زندگی حاکم در کانادا است (رضانی‌فر، آدیش، ۱۳۹۷). میزان هم‌خانگی در کانادا، رشدی ۳۰۰ درصدی را نشان می‌دهد و از ۱۵ درصد در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ به نزدیک ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است. در قاره اقیانوسیه نیز هم‌خانگی رو به افزایش است؛ به طوری که در استرالیا از ۱۶ درصد در سال ۱۹۷۵ به بیش از ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۷ رسیده است. امروزه هم‌خانگی نه تنها در کشورهای توسعه یافته حتی در کشورهای در حال توسعه^۲ نیز در حال فراگیر شدن است. مثلاً در برزیل، در سال ۱۹۷۰ فقط ۷ درصد از جوانان رابطه‌ی هم‌خانگی داشتند اما در سال ۲۰۰۰ این رقم نزدیک به ۴۰ درصد رسیده است. در آرژانتین و ونزوئلا، در سال ۲۰۰۰، به حدود ۵۰ درصد رسیده است و در کشورهای کوبا و کلمبیا بیش از ۶۰ درصد جوانان رابطه‌ی هم‌خانگی دارند (ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱، ۴۷).

^۱. cohabiting couples

^۲. extramarital sex

^۳. developed countries

^۴. developing countries

مطالعات انجام شده در استرالیا بیانگر آن است که هم‌باشی به معنای رابطه‌ی قبل از ازدواج می‌تواند به عنوان یک زمینه‌ی آزمون برای سنجش سازگاری طرفین در نظر گرفته شود؛ لازم به ذکر است این آشنایی در ایران هم وجود دارد (صفری، ۱۳۹۴، ۱۵). براساس تحقیقات کشورهای دیگر، شکل‌گیری الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج، مقدمه‌ی پیدایش الگوهای هم‌خانگی در آن کشورها بوده و به تدریج، زمینه‌های لازم و اولیه را برای پیدایش و پذیرش فراهم کرده است (ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱، ۴۶). مطالعات زیادی در زمینه اثرات هم‌خانگی انجام گرفته است این یافته‌ها نشان داد افرادی که قبل از ازدواج با هم هم‌خانه بوده‌اند نسبت به افرادی که سابقه هم‌خانگی نداشته‌اند بیشتر در معرض خطر تعارضات و از هم گسیختگی زناشویی قرار دارند (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۸۰). اکثر زنانی که وارد این نوع رابطه شده بودند، در دراز مدت تمایل داشتند، ازدواج رسمی داشته باشند، یعنی ازدواج سفید را عاملی برای تسهیل ازدواج رسمی و درگاهی برای آشنایی قبل از ازدواج رسمی دانستند (احمدی، ۱۳۹۷، ۷).

در ترکیه، پس از تحولات اقتصادی در چند دهه‌ی اخیر، روندهای تقریباً مشابهی از تغییرات ارزش مشاهده شده است. به گفته‌ی آن‌ها، در گذشته، فرهنگ عمومی ترکیه چنان بود که روابط جنسی پیش از ازدواج در صورت آشکار شدن، به رسوایی بزرگی تبدیل می‌شد، اما در دو دهه‌ی اخیر، این دید منفی در مورد مردان کم‌کم از بین رفته؛ درحالی‌که برای دختران باکره، این روابط هم‌چنان تابو بود (ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰، ۸) در بخش‌هایی از کشور ترکیه از جمله استانبول، هم‌خانگی به‌ویژه در میان جوانان رواج دارد، در قانون ترکیه مجازاتی برای زوج‌های هم‌خانه وجود ندارد، اما اردوغان بعد از قدرت گرفتن حدود ۷۵ درصد از خوابگاه‌های مشترک دانشجویی را تعطیل یا جدا کرد که با اعتراضات گسترده‌ای از سوی منتقدان داخلی روبه‌رو شد (احمدی، ۱۳۹۷، ۶-۷).

هم‌خانگی در ژاپن و سایر کشورهای شرق اروپا بیش‌تر پیش درآمدی بر ازدواج است تا اینکه جایگزین و رقیب ازدواج باشد (کریمیان، زارعی، ۱۳۹۵). بارداری‌های ناخواسته و عوارض بهداشتی ناشی از سقط جنین غیر قانونی از تبعات ازدواج سفید به شمار می‌آید (قنبریان، ۲۰۱۷، ۹).

با افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج، در سال‌های اخیر، به تدریج شاخه‌هایی از هم‌خانگی نیز در ایران، شکل گرفته است. نخستین‌بار در سال ۱۳۹۱ مرتضی طلایی، رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر تهران، از شکل‌گیری خانه‌هایی در "شمال و جنوب شهر تهران" خبر داد که در آن دختران و پسران بدون ازدواج رسمی با یکدیگر زندگی می‌کنند (موسی‌زاده و همکاران، بی‌تا، ۳) همچنین نتایج گزارش وزارت بهداشت سال ۱۳۸۶ نشان می‌دهد که حدود ۲۰ درصد پسران و کم‌تر از ۱۰ درصد دختران تا ۲۰ سالگی رابطه جنسی را تجربه می‌کنند و

حال آن‌که بیش از ۳۰ درصد پسران تا ۲۵ سالگی رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج داشته‌اند (ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰، ۹).

۱-۶- ازدواج‌های باطل دوران جاهلیت و معاصر

در این بخش به بیان برخی از ازدواج‌های تاریخی و معاصر که وجود داشته و دارد، اشاره می‌شود.

۱-۶-۱- ازدواج‌های دوران جاهلیت (پیش از اسلام)

در عصر جاهلیت و دوران پیش از اسلام ازدواج‌های بسیاری صورت می‌گرفت که برخی از آنان به منظور ازدواج انجام می‌شد و در مقابل برخی از آن‌ها فقط برای لذت بردن و تمتع بود. عرب در جاهلیت برای انجام ازدواج از چارچوب و روش دینی خاصی پیروی نمی‌کرد و آن‌چه امروزه در برگزاری عقد ازدواج معمول و معهود است، در جاهلیت وجود نداشت.

بخاری از حضرت عایشه (سلام الله علیها) روایت می‌کند که ایشان فرموده‌اند: ازدواج در عهد جاهلیت به چهار شیوه صورت گرفت: شیوه‌ی اول همان ازدواجی بود که امروزه در میان مردم معمول است: مرد به سراغ مردی دیگر می‌رود و دختر تحت ولایت و سرپرستی او یا دختر خود او را خواستگاری می‌کند و مهریه می‌پردازد و با او ازدواج می‌کند. شیوه‌ی دیگر این بود که مرد به همسرش همین‌که از حیض پاک می‌شد، می‌گفت: بفرست فلان مرد بیاید و خودت را در اختیار او بگذار و شوهر آن زن از همسرش کناره می‌گرفت و به او دست نمی‌زد تا معلوم شود که آیا از آن مرد که خودش را در اختیار او قرار داده بود باردار است یا خیر؟ وقتی این قضیه روشن می‌شد، مرد اگر می‌خواست به سراغ همسرش می‌رفت؛ و این کار را از آن جهت انجام می‌داد که می‌خواست فرزندی از نظر طبقات اجتماعی نجیب‌تر داشته باشد؛ این ازدواج را "نکاح الاستبضاع" می‌نامیدند. شیوه‌ی دیگری نیز وجود داشت: گروهی از مردان جمع می‌شدند و مدتی هر یک از آنان هر چند بار که می‌خواست سراغ آن زن می‌رفت و وقتی زن باردار می‌شد و وضع حمل می‌کرد، بعد از گذشت چند شب به دنبال آن مردان می‌فرستاد و هیچ‌یک از آن مردان نمی‌توانست از حضور پیدا کردن نزد آن زن خودداری کند؛ بعد از اجتماع همه‌ی آن مردان، زن خطاب به یکی از آن مردان که خود دوست داشت، فرزند را به او ملحق می‌گردانید و مرد هم نمی‌توانست از پذیرفتن آن فرزند خودداری نماید. چهارمین شیوه‌ی ازدواج به این صورت بود که مردان بی‌شماری همزمان و هر وقت که می‌خواستند با یک زن رابطه داشتند و آن زن هم از ورود آنان خودداری نمی‌کرد. این زنان فاحشه بودند و بر در خانه‌هایشان بیرقی می‌زدند و آن علامت باز بودن در خانه‌ی آنان بر روی همه‌ی مردان بود. چنین زنی هرگاه باردار می‌شد و فرزند را به دنیا می‌آورد، مردان همه جمع می‌شدند و قیافه‌شناس را می‌آوردند، طبق داوری قیافه‌شناس، فرزند

به یکی از آن مردان ملحق می‌شد و آن مرد هم حق نپذیرفتن فرزند آن زن فاحشه را نداشت. بعد از بعثت محمد صلی الله علیه و سلم ازدواج‌های معمول در دوران جاهلیت را به‌جز همین ازدواج اسلامی که امروزه مرسوم و معمول است، از میان برداشته شد^۱ (صحیح بخاری، ۱۴۲۲، ۱۵/۷، حدیث ۵۱۲۷).

در کنار این ازدواج صحیح و مورد قبول شرع و اسلام، تعداد زیادی ازدواج دیده می‌شد؛ چون در منابع نام ازدواج دارند و عرب جاهلی آن را ازدواج و نکاح می‌دانست، به آن ازدواج می‌گویند.

الف - ازدواج استبضاع

استبضاع از ریشه‌ی "البُضْع" و به معنای ازدواج است (جوهری، ۱۴۳۰، ۹۸؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۷۰۳؛ اصفهانی، بی‌تا، ۱۲۹) و در اصطلاح نوعی ازدواج در جاهلیت؛ به این صورت بود اگر مردی در عرب جاهلی دوست داشت فرزندی شجاع، زیبا، سخنگو و یا کاهن داشته باشد، زن خود را زمانی که از قاعدگی پاک می‌شد، نزد آن افراد می‌فرستاد تا فرزندی شجاع، زیبا، سخنگو، کاهن و ... داشته باشد و مرد با زن خود همبستر نمی‌شد تا اینکه مطمئن شود زنش باردار است و بعد از آن فرزند به شوهر زن متعلق بود (أبوعلیان، ۲۰۱۳، ۱۴).

ب - ازدواج مضامده

مضامده از ریشه‌ی "الضَمَد" به معنای سختی، آن‌تتخذ المرأة خلیلین (این‌که زن دو دوست داشته باشد) و ابوذؤیب شاعر عرب در اعتراض به یکی از زنان اینگونه می‌گوید: تریدین کیمّا تَضَمِدینی و خالد/ و هل یُجمَع السیفان ویحک فی غمْدٍ؟ (می‌خواهی که من و خالد را هم‌زمان

^۱ . قَالَ یَحْیٰی بْنُ سَلْمَانَ: حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ، عَنْ یُونُسَ، وَحَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ صَالِحٍ، حَدَّثَنَا عَنَسَةُ، حَدَّثَنَا یُونُسُ، عَنْ ابْنِ شِهَابٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي عُرْوَةُ بْنُ الزُّبَيْرِ، أَنَّ عَائِشَةَ، زَوْجَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخْبَرَتْهُ: أَنَّ النِّكَاحَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ كَانَ عَلَى أَرْبَعَةِ أَنْحَاءٍ: فَنِكَاحٌ مِنْهَا نِكَاحُ النَّاسِ الْيَوْمَ: يَخْطُبُ الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ وَلَيْتَهُ أَوْ ابْنَتَهُ، فَيُصَدِّقُهَا ثُمَّ يَنْكِحُهَا، وَنِكَاحٌ آخَرُ: كَانَ الرَّجُلُ يَقُولُ لِلْمَرْأَةِ إِذَا طَهَّرَتْ مِنْ طَمَئِئِهَا: أُرْسِلِي إِلَى فَلَانٍ فَاسْتَبْضِعِي مِنْهُ، وَتَغْتَرِلُهَا زَوْجَهَا وَلَا يَمَسُّهَا أَبَدًا، حَتَّى يَتَبَيَّنَ حَمْلُهَا مِنْ ذَلِكَ الرَّجُلِ الَّذِي تَسْتَبْضِعُ مِنْهُ، فَإِذَا تَبَيَّنَ حَمْلُهَا أَصَابَهَا زَوْجُهَا إِذَا أَحَبَّ، وَإِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ رَغْبَةً فِي نَجَاتِهِ الْوَلَدِ، فَكَانَ هَذَا النِّكَاحُ نِكَاحُ الْإِسْتِبْضَاعِ. وَنِكَاحٌ آخَرُ: يَجْتَمِعُ الرَّهْطُ مَا دُونَ الْعَشْرَةِ، فَيَدْخُلُونَ عَلَى الْمَرْأَةِ، كُلُّهُمْ يَصِيبُهَا، فَإِذَا حَمَلَتْ وَوَضَعَتْ، وَمَرَّ عَلَيْهَا لَيْالٍ بَعْدَ أَنْ تَضَعَ حَمْلُهَا، أُرْسِلَتْ إِلَيْهِمْ، فَلَمْ يَسْتَطِعْ رَجُلٌ مِنْهُمْ أَنْ يَمْتَنِعَ، حَتَّى يَجْتَمِعُوا عِنْدَهَا، تَقُولُ لَهُمْ: قَدْ عَرَفْتُمُ الَّذِي كَانَ مِنْ أَمْرِكُمْ وَقَدْ وَلَدْتُ، فَهِيَ ابْنُكَ يَا فَلَانُ، تُسَمِّي مِنْ أَحَبَّتْ بِاسْمِهِ فَيَلْحَقُ بِهِ وَلَدُهَا، لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمْتَنِعَ بِهِ الرَّجُلُ. وَنِكَاحُ الرَّابِعِ: يَجْتَمِعُ النَّاسُ الْكَثِيرُ، فَيَدْخُلُونَ عَلَى الْمَرْأَةِ، لَا تَمْتَنِعُ مِمَّنْ جَاءَهَا، وَهَنَ الْبَغَايَا، كُنَّ يَنْصِبْنَ عَلَى أَبْوَابِهِنَّ رَايَاتٍ تَكُونُ عَلَمًا، فَمَنْ أَرَادَهُنَّ دَخَلَ عَلَيْهِنَّ، فَإِذَا حَمَلَتْ إِخْدَاهُنَّ وَوَضَعَتْ حَمْلَهَا جُمِعُوا لَهَا، وَدَعُوا لَهُمُ الْقَافَةَ، ثُمَّ أَلْحَقُوا وَلَدَهَا بِالَّذِي يَرَوْنَ، فَالْتَأَطُّ بِهِ، وَدَعَى ابْنَهُ، لَا يَمْتَنِعُ مِنْ ذَلِكَ «فَلَمَّا بُعِثَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ، هَدَمَ نِكَاحَ الْجَاهِلِيَّةِ كُلَّهُ إِلَّا نِكَاحَ النَّاسِ الْيَوْمَ»

پذیری؟ وای بر تو، آیا دو شمشیر در یک غلاف جمع می‌شود؟ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۶۵/۳؛ جوهری، ۱۴۳۰، ۶۸۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۲۹۵) و در اصطلاح مضامده به همبستری و مقاربت زن با غیر همسر خود اطلاق می‌شود. این مقاربت و همبستری در زمان‌های قحطی و خشکسالی به وجود می‌آمد تا جایی که مردم به حد اعلا‌ی گرسنگی می‌رسیدند و در این بحران، زن برای اشباع شدن و نجات از گرسنگی به مردی ثروتمند، غیر از شوهر خود، رجوع می‌کرد و آن‌قدر آن‌جا می‌ماند تا سیر شود و مالی به دست آورد سپس به نزد شوهر خود برمی‌گشت (ترمانینی، ۱۹۹۸، ۲۰).

ج- ازدواج مخادنه

مخادنه از ریشه‌ی "الْخِدْنُ" به معنای دوست و صدیق است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۳۹/۱۳؛ جوهری، ۱۴۳۰، ۳۰۹). خداوند در قرآن می‌فرماید: "وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُخَضَّنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُخْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تُصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ" (نساء/ ۲۵)

و همچنین می‌فرماید: "وَالْمُخْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُخْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ" (مائده/ ۵) ازدواج مخادنه در اصطلاح دوستی و رابطه‌ی پنهانی و غیر آشکار مرد با زنان اجنبی و غیر همسر خود است؛ همچنین زنای علنی در آن زمان مذموم بود اما روابط نامشروع پنهانی بدون عیب و ایراد تلقی می‌شد (ترمانینی، ۱۹۹۸، ۲۲).

^۱. (و اگر کسی از شما نتوانست با زنان آزاده‌ی مؤمن ازدواج کند، می‌تواند با کنیزان دخترمؤمن خودتان ازدواج نماید. خداوند آگاه از ایمان شما است. (از ازدواج با کنیزان مؤمن سرپیچی نکنید، چرا که) برخی از برخی هستید (و شما و ایشان در برابر دین یکسان می‌باشید)، لذا با اجازه‌ی صاحبان آنان با ایشان ازدواج کرده و مهریه‌ی ایشان را زیبا و پسندیده و برابر عرف و عادت (به تمام و کمال) بپردازید. کنیزانی را برگزینید که با عفت و پاکدامن باشند و زناکار نباشند و برای خود دوستانی (نامشروع) برنگزینند. اگر پس از ازدواج، از ایشان زنا سر زد، عقوبت ایشان نصف عقوبت زنان آزاده (یعنی: پنجاه تازیانه) است. ازدواج با کنیزان به هنگام عدم قدرت برای کسی از شما آزاد است که ترس از فساد داشته باشد (و بترسد به مشقتی دچار شود که به زنا منتهی گردد). و اگر شکیبایی ورزید (و از ازدواج با کنیزان خودداری کنید و بتوانید عفت خود را مراعات دارید) برای شما بهتر است. و خداوند دارای مغفرت و مرحمت فراوان است).

^۲. (و (ازدواج با) زنان پاکدامن مؤمن، و زنان پاکدامن اهل کتاب پیش از شما، حلال است، هرگاه که مهریه‌ی آنان را بپردازید و قصد ازدواج داشته باشید و منظورتان زناکاری یا انتخاب دوست نباشد).

د- ازدواج شِغار

شغار با کسر شین از ریشه‌ی "شَغَرَ" و از باب مفاعله به معنای بلند کردن، بلند کردن یک پا برای ادرار کردن همانگونه که سگ انجام می‌دهد؛ به معنای خالی بودن نیز هست: "شَغَرَ الْبَلَدَ (من الناس)" (خالی شدن شهر از مردم) زیرا ازدواج شغار خالی از صداق و مهریه است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴/۱۷۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۱۷؛ جوهری، ۱۴۳۰، ۶۰۴). در اصطلاح ازدواج شغار ازدواجی است که ولیّ دختری او را به شرطی به نکاح دیگری درآورد که او هم خواهر یا دخترش را به نکاح وی درآورد و صداق و مهریه‌ای در میان نباشد (مقنی، بی‌تا، ۱۹) و بُضْع و رابطه‌ی زناشویی و تمتع جنسی هر یک مهریه‌ی دیگری باشد. پیامبر صلی الله علیه و سلم از ازدواج شغار نهی فرموده‌اند: وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ رَافِعٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ، أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ، عَنْ أَيُّوبَ، عَنْ نَافِعٍ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا شِغَارَ فِي الْإِسْلَامِ» (صحيح مسلم، بی‌تا، ۱۰۳۵/۲، حدیث ۱۴۱۵) و همچنین حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يُوسُفَ، أَخْبَرَنَا مَالِكٌ، عَنْ نَافِعٍ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الشِّغَارِ» (صحيح بخاری، ۱۴۲۲، ۱۲/۷، حدیث ۵۱۱۲).

ه- ازدواج مَقْت (ضَيْرَن)

واژه‌ی "مقت" در لغت به معنای بغض شدید است (اصفهانی، بی‌تا، ۷۷۲)، خشم و غضب: مَنْ يُكْثِرُ التَّسَالُلَ لَا حُرَّ لَهُ كَمْ يَزَلُ يُمَقَّتُ فِي عَيْنِ الصَّدِيقِ وَيُصْفَحُ (هرکس در تندی و سوال اصرار ورزد و سماجت کند، همواره در منظر دوست مورد خشم و غضب واقع می‌شود و مورد اجابت قرار نمی‌گیرد)، وَمَا أُمَقَّتُهُ عِنْدِي (او پیش من مغضوب است) می‌باشد (زبیدی، بی‌تا، ۹۶-۹۵).

در اصطلاح ازدواج مقت، ازدواج پسر بزرگ با نامادری خویش پس از فوت پدر را گویند؛ به دو طرف ازدواج، مَمْقُوت، یعنی مورد خشم واقع شده و به محصول این ازدواج، مَقْتی، یعنی عصاره‌ی تنفر و انزجار می‌گویند (جوهری، ۱۴۳۰، ۱۰۹۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۱۶۰). در عرب جاهلی به پسر بزرگ که اقدام به این عمل غیر انسانی می‌کرد، ضَيْرَن می‌گفتند. مراتب و مراحل این نکاح چنین بود که بعد از مرگ زوج، زوجه که حکم ماترک و میراث میت را داشت مانند اموال او بین وراثت تقسیم می‌شد؛ اگر از میت، فرزندان ناتنی نسبت به این زن حضور داشتند، این زن، به فرزند بزرگ تعلق می‌گرفت و وی بعد از مرگ پدرش با انداختن لباسی بر سر این زن،

^۱ . در دین اسلام ازدواج شغار وجود ندارد.

^۲ . پیامبر (ص) ازدواج شغار را ممنوع کرده‌اند.

اولین مرحله ازدواج، که همان ممانعت از دخالت دیگران در خواستگاری یا طمع در آن زن بود را انجام می‌داد به این ترتیب این زن متعلق به پسر بزرگ شوهرش می‌شد (کلبی، ۲۰۱۵، ۱۵۳). اسلام در راستای این هدف، زواج ضیمن یا مقت را مورد تهاجم قرار داد و فرمود: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِّنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا» (نساء/ ۲۲).

و- ازدواج رَهْط یا تعدد شوهران

واژه‌ی "الرَّهْطُ" در لغت به معنای قوم، گروه، اجتماع، قبیله، جماعتی از مردان که کمتر از ده و بیشتر از سه و یا هفت تا ده و یا بین ده تا چهل بدون زنان (اصفهانی، بی‌تا، ۳۶۷؛ جوهری، ۱۴۳۰، ۴۷۱) "وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ" (نمل/ ۴۸) و پوست پاره‌ای که زنان هنگام حیض ما بین ناف تا زانو می‌پوشیدند، می‌باشد (ابن منظور، بی‌تا، ۳۰۶/۷). ازدواج رهط یا تعدد شوهران پدیده‌ای بوده که در تاریخ بسیار کهن عرب ریشه داشته به این معنی که در آن، جمعی کمتر از ده مرد، هم زمان از یک زن بهره می‌بردند تا این که فرزندی از وی متولد گردد؛ بعد از آن، زن، همه‌ی مردان را جمع می‌کرد و وی مخیر به انتخاب بهترین مرد به عنوان پدر فرزندش بود. بدین سان، زن کودکش را به یکی از مردان آن گروه نسبت می‌داد و آن مرد حق انکار آن را نداشت. به این نوع ازدواج، ازدواج مشارکتی، گروهی و دسته جمعی هم گفته می‌شد (أبوعلیان، ۲۰۱۳، ۱۵).

ز- ازدواج هم‌زمان با دو خواهر

اعراب در جاهلیت، به طور هم‌زمان با دو خواهر ازدواج می‌کرد (علی، بی‌تا، ۱۱۶۸)؛ هم‌چنین ازدواج با چند خواهر به طور هم‌زمان برای یک مرد، دور از ذهن نبود. پس از ظهور اسلام، این نکاح بنا به نص قرآن ممنوع شد: "أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ" (نساء/ ۲۳).

^۱. و با زانی ازدواج نکنید که پدران شما با آنان ازدواج کرده‌اند. چرا که این کار، عمل بسیار زشتی است و (در پیش خدا و مردم) مبغوض بوده و روش بسیار نادرستی است؛ مگر آنچه گذشته است (و در زمان جاهلیت بوده است که مورد عفو خدا قرار می‌گیرد).

^۲. (در آن شهر (که حجر نام داشت) نه گروه بودند که در سرزمین (آنجا با آراء و تبلیغ و خراب کاری خود) تباهی می‌کردند و به اصلاح (حال خویش و جامعه) نمی‌پرداختند).

^۳. (بالآخره این که خداوند بر شما حرام نمود) دو خواهر را با هم جمع آورید، مگر آنچه گذشته است (که با ترک یکی از آن دو خواهر، قلم عفو بر این کار که در زمان جاهلیت واقع شده است، کشیده خواهد شد).

۲-۶-۱- ازدواج‌های معاصر

به دلیل تنوع و تعدد ازدواج‌های معاصر امکان احصاء و استقراء تام آن‌ها وجود ندارد و تنها به بیان چند نمونه از آن‌ها اکتفا می‌شود و هدف بیان این نکته است که غالب این حالت‌ها با واژه‌ی "ازدواج" قرین گشته اما تقارن آن‌ها با این واژه به معنای تسری حکم ازدواج شرعی بر آن‌ها نمی‌باشد.

الف- ازدواج با حیوانات

ازدواج با حیوانات یکی از انواع اختلالات و انحرافات جنسی است. به رابطه جنسی با حیوانات زوفیلیا، حیوان خواهی و حیوان بازی نیز گفته می‌شود. زوفیلیا یک بیماری جنسی است که در آن انسان نسبت به حیوانات میل و انگیزش جنسی دارد. این انگیزش شامل تجسم فانتزی‌ها و تخیلات جنسی درباره حیوانات و داشتن رابطه جنسی واقعی با آنان است. اما نکته مهم این است که تمام افرادی که زوفیلیا دارند، رابطه جنسی برقرار نمی‌کنند. Bestiality (جماع با حیوانات، جانورخوبی، وطیء بهایم)^۱ به داشتن رابطه جنسی و آمیزش با حیوانات گفته می‌شود. در تفاوت این اختلال با زوفیلیا، باید گفت که زوفیلیا، یک ترجیح یا احساس خاص است و صرفاً به عمل جنسی نمی‌انجامد، اما bestiality به انجام عمل جنسی به قصد کسب لذت جنسی با حیوانات گفته می‌شود و تمام آن‌ها حتماً زوفیلیا دارند (<https://honarehzendegi.com>). در حال حاضر رابطه جنسی با حیوانات روند رو به افزایشی در پیش گرفته است و حتی برخی کشورها آن را قانونی اعلام کرده اند. رابطه جنسی با حیوانات باعث آلوده شدن گوشت حیواناتی مانند بز، گوسفند، گاو و ...، شیوع بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوان می‌شود.

امروزه در برخی کشورها و جامعه‌ها این مسئله به امر رایجی تبدیل شده است، به گونه ای که خبرهایی از ازدواج با حیوانات در مناطق مختلف دیده می‌شود. یکی از دلایل رابطه جنسی با حیوانات در برخی از افراد می‌تواند ناتوانی آن‌ها در داشتن رابطه‌ی سالم با انسان‌ها باشد. تمایل برای ازدواج و یا رابطه‌ی جنسی با حیوانات دلایل مختلفی دارد که می‌توان به مواردی همچون: عدم دسترسی یا ناتوانی در داشتن رابطه‌ی سالم با انسان و نیز، تنوع‌طلبی و بی‌میلی نسبت به رابطه‌ی جنسی با انسان اشاره نمود (<http://www.heyvafamily.com>). در عصر جدید زوفیلیا در بین برخی از مردمان جهان به اوج افسار گسیختگی خود رسیده است. طی سالیان گذشته، اخبار بسیار زیاد و متعددی از ازدواج با حیوانات در سراسر جهان مخابره شده است؛ از جمله موارد بسیار پر سرو صدا در سال ۲۰۱۰ میلادی که رسانه‌های جهان را معطوف به خود کرد،

۱. Zoophilia: sexual attraction to animals

ازدواج جوان استرالیایی ۲۰ ساله با سگ خود بود. در بسیاری از کشورها، هیچ قانونی به سبب رابطه‌ی جنسی با حیوانات وجود ندارد. به عبارتی بهتر، قانونی برای منع این عمل شنیع در کشورها حاکم نیست. در مقابل نیز، در برخی از کشورهای اروپایی، نظیر فنلاند، مجارستان و رومانی، رابطه جنسی با حیوانات قانونی است. در کشور دانمارک نیز وضعیت رابطه جنسی با حیوانات به حدی بغرنج شده است که برای ممنوعیت این عمل، دولت مجبور به تصویب قانون شده است. در سال‌های اخیر، دولت‌مردان دانمارکی تلاش زیادی را برای ساماندهی این پدیده کرده‌اند تا بتوانند دانمارک را از پایتختی گردشگری جنسی با حیوانات نجات دهند. در ایالت متحده آمریکا نیز وضعیت به مانند کشورهای اروپایی است. در حال حاضر در هشت ایالت هاوایی، کنتاکی، نوادا، نیومکزیکو، تگزاس، ورمونت، ویرجینیای غربی و وایومینگ رابطه جنسی با حیوانات آزاد است (<https://shiateb.com/Pages/newsSimpleView.aspx?gid=1&nid=2287>). در این‌گونه از ازدواج‌ها حتی مراسم ازدواج نیز با تمام شرایط یک ازدواج معمولی انجام شده و در بیشتر موارد والدین و خانواده‌ی شخص حضور داشته و از کار فرد ابراز خوشحالی می‌کنند، این در حالی است که اقدام این‌گونه افراد از سوی مؤسساتی که آزادانه و با حمایت همه جانبه‌ی دولت کار می‌کنند، حمایت‌های مالی و روانی شده و کار آنان را قانونی و بی‌عیب و نقص جلوه می‌دهد (جعفری، بی‌تا، ۱۵۳).

در دین اسلام علماء، حکم وطء با حیوانات را همان حکم زنا دانسته‌اند و بنا بر یک قول قتل آن فرد و حیوان واجب است حتی به علت قبیح بودن فعل، خوردن گوشت آن حیوان _ اگر حلال گوشت باشد _ حرام می‌دانند (قفال شاشی، ۱۹۸۸، ۸/ ۱۸-۱۷).

ب- ازدواج با خود (سولوگامی)

در دهه‌های اخیر نرخ ازدواج در غرب به نسبت قابل توجهی کاهش یافته است و فقط نیمی از بزرگ‌سالان آمریکا ازدواج کرده‌اند. در سال ۱۹۶۰، ۷۲ درصد بزرگ‌سالان ۱۸ سال به بالا ازدواج کرده بودند، در حالی که امروزه تنها ۵۱ درصد افراد این گروه سنی ازدواج کرده‌اند. سن متوسط ازدواج برای زنان به ۲۶،۵ و برای مردان به ۲۸،۷ رسیده است. آمارهای اتحادیه اروپا نیز نشان می‌دهد که از سال ۱۹۸۵، تعداد زنان متأهل ۳۰ تا ۴۰ ساله در بیشتر کشورها (به جز چین و هند) به شدت در حال کاهش است. با این حال در طول قرن‌ها همواره یک الگوی ثابت برای ازدواج در همه جای دنیا وجود داشته اما امروزه الگوهای جدید و بعضاً عجیبی از زندگی در غرب رواج یافته است. سولوگامی (SOLOGAMY) یکی از الگوهای جدیدی است که در آن فرد با خود ازدواج می‌کند. این روند در حال رشد، بیشتر در کشورهای ژاپن، استرالیا، تابوان، انگلیس و ایالات متحده مشاهده شده است. در دهه‌ی ۱۹۹۰ ازدواج با خود روندی آرام و کاملاً حاشیه‌ای

بود و تنها عده‌ی معدودی از زنان غربی با این پدیده آشنا بودند. اما در دهه‌ی بعدی این پدیده به وسیله‌ی یک سریال تلویزیونی در سال ۲۰۰۳، به جامعه معرفی شد. شخصیت اصلی داستان در مورد ازدواج با خود فکر می‌کرد. کری برادشاو بعد از اعتراض به این که دوستان متأهل او هرگز برای تصمیم او برای مجرد ماندن جشن نگرفته‌اند، ایده ازدواج با خود را به‌طور مستقیم مطرح کرد (<https://www.mashreghnews.ir/news/764570/>).

سولوگامی یا نارسسیسم^۱ (خودشیفتگی) محور اصلی این پدیده می‌باشد که بیانگر خودشیفتگی فراوان فرد به خودش است (<https://fa.wikipedia.org>). "خودشیفتگی یا نارسسیسم" پدیده‌ی آسیب‌شناختی است که ریشه در اساطیر کلاسیک یونان دارد. طبق افسانه-ها نارسیس یک مرد جوان، زیبا و خوش‌تیپ بود که تمام دختران عاشق وی شده بودند؛ اما وی بر اساس احساسات ویژه، تنها خود را زیبا و جذاب می‌دانست و به کسی توجه نمی‌کرد. سرانجام یک روز در حالی که در جنگل قدم می‌زد، برای نوشیدن آب کنار برکه‌ای توقف کرد. در این هنگام با دیدن تصویر خود در برکه، به گونه‌ای محو تماشای خود شد که در برکه افتاد و مُرد. در علم روان‌شناسی، نارسسیسم افراطی، بر اساس خصیصه‌های روانی و شخصیتی بیش از اندازه به خود و خودشیفتگی بی‌حد و حصر شناسایی می‌شود و آن را نوعی اختلال روانی می‌دانند، اختلال شخصیت خودشیفته (NPD)^۲ به صورت یک الگوی فراگیر بزرگ منشی (در تخیل یا رفتار)، نیاز به تحسین و احساس همدلی توصیف می‌شود که از اواخر نوجوانی آغاز شده و در زمینه‌های مختلف دیده می‌شود. افراد خودشیفته دارای حس غیرمنطقی برتری خود هستند و این درگیری بیش از حد با خود، موجب فقدان حساسیت و همدلی نسبت به سایرین می‌شود (زنگوله‌چی، ۱۳۹۳، ۲۵).

ج- ازدواج با هم‌جنس

ازدواج است که در آن دو زوج همجنس وارد زندگی مشترک (shared life) هم می‌شوند (درویشی‌نژاد خنار، ۱۳۹۵، ۷۴). این نوع ازدواج در فقه اسلامی به لواط (رابطه‌ی جنسی مردان با هم) و سحاق (رابطه‌ی جنسی زنان با هم) نام برده می‌شود. همانطور که روابط جنسی بین دو مرد از دیدگاه اسلام قبیح و ناپسند شمرده شده است، رابطه جنسی بین دو زن نیز دارای قبح و زشتی بسیار زیادی است. خداوند متعال زشت و قبیح بودن این عمل شیطانی را در آیاتی از قرآن بیان نموده است: "وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ إِنَّكُمْ

^۱ Narcissism

^۲ Narcissistic Personality Disorder

لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ" (اعراف / ۸۱ - ۸۰).

فرد همجنس‌گرا می‌تواند پسر، دختر یا دوست صمیمی فرد باشد؛ اگر آن‌ها این مسئله را پنهان کنند به این معنی نیست که این مسئله وجود ندارد. همجنس‌گرایی در جوامع غربی در حال مبارزه برای دریافت حق و عدالت برای خود است. یک فرد همجنس‌گرای مرد یا زن و یا یک فرد ترنس‌ممکن است در خیابان مورد اهانت قرار بگیرد و یا در برخی مکان‌های عمومی حق ورود نداشته باشد. چندی پیش در بریتانیا بحثی بین دولت و فعالان صنعت توریسم صورت گرفت که در آن برخی از هتل‌ها و مسافرخانه‌ها درخواست کرده‌اند، دولت به آن‌ها اجازه دهد زوج‌های همجنس‌گرایی که مانند هر زوج دیگر می‌خواهند یک اتاق داشته باشند را بیرون کنند. در حالی که افراد همجنس‌گرای اروپایی به شدت به دنبال گرفتن حق ازدواج در برخی کشورها هستند. این وقایع سبب شده که دنیا در این زمینه، نظری دو قطبی پیدا کند و بحث‌های سیاسی زیادی در این‌باره پیش آید و حتی در برخی کشورها کار به دادگاه‌ها بکشد (احمدی، ۲۰۰۹، ۶ و ۱۱). برخی از کشورهای غربی و تعدادی از ایالت‌های آمریکا، ازدواج همجنس‌بازان را به رسمیت شناخته و آنان از حقوقی مشابه با حقوق زنان و مردان ازدواج کرده، برخوردار کرده‌اند. با این همه، الگوی همجنس‌گرایی، گذشته از عدم مشروعیت دینی، از حیث جایگاه حقوقی نیز حتی در جوامعی مانند آمریکا به وضعیت مشخصی نرسیده است. امروزه پدیده‌ای به نام "یارگیری برای همجنس‌بازی" مطرح شده که در آن، همجنس‌بازان در قالب فرزند خواندگی کودکانی را که به فرزند خواندگی پذیرفته‌اند به رفتارهای همجنس‌گرایانه تشویق می‌کنند. این گروه، شعاری را هم برای خودشان دارند که در آن می‌گویند: "از آن جایی که هجنس‌بازان نمی‌توانند تولید مثل کنند، پس باید یارگیری کنند". کودکانی که در چنین خانواده‌هایی زندگی می‌کنند می‌توانند در معرض سوءاستفاده‌های جنسی، مشکلات روانی، مشکلات هویتی و افسردگی قرار گیرند و در بزرگسالی نیز مشکلاتی را برای خود، اطرافیان و جامعه به وجود آورند (جعفری، بی‌تا، ۱۵۵).

لواط در دین مبین اسلام، یکی از گناهان کبیره به شمار می‌آید (نووی، ۱۴۱۲، ۱۰/۱۲؛ رویانی، ۲۰۰۹، ۲۵/۱۳) و همه‌ی مسلمانان بر حرام بودن آن اجماع دارند (عمرانی، ۱۴۲۱، ۱۲/۳۶۵) الله متعال می‌فرماید: "أَتَأْتُونَ الذَّكَرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ

^۱ . لوط را هم فرستادیم و او به قوم خود گفت: آیا کار بسیار زشت و پلشتی را انجام می‌دهید که کسی از جهانیان پیش از شما مرتکب آن نشده است؟ (جای شگفت است که) شما به جای زنان به مردان دل می‌بازید و با آنان می‌آمیزید! اصلاً شما مردمان تجاوز پیشه‌اید (و به انگیزه‌ی شهوت‌رانی و هواپرستی از مرز فطرت در می‌گذرید).

^۲ . تراجنسی یا ترنسکشوال Transsexual افرادی هستند که هویت جنسیتی آن‌ها با جنسیت انتسابی هنگام تولدشان ناسازگار است و میل به انجام تغییرات دائمی در بدن برای رسیدن به صفات جنسی مورد انتظار خود با استفاده از کمک پزشکی مانند هورمون درمانی یا جراحی تطبیق جنسیت را دارند (<https://fa.wikipedia.org>).

أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ غَادُونَ" (شعراء/ ۱۶۶-۱۶۵). ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت کرده که ایشان فرموده‌اند: "لعن الله من عمل عمل قوم لوط، لعن الله من عمل عمل قوم لوط، لعن الله من عمل عمل قوم لوط - قالها ثلاثا- من وجدتموه يعمل عمل قوم لوط، فاقتلوا الفاعل والمفعول به"^۲ (سنن ابی‌داود، ۴/ ۱۵۸، حدیث ۴۴۶۲؛ سنن ترمذی، ۴/ ۵۷، حدیث ۱۴۵۶؛ سنن ابن‌ماجه، ۲/ ۸۵۶، حدیث ۲۵۶۱).

عمل لواط همانند زنا است: "وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا"^۳ (اسراء/ ۳۲) و با شهادت چهار مرد عادل ثابت می‌شود: "وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ"^۴ (نور/ ۴) و شهادت زنان در آن مورد قبول نیست (رویانی، ۲۰۰۹، ۱۳/ ۲۴) و حد و مجازات آن هم همانند حد زنا می‌باشد: "الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ"^۵ (نور/ ۲) و حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم که أبو موسی اشعری روایت می‌کند: "إذا أتى الرجل الرجلَ فهما زانيان، وإذا أتت المرأة المرأة فهما زانيتان". حد آن هم به این صورت است که اگر فرد محصن باشد، رجم و سنگسار می‌شود و اگر غیر محصن بود، شلاق و تازیانه (شربینی، ۱۴۱۵، ۵/ ۴۴۳؛ رافعی، ۱۴۱۷، ۱۱/ ۱۴۰).

بیان موارد فوق بدان دلیل بود که انواع ازدواج‌ها و آمیزش‌های جنسی مختلف در طول حیات بشر به شکل‌های مختلف وجود داشته و ازدواج‌های نوظهوری چون ازدواج سفید امری بدیع و به دور از تصور نبوده است.

۱. آیا در میان جهانیان، به سراغ جنس ذکور می‌روید (و با ایشان به جای زنان آمیزش می‌نمایید؟) و همسرانی را که پروردگارتان برایتان آفریده است، رها می‌سازید؟ بلکه شما قومی هستید که از حد می‌گذرید.
۲. خداوند کسانی را که عمل قوم لوط را انجام می‌دهند لعنت کرده است - سه بار آن را تکرار کردند- و کسانی که عمل قوم لوط را انجام می‌دهن یافتید، هم فاعل و هم مفعول را به قتل برسانید.
۳. و (با انجام عوامل و انگیزه‌های زنا) به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است.
۴. کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می‌دهند، سپس چهار گواه (بر ادعای خود، حاضر) نمی‌آورند، بدیشان هشتاد تازیانه بزنید، و هرگز گواهی دادن آنان را (در طول عمر بر هیچ کاری) نپذیرید، و چنین کسانی فاسق (و متمدن از فرمان خدا) هستند.
۵. هر یک از زن و مرد زناکار (مؤمن، بالغ، حرّ، و ازدواج ناکرده) را صد تازیانه بزنید و در (اجرای قوانین) دین خدا رأفت (و رحمت کاذب) نسبت بدیشان نداشته باشید، اگر به روز قیامت ایمان دارید، و باید گروهی از مؤمنان بر (اجرای حکم ناظر، و به هنگام زدن تازیانه‌ها و) عذاب ایشان حاضر باشند.

۷-۱- زمینه‌ها و عوامل پیدایش ازدواج سفید

پدیده‌ی ازدواج، همچون دیگر ابعاد زندگی انسان‌ها، رو به تغییر است. در گذشته ازدواج‌ها در فضای واقعی اتفاق می‌افتاد، اما در حال حاضر، شاهد الگوهای جدیدی هستیم که با گسترش جوامع و تغییر ارتباط آن‌ها شکل گرفته است. در مدل ازدواج‌های جوامع امروزی با یکسری از مشکلات و چالش‌های جدی مواجه هستیم که برکت و دوام این بنای نسل بشری را گاهی با تهدیدهای جدی مواجه کرده است. ازدواج‌های مجازی، طلاق‌های عاطفی، چشم و هم‌چشمی‌ها، مهریه‌های سنگین، گرایش به سمت همراهی‌های غیرمشروع مانند ازدواج سفید، نمونه‌ای از این دست تهدیدها به شمار می‌آید. در ذیل مهم‌ترین عوامل پیدایش ازدواج سفید به طور مختصر بیان خواهد شد.

۱-۷-۱- فقر مالی

بدون تردید فقر و نابرابری‌های اقتصادی از زمره‌ی مهم‌ترین معضلات جامعه بشری است که از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر مسائل اجتماعی برخوردار است. مشکلات فقر منحصر به پیامدهای خود فقر نمی‌باشد، بلکه مشکلات این مساله‌ی اجتماعی زمانی شدت پیدا می‌کند که بستر ساز انحرافات می‌گردد. از یک سو فقر متأثر از نابرابری در درآمد است و از سوی دیگر نابرابری اقتصادی هم مؤید وجود فقر است. فرهنگ فقر نوعی شیوه زندگی است که از راه یادگیری در خانواده و اجتماعی شدن از نسلی به نسلی انتقال می‌یابد و بسان هر فرهنگ دیگر الگوهای زندگی و ارزشی خاصی دارد. فقر و محرومیت در اثر بی‌انگیزه بودن افراد و نیز توانایی نداشتن آنها به وجود می‌آید و به نوعی به آنها تحمیل شده است. اگر عده‌ای در وضعیتی قرار بگیرند که فرصت‌های محدود برای پیشرفت و ترقی داشته باشند، برای موفق شدن فشار زیادی به آنها وارد می‌شود؛ به ناچار به هر وسیله‌ای چه مشروع و چه نامشروع متوسل می‌گردند و واکنش‌های متعددی از خود نشان می‌دهند. امروزه نیازهای مادی بنیادین انسان را بدین گونه برمی‌شمارند: خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش، نقل و انتقال، تشکیل خانواده، ورزش و اوقات فراغت. فقری که در این نوشتار مورد نظر است، آن چیزی است که در مقابل غنی و ثروت به کار می‌رود و براین اساس در اینجا معانی دیگر فقر از قبیل فقر فرهنگی، فقر نفسی، فقر معنوی و فقر دینی، مورد نظر نیست. مفهوم فقر مفهومی انعطاف‌پذیر است و در آن بی‌نیازی فرد و رسیدن زندگی فقیرانه به سطح زندگی بقیه مردم مفروض گفته می‌شود. تأکید دین مقدس اسلام بر رفع فقر و مبارزه با آن در کنار جلوگیری از انباشت ثروت و زراندوزی نشانگر آن است که این دو پدیده یعنی فقر و غنی آثار و پیامدهای منفی و مشکل‌زایی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارند، به گونه‌ای که اگر نسبت به آن اقدام مناسب از سوی فرد و جامعه صورت نپذیرد، معضلات و مشکلات

گسترده‌ای در جامعه ایجاد می‌گردد. فقر به تنهایی مسئله‌ای برای نظام اجتماعی در بر ندارد و آسیب خاصی به آن نمی‌رساند؛ اما با تغییر شرایط جامعه و بالا رفتن توقعات و احساس نیازها، افراد به نوعی تضاد درونی دچار می‌شوند و یک وضعیت بی‌هنجاری در جامعه پدید می‌آید که می‌تواند زمینه‌ساز جرائم شود (مسعودیان، ۱۳۹۸، ۶۶؛ کریمیان و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۹۲).

اگرچه رعایت رسوم و آداب ازدواج جزئی مهم از فرایند ازدواج هستند و آن را از امری فردی به امری فرهنگی- اجتماعی ارتقا می‌دهد، اما به جهت تبدیل این رسوم به مراسمات پر خرج و تجملاتی، خود تبدیل به یکی از موانع ازدواج شده است. طبق آمارهای سال ۱۳۹۹ در حال حاضر جمعیت کشور بیش از ۸۴ میلیون نفر است. از این میزان جمعیت ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار جوان در سن ازدواج و مجرد در کشور وجود دارد و ۲۲۰ هزار نفر از جمعیت کشور تا ۵۰ سالگی ازدواج نکرده و مجرد قطعی محسوب می‌شوند (www.irna.ir/news/).

بدین ترتیب یکی از گزینه‌هایی که فراروی افرادی که به لحاظ مالی دچار فقر و تنگدستی می‌باشند، قرار می‌گیرد، ازدواج سفید است که به خاطر حذف برخی تشریفات، هزینه‌های آن کمتر است. با این همه، اگرچه نباید فقر مالی را تنها عامل در تشکیل و شیوع ازدواج سفید در جامعه شناسایی نمود، اما نمی‌توان از جایگاه مهم آن هم در شکل‌گیری چنین روابطی صرف‌نظر کرد.

۱-۷-۲- تنوع‌طلبی جنسی

انسان موجودی کنجکاو است و این کنجکاو بودن سبب کشف پدیده‌های جدید و بدیع می‌گردد. از نتایج این حس، تنوع‌طلبی است به همین دلیل از تکرار احساس ملال و رکود می‌کند. در واقع این خصلت و توانمندی می‌تواند سبب پیشرفت و تعالی انسان گردد، چنان‌که می‌تواند زمینه سقوط و هلاک او را نیز فراهم آورد.

تنوع‌طلبی اگر در مسیر درست به کار گرفته شود، انسان را به دنبال کسب دانسته‌های بیشتر و دانش‌های جدید می‌کشد و با این نگرش، تنوع‌طلبی زمینه‌ی کمال فردی و اجتماعی است؛ اما همین ویژگی اگر به صورت نامناسب به کار گرفته شود، می‌تواند سبب انحطاط و هلاک فرد و اجتماع باشد.

تنوع‌طلبی جنسی SVS^۱ به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده‌ی ثبات و تداوم زندگی مشترک و از دشوارترین موارد برای درمان به حساب می‌آید که منجر به مواردی نظیر افسردگی، خودآزاری، ضرب و شتم همسر، اقدام به خودکشی، عفونت ناشی از ویروس ایدز، بارداری‌های ناخواسته و سقط جنین و بحران زناشویی می‌شود و در همسر زخم‌خورده، نشانه‌هایی

! Sexual Variety seeking Scale

شبیه اختلال پس از ضربه، افسردگی، کاهش اعتماد به نفس، از دست دادن هویت و احساس بی‌ارزشی به وجود می‌آورد. برخی افراد در فرایند ارضای نیازهای خود به ویژه نیاز جنسی، به گونه‌ای افراطی عمل می‌کنند که زمینه‌ی اعتیاد جنسی در این افراد را فراهم می‌کند (رضاییان بیلندی و همکاران، ۱۳۹۵، ۸).

در ازدواج سفید که در آن هیچ‌گونه تکالیف و حقوق قانونی بر آن مترتب نمی‌شود، چنین افرادی به سهولت این امکان را پیدا می‌کنند که تمایل مبتنی بر تنوع‌خواهی جنسی خود را ارضاء نمایند.

۱-۷-۳- مسئولیت‌گریزی

بروز بی‌مسئولیتی در میان جوانان سبب شده است تا خانواده‌ها مقصر شناخته شوند و ریشه این عادت را در تربیت خانوادگی بررسی شود. از سوی دیگر با شیوع ویژگی بی‌مسئولیتی در میان نوجوانان و جوانان ما امروز با نسلی رو به رو هستیم که برای رهایی از مسئولیت از تشکیل زندگی و ازدواج هم‌طرفه می‌روند در واقع این ایده در جامعه شکل گرفته است که با شانه خالی کردن از زیربار مسئولیت می‌توان راحت‌تر زندگی کرد. از نظر جامعه‌شناختی هر نقشی انتظاراتی به همراه دارد و با گرفتن نقش‌های جدید، از انسان‌ها انتظارات جدیدی نیز به وجود می‌آید. تشکیل خانواده مستلزم مسئولیت‌پذیری و تعهد طرفین است و چون ازدواج سفید نوعی شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت است، این نوع زندگی مشترک بدون قید و بند برای افراد مسئولیت‌گریز وجود دارد. در ازدواج سفید این امکان برای افراد مهیا است تا بدون تحمل هرگونه مسئولیتی، هر لحظه که تمایل داشتند، مخاطب خود را رها نموده و به زندگی با وی خاتمه دهند.

۱-۷-۴- تضعیف باورهای مذهبی

از عوامل ناظر بر تشکیل و شیوع ازدواج سفید در جامعه، تضعیف عقاید و باورهای مذهبی اعضای همان جامعه می‌باشد. زمانی که باورها و ارزش‌های دینی و مذهبی جامعه‌ای متزلزل شود، وضعیت اخلاقی جامعه تضعیف شده و زمینه برای بروز آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌شود. آسیب‌های اجتماعی کارکردهای منفی بسیاری برای افراد و جوامع دارند؛ بر اثر همین آسیب‌های اجتماعی، باورهای دینی جوانان و میل برای تشکیل خانواده ضعیف شده است.

در همه‌ی عصرها، زنان و مردان به شدت نیازمند ایجاد رابطه بوده و هستند. فرد تنهای دنیای امروز به دنبال پر کردن این خلأ در پی رابطه‌ای است که احساس امنیت و آزادی را توأمان داشته باشد. رابطه‌ای که در آن نیاز فرد برآورده شود؛ اما تعهدی جدی به پایدار ماندن این رابطه و پاسخگویی به انتظارات طرف مقابل وجود نداشته باشد. آن‌چه انسان مدرن را از رابطه هراسان

می‌کند، تعهدی است که بهای آن آزادی او باشد (اکبرزاده و هاشمیان‌فر، ۱۳۹۸، ۱۸۴). نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی خانواده مطرح می‌کنند که نرخ افزایش‌یابنده‌ی هم‌باشی یک راهکار مدیریت ریسک در پاسخ به محاسبه‌ی خطر طلاق است. از منظر جامعه‌ زمانی که ازدواج تضمین بلندمدتی برای زندگی فراهم نمی‌کند، هم‌باشی یا همان ازدواج سفید فرصت ازدواج آزمایشی را پیش روی می‌گذارد که در آن زوجین می‌توانند یکدیگر را و نقش‌های مذاکره‌ای و مهارت‌های ارتباطی را قبل از ازدواج بشناسند که این‌گونه به نظر می‌رسد احتمال فروپاشی ازدواج را کاهش دهد. انقلاب طلاق هم‌باشی را افزایش داد؛ به این معنی که ازدواج را به تأخیر می‌اندازند تا این‌که آن‌ها با تجربه‌تر و عاقل‌تر گردند و این پدیده امروزه می‌تواند به سادگی بیشتری با موافقت مردان و زنان در خصوص رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج و هم‌باشی اتفاق بیوفتد (صفری، ۱۳۹۴، ۲۵).

در خصوص هم‌باشی به دو دلیل عمده می‌توان اشاره نمود؛ دلیل اول میل اساسی به گریز از مرد سالاری و دومین دلیل رهایی از شیفتگی به ازدواج به عنوان یک نهاد مؤثر است (صفری، ۱۳۹۴، ۲۷) وقتی جامعه‌ای مدرن می‌شود، فقط شهرها، روستاها، کارخانه‌ها و مدارس را تغییر نمی‌دهد، بلکه موجب تغییر در روابط اجتماعی هم می‌شود. وقتی زنان تحصیل می‌کنند و استقلال اقتصادی پیدا می‌کنند، دیگر حاضر نیستند قوانین مردسالارانه را بی‌چون‌وچرا بپذیرند (قنبریان، ۲۰۱۷، ۴). امروزه ازدواج سفید از جمله تغییراتی است که در الگوی خانواده رخ داده است و فقط شکل خانواده و ترکیب آن نیست که دچار تغییر شده است بلکه توقعات و انتظارات اعضای خانواده از روابط و مناسبات خویش نیز دچار تغییر شده است. در دوران حاضر رابطه، مفهومی فعال است که اگر قرار باشد در طول زمان دوام بیاورد، باید اعتماد طرف مقابل جلب شود. جامعه برای ادامه بقای خود نیازمند انسان‌هایی است که متعهد و مسئولیت‌پذیر باشند. وقتی شخصی حاضر به پذیرفتن مسئولیت یک خانواده نباشد چگونه می‌تواند در جامعه مسئولیت‌های سنگین‌تر و مهم‌تری را قبول کند؟ (ابراهیم‌پیری، ۱۳۹۶، ۲۶).

احتمال بر هم خوردن ازدواج‌های سفید بسیار بالاتر از ازدواج‌های رسمی است. این زوجها هیچ تعهد حمایت مالی در برابر همسر خود ندارند و بیشتر اوقات خود را به تفریحات مجردی می‌گذرانند و این روابط بی‌تعهد فقط بر معامله هم‌زیستی پابند هستند. طبیعت موقت و غیر رسمی ازدواج مفید، سرمایه‌گذاری در این رابطه و حمایت کردن را برای خانواده‌ی دو طرف هم سخت‌تر می‌کند (ابراهیم‌پیری، ۱۳۹۶، ۳۸). این پدیده اگرچه حاصل آسیب‌های اجتماعی است، اما خودش را باید به عنوان یک واکنش اجتماعی در مقابل ساختارها و نهادهای سفت و سخت جامعه در نظر گرفت. این نوع سبک زندگی، تأثیرات ژرفی بر پیکره‌ی نهاد خانواده می‌گذارد که به مرور زمان با گسترش این روند و توسیع این مدل سبک زندگی و به تبع آن تعداد عقد نکاح و تشکیل خانواده، آثار دهشتناک خود را مبرهن خواهد نمود و آن ثباتی که در زندگی دائمی و

زناشویی به معنای حقیقی می‌توان احساس کرد، در این روابط وجود ندارد (اکبری، ۱۳۹۵، ۲). مطالعات صورت گرفته در زمینه دلایل گرایش افراد به هم‌خانه شدن چندان با هم توافق ندارند و دلیل عمده‌ی آن این است که هر محقق از یک دیدگاه خاص به قضیه نگریسته است. روان‌شناسان دلایل گرایش به این سبک زندگی را به صورت زیر توضیح می‌دهند:

- پتوی محافظتی: این نوع ارتباط زمانی اتفاق می‌افتد که یک شریک خیلی وابسته یا نایمن است. او رابطه با هر فردی را که تنها باشد ترجیح می‌دهد. شریک نایمن اغلب ارتباط آزادی را که در آن یک رابطه‌ی موفق بتواند رشد کند، مشکل می‌داند و شریک قوی‌تر احساس می‌کند که نمی‌تواند از زوج ضعیف‌تر انتقاد کند. رهایی: بعضی از مردم از با هم زندگی کردن به عنوان شیوه‌ای برای رهایی از دست ارزش‌ها و نفوذ والدین استفاده می‌کنند. این افراد به دلیل عدم احساس استقلال وارد این نوع زندگی مشترک می‌شوند. در این شکل از زندگی فرد در رنج است زیرا از یک وضعیت وابسته، وارد وضعیت وابسته دیگری شده است.

- آسایش: رابطه‌ای که در آن یک فرد گیرنده و فرد دیگر دهنده است و اغلب ارتباطی از نوع راحتی یا آسایش است. ارتباطات هم‌زیستی از این نوع ممکن است شامل مردی باشد که مهارت خانه‌داری خوبی دارد و زن عرضه‌کننده‌ی عشق، امید و نگه‌داری خانه را بر عهده می‌گیرد و در هنگام جدایی مرد چیزی از دست نمی‌دهد و زن هم یاد گرفته است انتظار زیادی از مرد نداشته باشد.

- آزمایش کردن: بعضی از مردم زندگی کردن با هم را به عنوان یک زمینه آزمایشی واقعی برای ازدواج کردن می‌دانند. اگر هر دو شریک پخته باشند و آگاهانه برای زندگی کردن با هم تلاش کنند، این امر خود می‌تواند از برخی جهات نشانه‌ی تشابه در ازدواج باشد اما در هر صورت آمادگی مناسب برای ازدواج نمی‌باشد. جامعه‌شناسان دلایلی هم‌چون: مزیت‌های اقتصادی، افزایش زمان با هم بودن، افزایش صمیمیت، انحلال بدون دردسر، آزمودن سازگاری و ازدواج آزمایشی را برای هم‌خانه شدن بیان نموده‌اند (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۸۳؛ کریمیان و زارعی، ۱۳۹۵، ۴۷).

آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ی کیفی خود به بررسی دلایل شیوع هم‌خانگی پرداخته‌اند. این تحقیق ویژگی‌های افرادی که تمایل به روابط هم‌خانگی به جای ازدواج را دارند، چنین برشمرده است: دو شریک اغلب افرادی شاغل و با تحصیلات دانشگاهی و تفکر انتقادی روشن فکرا نه هستند که به طور معمول به بهانه‌ی تجربه‌ی زندگی مجردی و مستقل، از خانه پدری بیرون آمده‌اند و بدون آن که والدین را از ماجرا با خبر کنند، به زندگی مشترک بدون ازدواج با یکدیگر روی آورده‌اند.

در تبیین جامعه‌شناختی چرایی پیدایش روابط ازدواج سفید و گزینش این نوع الگوی زندگی

از سوی جوانان امروزی، در این بخش مهم‌ترین عوامل، زمینه‌ها و بسترهایی که در گزینش این پدیده‌ی خطرناک دخالت دارند، بیان می‌شود: اومانیسم، آموزه‌های فمینیستی، گسترش روابط دختر و پسر، تغییرات فرهنگی، آزمایش میزان همسانی و ناسازگاری، مشکلات مالی جوانان، گسترش سکونت انفرادی، محک‌زدن رابطه، عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری، مشکلات اقتصادی، توقعات بالای دختران، الگوبرداری از رسانه‌های نوین ارتباطی، عدم اعتقاد به ازدواج، آشنایی بیشتر، سست شدن اعتقادات مذهبی، افزایش مردان تنها و زنان بیوه ناشی از طلاق (میر محمدی عزیزی، بی‌تا، ۵؛ قنبریان، ۱۳۹۷، ۴)، ناامنی شغلی، ورود سرمایه‌داری، بالا رفتن سن ازدواج به خصوص قشر تحصیل‌کرده‌ی اجتماع، پیدایش روابط مقطعی، مهاجرت و سکونت افراد در شهرهای بزرگ به دلایل کاری و تحصیلی و عدم نظارت خانواده‌ها، (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۸۵).

۱-۸- آسیب‌های ازدواج سفید

ازدواج سفید همواره به دلیل نداشتن یکی از ارکان صحیح شرعی از نظر فقهی، ازدواجی شرعی و قانونی به شمار نمی‌آید. در با هم بودنی به نام ازدواج سفید، سه حالت قابل تصور است: حالت اول حالتی است که طرفین با قصد ازدواج در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و علاوه بر آن ایجاب و قبول لفظی را نیز به کار می‌برند اما در این حالت سایر شرایط صحت ازدواج شرعی وجود ندارد. در حالت دوم، قصد طرفین از هم‌باشی و زندگی زیر یک سقف بدون ازدواج این است که مدتی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند تا با ارزیابی هم به این نتیجه برسند که آیا می‌توانند طرف مقابل را به عنوان همسر خود انتخاب نمایند یا خیر؟ به عبارت دیگر قصد دو طرف از هم‌باشی، ازدواج است و ممکن است در این مسیر این قصد پابرجا بماند یا در گذر زمان قصد ازدواج شرعی کمرنگ گردیده و در نهایت نابود شود و آخرین حالت متصور، طرفین قصد و اراده برای تشکیل خانواده ندارند و قصد آن‌ها هم‌باشی موقت است و اراده و قصد برای عقد مخدوش است (لشنی، ۱۳۹۷، ۱۳۳). محققان و جامعه‌شناسان وجود چنین پدیده‌هایی را مخرب می‌دانند و ازدواج سفید و انتخاب مجرد به جای ازدواج را مجموعه‌ای از عوارض این فروریختگی می‌نامند. ازدواج سفید را می‌توان به نوعی نتیجه فردگرایی مطلق در جامعه دانست که در نتیجه آن افراد با هدف سلب مسئولیت و تعهد به آن روی می‌آورند. موقت و بی‌تعهد بودن ازدواج سفید منجر می‌شود فواید ازدواج‌های رسمی اهمیتی برای زن و مرد نداشته باشد و مهم‌تر از همه زندگی کردن با یک نفر بدون اینکه با او ازدواج کند باعث کاهش جذابیت ازدواج برای افراد می‌شود. در ازدواج سفید آنچه بسیار به چشم می‌آید احساس عدم امنیت روانی برای هر دو طرف و به خصوص برای دختران و زنان است. از آنجا که ساختار خلقت و شخصیت زنان بسیار هیجانی، لطیف و بر اساس ظرایف و پیچیدگی‌های خاص آن‌ها طراحی شده، این‌گونه روابط تأثیر مخرب و

فاجعه‌آمیزی بر ذهن و روان آن‌ها بر جای می‌گذارد و از سوی دیگر در چنین ارتباطاتی برای فرزندان و بارداری‌های احتمالی هیچ پیش‌بینی صورت نگرفته و همین امر، خود میزان فرزندان و کودکان نامشروع، بدون شناسنامه و آمار سقط جنین غیرقانونی و مرگ و میر ناشی از آن می‌افزاید. این نوع رابطه‌ها که نمی‌توان نام ازدواج را بر آن نهاد، آسیب‌های بسیار جدی به خصوص برای دختران و زنان را به دنبال دارد.

روی آوردن جوانان به سبکی از زندگی که در آن از چتر حمایت قانون برخوردار نبوده و رابطه‌ی آن‌ها از نظر اجتماعی نیز دارای مشروعیت نیست، می‌تواند پیامدهای زیادی داشته باشد. چنانچه زن در طول این زندگی مشترک، در معرض خشونت فیزیکی و جنسی و به طور کلی خشونت خانگی قرار گیرد، قانون از او حمایت نخواهد کرد، کودک او بدون شناسنامه و محروم از تحصیل و حقوق شهروندی خواهد بود و نمی‌تواند برای خود و فرزندش ادعای نفقه کند و در مجموع، زنان در این نوع روابط همواره در معرض آسیب‌های متعدد اجتماعی، روانی، اقتصادی و حتی جسمی قرار می‌گیرند (گلچین و صفری، ۱۳۹۶، ۳۳). هر قدر یک فرد فعالیت‌های شغلی و تفریحی و اوقات فراغت وی بیشتر باشد، احتمال اینکه رو به ازدواج سفید آورد، بیش‌تر است. افرادی که تن به ازدواج سفید می‌دهند به خاطر بی‌قیدی و عدم پایبندی به رابطه‌شان بی‌شک با افراد متعددی رفت‌وآمد خواهند داشت و چون به مانند ادوار سابق، منزلی که در آن سکنی گزیده‌اند، دارای حرمت از پیش تعیین شده‌ای نیست، موجب می‌شود که طرفین، دوستان و افراد متعددی را به داخل حریم شخصی‌شان راه دهند (اکبری، ۱۳۹۵، ۵).

براساس پژوهش‌های انجام شده در جوامعی که ازدواج سفید در آن‌ها وجود دارد، مطالعات طولی گسترده‌ای به وسیله‌ی کارشناسان حوزه‌ی جامعه‌شناسی در زمینه اثرهای هم‌خانگی بر زنان انجام گرفت. بر اساس این یافته‌ها، حدود ۱۶ درصد زنانی هم‌خانه‌ای که از شریک خود جدا شده‌اند، به مصرف داروهای روان‌پزشکی روی آورده‌اند، در حالی که فقط ۸ درصد مردان دارو مصرف می‌کنند. در کشورهایی که هم‌خانگی از شیوع بالا و مقبولیت برخوردار نیست، بهزیستی روان‌شناختی زنان هم‌خانه نسبت به زنان متأهل کم‌تر است. زنانی که پیش از ازدواج با همدیگر هم‌خانه بوده‌اند، نسبت به افرادی که سابقه هم‌خانگی ندارند، بیش‌تر در معرض تعارض‌ها و از هم گسیختگی زناشویی قرار دارند و این زنان بیش‌تر مورد سوء استفاده جسمی و مالی قرار می‌گیرند. از دلایل گرایش زنان به ازدواج سفید و هم‌خانگی چندین مقوله را می‌توان استخراج نمود از جمله: عدم آمادگی برای ازدواج، وابستگی عاطفی و نداشتن عزت نفس، افزایش زمان با هم بودن، ارضای نیازهای جنسی، کاهش کنترل والدین، تردید و دودلی در زمینه‌ی ارزش ازدواج، صرفه‌جویی در مخارج دو طرف، ترس از محدود شدن آزادی و مسئولیت‌پذیری، پرتنگ شدن نقش شبکه گروه‌های دوستی و آزمودن سازگاری و ازدواج آزمایشی (کریمیان، زارعی، ۱۳۹۵).

آسیب‌هایی که در این رابطه‌ها به وجود می‌آید، از دست دادن آرامش و امنیت روانی، به کارگیری عواطف در مسیر نادرست، احساس از دست دادن شرافت، بی‌مسئولیتی، زدودن قلب از عشق الهی و معنویت، محروم شدن از فواید ازدواج پاک، افول ازدواج، فروپاشی نهاد خانواده، عدم تربیت نسلی پاک، هنجار شکنی دینی، تنزل جایگاه زن و موالید ناخواسته می‌باشد (میر محمدی عزیزی، بی‌تا، ۶) چرا که تصور دو طرف به خصوص زنان از این رابطه ارتباطی دائم بوده که منجر به ازدواج رسمی می‌شود.

فصل دوم

تطبیق و ارزیابی فقهی ازدواج سفید با مبانی فقه شافعی

در این بخش برای تحلیل بهتر ازدواج سفید، در دو حوزه‌ی فقهی و مقاصد شرعی بررسی و در هر مورد به تطبیق احکام فقهی و مقاصد شریعت با بحث حاضر پرداخته شده است.

۱-۲- تطبیق ارکان و شروط ازدواج سفید با مبانی فقه شافعی

عقد ازدواج همچون سایر عقود دارای شرایط و ارکانی است که فقدان آن‌ها سبب بطلان ازدواج می‌گردد و آثار شرعی بر آن مترتب نمی‌شود. شرط رسمیت و مشروعیت یافتن امر ازدواج وجود ارکان آن می‌باشد که شامل: صیغه- زوج و زوجة- دو نفر شاهد و ولیّ (ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷، ۲۲۰/۷؛ شربینی، بی‌تا، ۴۰۸/۲؛ غزالی، ۱۴۱۷، ۴۴/۵). در ذیل به بیان ارکان مذکور از نگاه فقه شافعی اقدام کرده و بعد از بیان هر رکن به تطبیق و تحلیل آن با ازدواج سفید پرداخته خواهد شد.

۲-۱-۱- عدم وجود صیغه

وجود اراده به تنهایی برای تحقق عقد ازدواج کفایت نمی‌کند، بلکه اراده باید اظهار و بیان شود. اظهار و بیان ازدواج هم با «صیغه عقد» منعقد می‌شود که بر قصد و تراضی طرفین دلالت دارد. رکن صیغه خود شامل "ایجاب" و "قبول" است. ایجاب و قبول الفاظی هستند بین ولیّ زوجة و زوج. "ایجاب" رضایتی که از جانب یکی از متعاقدين صادر می‌شود و لفظ "قبول" رضایتی در مقابل ایجاب است. قوانین و ضوابطی بر صیغه‌ی ازدواج حاکم است که باید همه آن‌ها موجود باشد تا رضایت طرفین به طور شفاف و دقیق نمایان شود تا بر اساس آن، این عقد مهم شکل گیرد (ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷، ۲۱۷/۷).

برای انعقاد صیغه‌ی عقد ازدواج، شروطی لازم است:

- صیغه‌ی ایجاب و قبول باید مشتقی از الفاظ "تزویج" یا "انکاح" باشد، زیرا معنای دقیق ازدواج از آن‌ها استنباط می‌شود و سایر الفاظ مفید فایده نیستند و ازدواج جز با همین دو واژه، منعقد نمی‌شود. در آیات قرآن برای ازدواج از این واژه‌ها به کار برده شده است: (احزاب/ ۳۷)، (نساء/ ۲۲).

البته قابل ذکر است که انعقاد صیغه با الفاظ عجمی و غیرعربی هم صحیح و درست می‌باشد و باید صریح در معنای ازدواج باشد. برخلاف سایر عقود، استفاد از الفاظ کنایی در عقد ازدواج، که هم معنی ازدواج را دارد هم غیر ازدواج، جایز نمی‌باشد. هدف از ایجاب و قبول، کشف رضایت درونی طرفین عقد ازدواج است که باید با الفاظ صریح باشد. به طور مثال ولیّ زوجة خطاب به زوج می‌گوید: "زَوَّجْتُكَ هَذِهِ بِنْتِی فَاطِمَةُ" (دخترم فاطمه را به ازدواج تو در آوردم) و زوج در جواب بگوید: "قَبِلْتُ هَذَا النِّكَاحَ/ التَّزْوِیجَ" (من این عقد ازدواج/ نکاح را قبول کردم)، در این جا

عقد ازدواج به طور صحیح منعقد شده است. در مقام قبول باید از "قَبِلْتُ" و "رَضِيتُ" استفاده شود (قَبِلْتُ هذا النکاح). اگر فقط بگوید: "قَبِلْتُ"، این عقد صحیح نمی‌باشد (غزالی، ۱۴۱۷، ۵/۴۴-۵۰).

- کسانی که قدرت تکلم ندارند، فرقی نمی‌کند که فرد لال، طرف ایجاب باشد یا طرف قبول، می‌توانند با اشاره قابل فهم و متداول صیغه را بیان کنند، اما فرد دارای قدرت تکلم و ناطق نمی‌تواند از اشاره استفاده کند (ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷، ۲۱۹/۷؛ غزالی، ۱۴۱۷، ۵۰/۵؛ ابن قاضی، ۱۴۳۲، ۳۴/۴).

- تعلیق در عقد موجب بطلان عقد می‌شود و عقد باید در زمان گذشته منعقد شود نه مضارع و نه امر، زیرا اگر به زمان مضارع باشد می‌تواند حمل بر وعده دادن شود و اگر به زمان امر باشد، احتمال طلب و خواهش کردن دارد که در این صورت عقد باطل است. به طور مثال ولیّ زوجّه بگوید: "اگر فلانی از سفر برگردد، دخترم را به نکاح تو درمی‌آورم"، در این جا چون لفظ معلق به بازگشت فلانی است، عقدی منعقد نمی‌شود و حتی قرار دادن مدت برای عقد ازدواج هم موجب بطلان است. در نتیجه عقد ازدواج باید قطعی، دائمی و غیر موقت به شرط و زمان آینده باشد (شریبینی، بی تا، ۴۱۰/۲).

- بیان و شروع ایجاب و قبول از جانب هر کدام از ولیّ زوجّه و زوج صحیح می‌باشد و مقدم داشتن ایجاب بر قبول، شرط نیست. بنابراین اگر ولیّ بگوید: "زَوَّجْتُکَ" و زوج بگوید: "قبِلْتُ التزویج" یا اگر زوج بگوید: "دخترت را به ازدواج من درآور" و ولیّ بگوید: "او را به ازدواج تو در آوردم"، در هر دو صورت عقد ازدواج منعقد می‌شود (شریبینی، ۱۴۱۵، ۲۲۷/۴).

- باید در ایجاب و قبول اتحاد لفظ وجود داشته باشد. ولیّ زوجّه می‌گوید: "دخترم را با ۵۰ مثقال طلای ۱۸ عیار به نکاح تو درآوردم" و زوج در جواب بگوید: "این نکاح را با ۲۰ مثقال طلای ۱۸ عیار قبول کردم"؛ به طور قطع این عقد صحیح نمی‌باشد و عقدی صورت نمی‌گیرد، زیرا بین ایجاب و قبول اتحاد وجود ندارد. صیغه ایجاب و قبول قلب یکی از ارکان اصلی عقد ازدواج است و باید صراحت و رضایت در آن به طور کامل پیدا باشد.

- در قبول، فوریت شرط است بدین معنی که بین ایجاب و قبول نباید فاصله باشد؛ اگر فاصله بین آن‌ها طولانی باشد، حمل بر بطلان عقد ازدواج می‌شود. معیار این طولانی بودن، عرف است. اگر فاصله بین ایجاب و قبول از لحاظ عرفی طولانی شود به نحوی که نشان از اغراض و روی گردانی کند، این عقد ازدواج به طور قطع مورد قبول نیست و باطل است (شریبینی، ۱۴۱۵، ۲۲۶/۴).

- اهلیت بیان ایجاب و قبول در ولیّ زوجّه و زوج تا پایان جاری شدن عقد باقی باشد. اگر ولیّ کلمه ایجاب را بیان نمود و قبل از این که زوج لفظ قبول را بیان کند، فوت کرد یا دیوانه شد، این عقد منعقد نشده است (ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷، ۲۱۹/۷؛ غزالی، ۱۴۱۷، ۵۰/۵؛ ابن قاضی،

رکن در لغت به معنای جانب قوی چیزی، قوت، شدت و عز است (جوهری، ۱۴۳۰، ۴۶۴؛ اصفهانی، بی تا، ۳۶۵) و در اصطلاح اصول فقه رکن جزئی از حقیقت و ماهیت شیء است که وجود شرعی فعل بدون آن محقق نمی شود و خلل در رکن باعث بطلان عقد می گردد (زحیلی، ۱۴۱۹، ۱۳۸)، پس اگر شرایطی که در ارکان بیان می شود، عملی شود، عقد ازدواج صحیح و نافذ می باشد؛ اما در ازدواج سفید، شرایط ازدواج، اذن پدر، عده و... رعایت نمی شود و مهم تر این که در هر عقدی، باید قصد وجود داشته باشد اما در ازدواج سفید، در بسیاری از موارد طرفین حتی قصد ازدواج هم ندارند و قصد آنها فقط یک با هم بودن غیر شرعی است.

از جمله تعاملات رایج در ازدواج سفید، تجربه ی "رابطه ای با پایان باز" است. این نکته بیشتر در تعهدات شفاهی زوجین به یکدیگر مطرح است. زوجین در این مورد قرار می گذارند که زیستن با یکدیگر را به منظور سنجش مطلوبی رابطه، تجربه کنند، به همین منظور در ازدواج سفید، آینده ی رابطه معلوم نیست. به طور غالب ازدواج سفید بدون صیغه است و در مواردی نیز طرفین به صورت معلق و مشروط با هم زندگی می کنند که اگر با هم تفاهم داشتند، رابطه را رسمی کنند. در هر دو صورت این ازدواج و باهم بودن، با مبانی فقهی در تناقض است که تعلیق در عقد ازدواج را موجب ابطال عقد می داند؛ بنابراین رابطه ی زوجیت ایجاد نشده و اثری نیز بر آن نبوده و به بطلان ازدواج سفید منجر می شود.

۲-۱-۲- زوج و زوجة

در ازدواج صحیح و مشروع، باید زوج و زوجة مشخص باشند. زیرا هدف از ازدواج آغاز زندگی مشترک دو انسان است و طبیعی است که آن ها اشخاص معینی باشند و بدون تعیین دقیق، عقد آن ها باطل و غیر نافذ است (شریبی، بی تا، ۴۰۰/۲).

فردی که در احرام حج است نمی تواند عقد ازدواج و خواستگاری را برای خود و غیر انجام دهد. پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: "لَا يَنْكِحُ الْمُحْرِمُ، وَلَا يُنْكَحُ، وَلَا يَخْطُبُ" (مسلم، بی تا، ۱۰۳۰/۲، حدیث ۱۴۰۹).

زوجة باید خالی از موانع ازدواج (شوهر داشتن، جمع بین دو خواهر، در عده بودن، محرم به حج بودن و محرز بودن زن بودن وی (عدم خنثی مشکلی)) باشد. رضایت زوجة شرط صحت عقد ازدواج است، طبق حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم: "لَا تُنْكَحُ الْأَيِّمُ حَتَّى تُسْتَأْمَرَ، وَلَا تُنْكَحُ

^۱ . کسی که در حال احرام است، ازدواج ننماید و به خواستگاری هم نرود.

الْبِكْرُ حَتَّى تُسْتَأْذَنَ" (بخاری، ۱۴۲۲، ۱۷/۷، حدیث ۵۱۳۶). رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: "لَا تُنْكَحُ الثَّيْبُ حَتَّى تُسْتَأْمَرَ وَلَا تُنْكَحُ الْبِكْرُ حَتَّى تُسْتَأْذَنَ وَإِذْنُهَا الصُّمُوتُ"^۲.

با توجه به تازگی و پیچیدگی موضوع و حساسیت‌های موجود، بسترهای گسترش پدیده‌ی ازدواج سفید در بین اعضای جامعه به ویژه جوانان، قابل مشاهده است. در ازدواج سفید، با طولانی شدن مدت رابطه، زوجین در ادامه‌ی مسیر زندگی خود با موانع خارجی برای تداوم زیستن در کنار یکدیگر مواجه خواهند شد. این محدودیت‌ها می‌تواند ناشی از نامشروع بودن این سبک زندگی نزد والدین و اقوام و آشنایان، غیرقانونی و غیرشرعی بودن آن نزد نهادهای قانونی و همچنین غیرقابل پذیرش بودن آن از سوی جامعه باشد. موانع ادامه‌ی ازدواج سفید، تنها به غیرقانونی بودن و نامشروع بودن آن ختم نمی‌شود، بلکه میان زوجین ممکن است موانعی برای ادامه‌ی این رابطه وجود داشته باشد؛ برای مثال، فرد ممکن است از مشخص نبودن سرنوشت آینده‌اش و نبود تعهد رسمی، آزردگی خاطر شود، یعنی به نوعی معایب ازدواج سفید در کنار موانعش، با گذر زمان، آشکار می‌شود. با گذر زمان، ممکن است فرد حاضر به سرمایه‌گذاری مالی و عاطفی در رابطه‌ای که آینده‌اش مشخص نیست و طرفین به راحتی می‌توانند از آن خارج شوند، نباشد. طرفین (زوجین) در این سبک زندگی، در تعاملات اقتصادی، تقسیم وظایف خانه و بیرون از خانه و همچنین میزان محدود کردن یکدیگر، رابطه‌ای با میزان برابری بیشتر نسبت به ازدواج مرسوم را تجربه می‌کنند. در این سبک زندگی، تأمین نیازهای خانه به عهده‌ی شخص خاصی نیست و حساب و کتابی بین طرفین وجود ندارد و طرفین به اصطلاح خودشان: "هر چه که دارند، وسط می‌گذارند". پس مادامی که سندی بر اثبات زوجیت نیست، حق و حقوقی هم برای فرد ایجاد نمی‌کند.

به طور معمول در ازدواج سفید این رکن وجود دارد و در غالب موارد شرایط مذکور برای زوجین نیز محقق می‌شود؛ اما صرف وجود یک رکن باعث حکم به صحت نمی‌شود. این رکن که وجود دارد، تنها در صورت وجود سایر ارکان، موجب به تصحیح و پذیرش ازدواج سفید خواهد شد.

^۱. زن بیوه را نمی‌توان به عقد کسی درآورد، مگر اینکه اجازه دهد و دختر باکره را نمی‌توان به عقد کسی درآورد، مگر اینکه از وی اذن گرفته شود.

^۲. نکاح بیوه زن بدون مشورت از او و نکاح دوشیزده بدون اجازه گرفتن از او بسته نمی‌شود، و اجازه دادنش خاموشی و سکوت او است». رضایت طرفین هم شرط صحت عقد ازدواج است؛ الله تعالی می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما درست نیست که زنان را (همچون کالایی) به ارث برید (و ایشان را بدون مهریه و رضایت، به ازدواج خود درآوردید) حال آن‌که آنان چنین کاری را نمی‌پسندند و وادار بدان می‌گردند».

۲-۱-۳- عدم وجود دو نفر شاهد

دین مبین اسلام ازدواج را یک امر مهم اخلاقی، اجتماعی و شرعی دانسته و به جزئیات در این مورد پرداخته و چارچوب مشخصی هم برای آن تعیین کرده است و همه‌ی این چارچوب‌ها عقلی و منطقی است. از جمله مباحث مهم در بحث ازدواج، لزوم وجود شهود در مجلس عقد، برای صحت انعقاد آن است و ازدواج بدون حضور شاهد باطل است.

فقه‌های شافعی، حضور شهود به هنگام انعقاد ازدواج را واجب می‌دانند و این شهود باید دارای شرایط لازم برای شهادت باشند تا برای اثبات ازدواج بتوان به آن‌ها اعتماد کرد. اعتبار شهود به خاطر احتیاط نوامیس و صیانت ازدواج از جحود و انکار است، زیرا شهود ازدواج را اعلان می‌کنند و دیگر طرفین نمی‌توانند منکر ازدواج شوند، حتی حضور جمعی از افراد متقی به همراه شهود، سنت است (رملی، ۱۴۰۴، ۶/۲۱۷؛ ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷، ۷/۲۲۷). از نظر شافعی، در صورتی ازدواج صحیح واقع می‌شود که شهود هنگام انعقاد آن حضور داشته باشند و به اندازه‌ای برای این امر اهمیت قایل هستند که شهود را از جمله ارکان ازدواج می‌دانند و نکاحی را که بدون حضور شهود منعقد شود، باطل است، زیرا ارکان آن کامل نیست (شافعی، ۱۴۱۰، ۵/۲۴-۲۳) طبق حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم: "لا نکاح الا بولی و شاهدی عدل".^۱

شرط‌های مربوط به شهود در عقد ازدواج: حرّ و آزاد بودن، مرد بودن، مسلمان، عادل، بالغ، عاقل، شنوا و بینا بودن است. در نتیجه شهادت کور، لال و گنگ، زن، فاسق و خنثی مشکل صحیح نیست. شهادت مستورالعدالة (کسی که در ظاهر به عدالت معروف است) کفایت می‌کند، چون اگر عدالت واقعی مدنظر باشد، شهادت متعذر خواهد شد. عقد ازدواج با شهادت فرزندان زوجین یا فرزندان یکی از آن‌ها منعقد می‌شود اما ثابت نمی‌شود؛ دشمن هم مانند فرزند است که شهادت وی در انعقاد عقد پذیرفته شده اما در اثبات، پذیرفته نیست (شرینی، ۱۴۱۵، ۴/۲۳۶-۲۳۴؛ ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷، ۷/۲۳۰).

در ازدواج سفید یا هم‌زیستی به این شرط واجب هیچ اعتنایی نمی‌شود. همچنین به خاطر عدم جاری شدن صیغه‌ی عقد در این ازدواج، بحث از شروط شاهدان هم منتفی است.

^۱ . ازدواج بدون حضور ولی و دو شاهد عادل صحیح نیست.

۲-۱-۴- عدم وجود ولی

ولایت توانایی شخص بر اجرای تصرف نافذ و صحیح بر خود و اموالش (ولایت قاصره) یا ولایت بر غیر و اموال غیر (ولایت متعدیه) می‌باشد. ولی عقد ازدواج در اسلام، کسانی هستند که می‌توانند دختران کم‌سن و سال را به ازدواج مردان در بیاورند. آنچه در این‌جا مدنظر است، ولایت بر خانمی است که فرد بر اساس ولایتی که دارد وی را به ازدواج زوج درمی‌آورد. در واقع، کسی است که صحت عقد ازدواج متوقف بر او است. در شریعت اسلام اسباب این ولایت می‌تواند رابطه‌ی خویشاوندی، امامت (قاضی و حاکم بودن) یا بنا بر وصیت یا کفالت باشد. ولایت مختص مردان است و زنان نمی‌توانند ولایت داشته باشند. ولایت در عقد ازدواج رکن جداناپذیر است و انعقاد این عقد بدون حضور ولی نافذ و مورد قبول نمی‌باشد (شربینی، ۱۴۱۵، ۴/ ۲۴۴-۲۴۳؛ تقی‌الدین شافعی، ۱۹۹۴، ۳۵۹) استدلال این گفته آیات قرآن و سنت می‌باشد: "فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ" (بقره/ ۲۳۲)، "وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ" (بقره/ ۲۲۱). رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لَا نِكَاحَ إِلَّا بِوَلِيٍّ»، «أَيُّمَا امْرَأَةٍ نَكَحْتَ بِغَيْرِ إِذْنٍ وَلِيَّهَا فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». تکرار این فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و سلم، بیان از اهمیت ویژه‌ی این مسئله (حضور ولی در عقد ازدواج) دارد.

با همه این اوصاف باید دانست عقد ازدواج بدون اذن ولی نمی‌تواند شکل گیرد. حتی از لحاظ عقلی هم این مسئله صادق است که زن نمی‌تواند خودسرانه و بدون اذن ولی خود را به عقد کس دیگری در بیاورد. در شرط گذاشتن وجود ولی در نکاح، اهمیت دادن به شان اولیاست و او کسی است از خانواده زن. استقلال زنان در نکاح یک گونه وقاحتی از آن‌ها محسوب می‌شود که منشأش کاهش حیا و غلبه یافتن بر اولیاء و بی‌توجهی به آن‌هاست، و نیز واجب است که نکاح از زنا با مشهور کردنش ممتاز گردد. مستحق‌ترین صورت مشهور کردنش، حضور اولیای زنان در جلسه نکاح است.

ولی باید دارای شرایطی باشد از جمله: مسلمان، آزاد، عادل، مکلف (بالغ و عاقل) و مرد بودن و در صورت عدم هر کدام از آن‌ها ولایت به شخص بعدی منتقل می‌شود (ابن‌نقیب شافعی، ۱۹۸۲، ۲۰۱؛ ابن‌قاضی، ۱۴۳۲، ۳۵). ولی مسائل و حقوق خانمی که تحت ولایت وی است را محفوظ دارد. به همین دلیل واجباتی متوجه ولی است.

واجب است ولی، خانم تحت ولایت خود را به عقد مرد دارای صلاحیت، با اخلاق و متقی در بیاورد. اگر برای ولی محرز باشد آن فرد، انسانی فاسق، بدکردار و نادرست است، نباید اجازه بدهد این ازدواج صورت بگیرد، زیرا بدین وسیله حقوق خانمی که تحت ولایت دارد، ضایع شده

^۱ نباید آنها را از شوهر کردن منع کنید هرگاه به طریق مشروع به ازدواج با مردی تراضی کنند.

^۲ و با زنان مشرک ازدواج نکنید مگر آنکه ایمان آورند.

و ازدواجی نابہ سامان شکل می گیرد. استناد این قضیه فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم است: "إِذَا خَطَبَ إِلَيْكُمْ أَنْ تَرْضَوْنَ دِينَہَ وَ خُلُقَہُ فَرُوجُہُ إِلَّا تَفْعَلُوا تَكُنْ فِتْنَةٌ وَ فِسَادٌ". شرط کفایت و همسانی بین زوج و زوجہ در دین و اخلاق خلاصه می شود و ولیّ بر این دو صفت و صفات های دیگری چون جمال، تحصیلات، سن و... باید مواظبت داشته باشد تا این وظیفه ی مهم که شریعت بر عہده ی وی گذاشته است به نحو احسن انجام دهد.

همچنین یکی از مستحباتی که ولیّ در شریعت اسلام ممدوح است و می تواند انجام دهد، پیشنهاد دادن دخترش یا افرادی که تحت ولایت دارد به مردانی با ایمان و اهل تقوا، می باشد همانگونه که در احادیث به آن اشاره شده است.

در صورتی که ولیّ از به عقد در آوردن خانمی به هم کفو خودش امتناع کند، ولایت از وی عزل می شود و به فرد بعدی واگذار می شود و این عزل شدن بعد از گفتگو و مشاجره با وی صورت می گیرد. فردی که به عنوان ولیّ قرار داده شده است، اگر به هر علتی (فوت یا...) موجود نباشد، ولایت به سایر اولیا واگذار می شود و حائز اهمیت است سایر اولیا باید همان شرایط ولیّ را داشته باشند. اگر ولیّ غایب باشد و مکان زندگی وی معلوم نباشد به طور مثال به سفر رفته، در این جا سمت ولایت از وی گرفته نمی شود اما می توان از وی اجازه گرفت و برای وی وکیل معین نمود (شربینی، ۱۴۱۵، ۴/ ۲۴۸-۲۴۲). باید دانست اولیایی که می توانند خانم تحت ولایت خود را به عقد ازدواج فردی در بیاورند، دارای ترتیبی هستند و شناخت آن ها از اهمیت برخوردار است. اولیا به عصبه های نسبی (مردان دارای رابطه ی خویشاوندی با خانم تحت ولایت دارند) اطلاق می شود. پدر، پدر پدر و هر چه بالاتر رود، پسر، پسر پسر و هر چه پایین تر رود، برادر شقیقی و تنی، برادر پدری، پسر برادر شقیقی، پسر برادر پدری، عموی شقیقی، عموی پدری، پسر عموی شقیقی، پسر عموی پدری. برادر ناتنی از طرف مادر، و پسر این برادر، پدر مادر، برادران مادر نمی توانند ولی زن باشند (فیروزآبادی، ۱۴۰۳، ۱۵۸؛ شربینی، بی تا، ۴۱۲/۲). اگر هر کدام از این افراد در جایگاه ولی قرار گرفت، بری صحت عقد، باید شروط ولی را داشته باشد. طبق فرموده ی پیامبر (ص) اگر هیچ کدام از این عصبه ها نبودند، حاکم جامعه اسلامی ولیّ فردی می شود که ولیّ ندارد: «السلطان من لا ولی له». اگر حاکم صفاتی را که باید در ولی باشد نداشت به طور مثال عادل نبود، در این صورت خانم فردی عالم، با تقوا و پرهیزگار را پیدا کند و وی را به عنوان ولیّ خود قرار دهد (شربینی، ۱۴۱۵، ۴/ ۲۵۰).

در ازدواج سفید، اغلب موارد اولیاء یا در جریان چنین رابطه ای که نام ازدواج به خود گرفته، ندارند یا موضوع را مسکوت می گذارند، بنابراین اولیاء در ازدواج سفید هیچ نقشی در ایجاب و قبول ندارند.

۲-۲- تطبیق مقاصد ازدواج سفید در فقه شافعی

عقد ازدواج در دین اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است و یک عبادت تلقی می‌شود. در واقع عقد ازدواج بر مبنای حکمت‌های وافر و فلسفه‌های بسیار مهمی در زندگی انسان تشریع شده است. انسان به عنوان موجودی که دارای قدرت جنسی است، برای رفع نیاز جنسی خود باید با اصولی سالم به این نیاز خود جهت دهد، زیرا نبود اصولی صحیح در این زمینه پیامدهای منفی‌ای برای فرد و جامعه به بار خواهد آورد.

اسلام به عنوان دینی قانونمند که بر مبنای فطرت انسان بنیان شده است، این میل را در جهتی دقیق قرار داده است و برای این که به غریزه‌ی شهوت یا غریزه‌ی جنسی پاسخ صحیحی داده باشد، امر ازدواج را مشروع نموده است و در پرتو آن انسان می‌تواند به آرامشی خاص دست یابد و به خدای متعال تقرب جوید، زیرا، هم‌طور که بیان شد، ازدواج عبادت است. از میان همه‌ی مخلوقات که خداوند متعال خلق کرده است، انسان دارای جایگاه خاصی است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^۱ (اسرا/ ۷۰)، و همه‌ی مخلوقات برای استفاده‌ی انسان، «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»^۲ (بقره/ ۲۹) و انسان برای بندگی خدا آفریده شده است.

یکی از مهمترین نتایجی که در اثر ازدواج حاصل می‌شود، بیرون رفتن فرد از خودمحوری و شکسته شدن نسبی اما قابل توجه حصار نفسانیت انسان است، ازدواج توأم با توجه به یک فرد دیگر - که تا بحال غریبه بوده و یا حکم نامحرم داشته است - می‌باشد و این امری است مهم، چرا که تا بحال جوان ما به‌جز وجود خود و آمال و آرزوهای خود، فکری دیگر نداشته است، اما بواسطه‌ی ازدواج، یک نفر دیگر نیز در مدار برنامه‌ریزی و توجه او قرار می‌گیرد و حاضر است از وجود خود و داشته‌های خود به دیگری نیز عطا کند و به واسطه‌ی محبت و دوستی که ایجاد می‌شود، «من» وجودی فرد گسترش یافته و از مدار صرف خودبینی خارج می‌گردد و تلاش برای آسودگی، رفاه و آسایش یک نفر دیگر حکایت از بزرگ شدن روح فرد می‌کند، همچنین طبق فرموده‌ی الله متعال: "وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا"^۳ (فرقان/ ۷۴).

اهداف و حکمت‌هایی در این پیوند مقدس نهفته شده است که به بیان آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱. ما آدمی‌زادگان را (با اعطاء عقل، اراده، اختیار، نیروی پندار و گفتار و نوشتار، قامت راست، و غیره) گرامی‌داشته‌ایم.

۲. خدا آن کسی است که همه‌ی موجودات و پدیده‌های روی زمین را برای شما آفرید.

۳. و کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا! همسران و فرزندان به ما عطاء فرما (که به سبب انجام طاعات و عبادات و دیگر کارهای پسندیده، مایه‌ی سرور ما و) باعث روشنی چشمانمان گردند، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان (به گونه‌ای که در صالحات و حسنات به ما اقتداء و از ما پیروی نمایند).

۲-۲-۱- حفظ نسب

یکی از اهداف ازدواج، حفظ نسب است. زیربنای اصلی جامعه، خانواده است و جامعه مجموع و متشکل از خانواده‌ها است. نظام ازدواج در اسلام، زنان و مردان را از انحرافات جنسی دور می‌کند. نسل بشر، با ازدواج حفظ و استمرار پیدا می‌کند و خانواده‌ها از ضرر و زیان اجتماعی در امان می‌مانند و اگر بر اساس قوانین الهی ازدواج و پیوند زناشویی را پیش نبریم، در جامعه با هرج و مرج روبه‌رو خواهیم شد. به همین دلیل خداوند ازدواج را به گونه‌ای قرار داده است که موافق و موازی با سرشت و طبیعت آدمی باشد و به سوی آن گرایش پیدا کند: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِعِمَّةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ» (نحل / ۷۲). انتساب به والدین و اجداد، موجب آرامش دل و کرامت انسانی است. در اسلام حفظ نسب، پایه و اساس احکام و حقوق فراوانی است.

ابتنای برخی از احکام خانوادگی در اسلام بر اساس مسائل نسبی و سببی، لازمی آن است که شکل ازدواج اصولی رعایت گردد و همواره این جهات و نحوه‌ی ارتباط اعضای خانواده به صورت دقیق مشخص باشند، لذا اگر ازدواجی سبب ابهام در این خصوص گردد، موجب اضعاف و تعطیلی برخی از مبانی احکام گشته که خود امری در خور نظر است از جمله:

- مسائل ارث: "لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا"^۱ (نساء / ۷)
- ولایت پدر و جد: "قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ الصَّالِحِينَ"^۲ (قصص / ۲۷)،

^۱ . خدا از جنس خودتان همسرانی برای شما ساخت (تا در کنار آنان بیاسایید)، و از همسرانتان پسران و نوادگانی به شما داد (تا بدانان دل خوش کنید)، و چیزهای پاکیزه‌ای (همچون غلات و میوه‌جات و حیوانات) به شما عطا کرد (تا از آنها استفاده کنید و خدای را سپاسگزاری نمایید). آیا (با وجود این که کافران می‌دانند که سرچشمه‌ی همه‌ی نعمتها خدا است و نه کس و نه چیز دیگری، آیا باز هم) به (بتهای) باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را (با شرک و رزیدن) ناسپاس می‌گذارند؟!

^۲ . برای مردان و برای زنان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود به جای می‌گذارند سهمی است، خواه آن ترکه کم باشد و یا زیاد. سهم هر یک را خداوند مشخص و واجب گردانده است (و تغییرناپذیر است).

^۳ . ((شعیب) پدر آن دو دختر، به موسی) گفت: من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به ازدواج تو درآورم، به این شرط که هشت سال برای من کار کنی. سپس اگر هشت سال را به ده سال تمام برسانی، محبتی کرده‌ای، (و این دو سال اضافه بر تو واجب نیست. به هر حال) من نمی‌خواهم بر تو سختگیری کنم (و تو را به درازترین مدت وا دارم). اگر خدا بخواهد مرا از زمره‌ی نیکان خواهی یافت (و خواهی دید که من به عهد خود وفا می‌کنم).

- اطاعت از والدین و حقوق اخلاقی مانند صله‌ی رحم و هبه به اقارب و نزدیکان: "وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا" (نساء/ ۳۶)،

همچنین حفظ نسب، حکمت عده‌ی زن بین دو ازدواج شمرده شده است. انتظار زن برای ازدواج دوباره پس از وفات همسرش به مدت چهار ماه و ده روز: "وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا" (بقره/ ۲۳۴)، عده‌ی زن باردار برای ازدواج مجدد تا هنگام وضع حمل: "وَاللَّائِي يَكْسِنُ مِنْ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَ أُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا" (طلاق/ ۴)، و عده‌ی زن به مدت سه دوره پاک‌ی پس از طلاق: "وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ" (بقره/ ۲۲۸) و مسائل فراوان دیگری که بر حفظ انساب متوقف است همه‌ی آن‌ها گویای اهمیت حفظ نسب است.

اثبات نسب حق دوطرفه‌ی والدین و فرزندان است که در جهت سرپرستی و نگهداری کودکان و جلوگیری از سرگردانی آنهاست. خداوند متعال می‌فرماید: "وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا" (فرقان/ ۵۴). نسب پاک مایه‌ی افتخار فرزندان است. در فقه، زمانی نسب مشروع است که هنگام انعقاد نطفه، رابطه‌ی زوجیت میان زوجین وجود داشته باشد و نسب نامشروع هم هنگامی ایجاد می‌شود که رابطه‌ی زن و مرد خارج از چارچوب‌های ازدواج باشد. در یک ازدواج شرعی و قانونی، کودک متولد شده در زمان ازدواج و بعد از انحلال آن، ملحق به زوج است و از آن تحت عنوان قاعده‌ی فراش یاد می‌شود.

"قاعده‌ی فراش" یکی از قواعد اختصاصی خانواده است که باید آن را از ادله‌ی اثبات نسب

۱. ((تنها) خدا را عبادت کنید و (بس. و هیچ کس و) هیچ چیزی را شریک او مکنید. و نیکی کنید به پدر و مادر، خویشان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان، همسایگان خویشاوند، همسایگان بیگانه، همدمان (در سفر و در حضر، و همراهان و همکاران)، مسافران (نیازمندی که در شهر و مکان معینی اقامت ندارند)، و بندگان و کنیزان. بیگمان خداوند کسی را دوست نمی‌دارد که خودخواه و خودستا باشد).

۲. و کسانی که از شما (مردان) می‌میرند و همسرانی از پس خود به جای می‌گذارند، همسرانشان باید چهار ماه و ده شبانه‌روز انتظار بکشند (و عده نگاه دارند).

۳. زنان شما وقتی که ناامید از عادت ماهیانه‌اند، و همچنین زنانی که هنوز عادت ماهیانه ندیده‌اند، اگر (دوباره‌ی حکم عده‌ی ایشان) مترددید، بدانید که عده‌ی آنان سه ماه است) و عده‌ی زنان باردار، وضع حمل است. هر کس که از خدا بترسد و پرهیزگاری کند، خدا کار و بارش را ساده و آسان می‌سازد.

۴. زنان مطلقه باید (بعد از طلاق) به مدت سه بار عادت ماهانه (و یا سه بار پاک‌شدن از حیض) انتظار بکشند (و عده نگهدارند، تا روشن شود که حامله نیستند).

۵. و او خدایی است که از آب (نطفه) بشر را آفرید و بین آنها خویشی نسب و بستگی ازدواج قرار داد.

شرعی طفل به حساب آورد. این قاعده از حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم گرفته شده است: "در صحیح بخاری و مسلم از حضرت عایشه روایت شده است که فرمودند: عتبه بن ابی وقاص به برادرش سعد بن ابی وقاص وصیت کرده بود فرزند کنیز زمعه از من است، او را نزد خود بیاور. هنگامی که سال فتح مکه فرا رسید، سعد آن پسر را گرفت و گفت: این پسر، فرزند برادر من است، برادرم در مورد او به من وصیت کرده است. عبدالله بن زمعه ایستاد و گفت: این پسر برادر من و فرزند کنیز پدرم است که بر فراش او زاده شده است. (پس با هم نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم رفتند و) پیامبر صلی الله علیه و سلم به عبدالله بن زمعه فرمودند: آن پسر از آن توست و سپس فرمودند: فرزند از آن فراش (شوهر زن یا مالک کنیز) است و برای زناکار بهره‌ای نیست. آن‌گاه چون پیامبر صلی الله علیه و سلم مشاهده کردند که آن پسر به عتبه شباهت دارد، به همسر خود، سوده دختر زمعه، فرمود: خود را از آن پسر بپوشان و آن پسر تا آخر عمر سوده را ندید" (بخاری، ۱۴۴۲، ۸/۱۵۳، حدیث ۶۷۴۹؛ مسلم، بی‌تا، ۲/۱۰۸۰، حدیث ۱۴۵۷). این کلام پیامبر صلی الله علیه و سلم: "الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَلِلْعَاهِرِ الْحَجَرُ"، دلیل و اماره‌ی معتبر در مقام اثبات نسب شرعی و قانونی طفل محسوب می‌شود و هرگاه شک و تردید وجود داشته باشد که طفل متولد شده به چه کسی تعلق دارد و اختلاف در نسب کودک باشد، مطابق این قاعده، حکم به الحاق طفل به شوهر داده می‌شود.

از مشکلات عمده‌ی ایجاد شده در مسئله‌ی ازدواج سفید، حاملگی‌های ناخواسته و به دنبال آن سقط جنین‌های غیرقانونی است. روابط غیر رسمی و آبستنی‌های ناخواسته راهی است که در پایان به موالید نامشروع یا سقط جنین می‌انجامد، به بیان دیگر، سقط جنین در کنار موالید نامشروع، آخرین ایستگاهی است که روابط آزاد بدان منتهی می‌شود، از این رو در کنار شمار روز افزون موالید نامشروع آمار سقط جنین رو به افزایش بوده است. سقط جنین‌های ناایمن، جان شمار زیادی از زنان را تهدید می‌کند و بیانگر مسئله‌ای خطرناک در بهداشت عمومی است. در نتیجه قاعده‌ی فراش در مورد ازدواج سفید، در جایی که به فرزندآوری بیانجامد، موضوعیت پیدا نمی‌کند. همچنین برای ارث بردن از شخصی باید نسب، شرعی باشد؛ اما ولد نامشروع، مستحق دریافت ارث نیست، زیرا توارث از آثار نسب شرعی است و رابطه‌ی ابوت و بنوت بین پدر و طفل نامشروع وجود ندارد.

۱. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يُسُفَ، أَخْبَرَنَا مَالِكٌ، عَنْ ابْنِ شِهَابٍ، عَنْ عُرْوَةَ، عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: كَانَ عَتَبَةُ عَهْدَ إِلَى أَخِيهِ سَعْدٍ: أَنَّ ابْنَ وَلِيدَةٍ زَمْعَةَ مِنِّي، فَأَقْبَضَهُ إِلَيْكَ، فَلَمَّا كَانَ عَامَ الْفَتْحِ أَخَذَهُ سَعْدٌ، فَقَالَ: ابْنُ أُخِي عَهْدَ إِلَى فِيهِ، فَقَامَ عَبْدُ بْنُ زَمْعَةَ، فَقَالَ: أُخِي وَابْنُ وَلِيدَةٍ أَبِي، وَلَدَ عَلَى فِرَاشِهِ، فَتَسَاوَقَا إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ سَعْدٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ابْنُ أُخِي، قَدْ كَانَ عَهْدَ إِلَى فِيهِ، فَقَالَ عَبْدُ بْنُ زَمْعَةَ: أُخِي وَابْنُ وَلِيدَةٍ أَبِي، وَلَدَ عَلَى فِرَاشِهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «هُوَ لَكَ يَا عَبْدُ بْنُ زَمْعَةَ، الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَلِلْعَاهِرِ الْحَجَرُ» ثُمَّ قَالَ لِسُودَةَ بِنْتِ زَمْعَةَ: «اِخْتَجِبِي مِنِّي» لِمَا رَأَى مِنْ شَبَهِهِ بِعَتَبَةَ، فَمَا رَأَاهَا حَتَّى لَقِيَ اللَّهَ.

۲-۲-۲- ایجاد سکون، اطمینان و آرامش

از اهداف ازدواج، ایجاد زندگی همراه با آرامش، مودت و محبت است. این آرامش از این جا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش هم می‌باشند، به طوری که هریک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه‌ی نیرومندی وجود داشته باشد، همچنین این سکون و اطمینان ابعاد مختلف روحی، جسمی، فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و زمینه تحقق کمالات، و شکوفائی استعدادهاست. حضرت آدم (علیه السلام) تنها آفریده شد، خداوند متعال حضرت حوا (علیه السلام) را خلق کردند تا مایه‌ی آرامش وی شود: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (أعراف/ ۱۸۹). زوجین بعد از ازدواج، خود را موظف به رعایت احکام شرعی می‌دانند و به عنوان دو یار که وارد عرصه‌های عاطفی، فکری، اقتصادی و... شده‌اند، فضای زندگی را از ورود مشکلات حفظ می‌کنند، و چون مشکلی پیش آید، به آسانی و سادگی آن را حل و فصل می‌نمایند، و با صبر و حوصله به علاج درد برمی‌خیزند. به هیچ وجه نباید در ازدواج، اجبار و اکراهی در کار باشد، زیرا در سایه عشق، محبت و رضایت طرفین است که پیمان ازدواج و کانون گرم خانواده ادامه پیدا می‌کند و بدون محبت متقابل و رضایت طرفین ثمربخش نخواهد بود. شاعر نامدار، سعدی، درباره نقش زن و مرد در خوشبختی خانواده و نقش زنان این ابیات را سروده‌اند:

چو یاری موافق بود در بَرَت	برو پنج نوبت بزن بر درت
کند مرد درویش را پادشاه	زن خوب فرمان‌بر پارسا

اگرچه ازدواج سفید در کوتاه مدت سبب آسایش جزئی می‌گردد اما به نظر می‌رسد در طول زمان این آرامش، از پایداری و ثبات لازم برخوردار نباشد. این مدل از سبک زندگی، اثرات منفی‌ای برای دو طرف رابطه، خانواده و جامعه دارد. افراد، به ویژه جوانان، برای برطرف کردن نیازهای خود و در نتیجه کمرنگ شدن مرزهای رفتارهای مشروع و نامشروع، به خود اجازه می‌دهند که چنین سبک زندگی‌ای را تجربه کنند.

از جمله آثار مخرب در ازدواج سفید بعد از جدایی، مشکلات رفتاری و افسردگی و اضطراب است که برای این افراد علی‌الخصوص برای بانوان می‌باشد، زیرا آن ثبات و آرامشی را که در ازدواج شرعی و اسلامی به معنای حقیقی می‌توان احساس کرد، در این روابط دیده نمی‌شود و این احساس معلق بودن، زمینه‌ساز ایجاد دلهره و اضطراب در افراد است (اکبری، ۱۳۹۵، ۴). پژوهش‌ها در این باره آشکار کرده‌اند که مردان بیشتر به این دلیل هم‌خانگی را انتخاب می‌کنند

۱. او آن کسی است که شما را از یک جنس آفرید، و همسران شما را از جنس شما ساخت تا شوهران در کنار همسران بیاسایند.

که از آسودگی رابطه برخوردار شوند، این در حالی است که زنان به این امید هم‌خانه می‌شوند که این رابطه به ازدواج منتهی شود. در این موضوع، زنی که هم‌خانگی را انتخاب کرده در موقعیت خطرناکی قرار می‌گیرد که مصرف دخانیات، مشروبات الکلی و مواد مخدر در این روابط مشهود است. در ازدواج سفید، با طولانی شدن مدت رابطه، زوجین در ادامه‌ی مسیر زندگی خود با موانع خارجی برای تداوم زیستن در کنار یکدیگر مواجه خواهند شد. این محدودیت‌ها می‌تواند ناشی از نامشروع بودن این سبک زندگی نزد والدین و اقوام و آشنایان، غیرقانونی و غیرشرعی بودن آن نزد نهادهای قانونی و همچنین غیرقابل پذیرش بودن آن از سوی جامعه باشد. موانع ادامه‌ی ازدواج سفید، تنها به غیرقانونی بودن و نامشروع بودن آن ختم نمی‌شود، بلکه میان زوجین ممکن است موانعی برای ادامه‌ی این رابطه وجود داشته باشد؛ برای مثال، فرد ممکن است از مشخص نبودن سرنوشت آینده‌اش و نبود تعهد رسمی، آزرده خاطر شود، یعنی به نوعی معایب ازدواج سفید در کنار موانعش، با گذر زمان، آشکار می‌شود. با گذر زمان، ممکن است فرد حاضر به سرمایه‌گذاری مالی و عاطفی در رابطه‌ای که آینده‌اش مشخص نیست و طرفین به راحتی می‌توانند از آن خارج شوند، نباشد.

۲-۲-۳- حفظ عفت و پاکدامنی

هدف ازدواج به صحنه زندگی آمدن نسلی پاک و جلوگیری از آمیخته شدن نسل و فرزندان، احترام به بانوان و پیشگیری از آلت دست شدن توسط مردان فاسد و هرزه و رویارویی با بی-بندوباری است که زمینه‌ساز بسیاری از ناهنجاری‌ها و مشکلات و شیوع انواع بیماری‌ها و نابودی نسل بشری می‌گردد. ازدواج پناهگاهی برای مردان و زنان به حساب می‌آید. عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: همراه رسول خدا صلی الله علیه و سلم بودیم که ایشان فرمودند: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ؛ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصَرِ، وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ. وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ»^۱.

یکی از مقررات شریعت اسلام در رابطه با زندگی اجتماعی حفظ عفت فرد و جامعه است. گزینه‌ی جنسی و جاذبه‌ای که زن و مرد نسبت به جنس مخالف خود دارند، اگر در جهت صحیح هدایت نشود، انسان را به گناه می‌کشاند و عفت او را به مخاطره می‌اندازد. پس کسی که عفت و پاکدامنی‌اش را حفظ کند و گزینه‌ی جنسی خود را فقط از راه مشروع اشباع نماید، البته با رعایت

^۱ . کسی که توانایی ازدواج کردن دارد، ازدواج کند. زیرا این کار باعث حفاظت چشم و شرم‌گاه می‌شود و کسی که توانایی ازدواج را ندارد، روزه بگیرد، چرا که روزه، شهوت را ضعیف و کنترل می‌کند (به روایت ابن‌ماجه در حدیث ۱۸۴۵ این حدیث صحیح است).

لوازمی دیگر، در زمره‌ی مؤمنین قرار می‌گیرد: (مؤمنون ۶-۱). در قرآن کریم از کسی که ازدواج کرده به "محسن" و "محسنه" تعبیر شده است: "وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا"^۱ (نساء/ ۲۴) زیرا با ازدواج در حصن و سنگر محکمی قرار می‌گیرند و خود را نگه می‌دارند تا وسوسه‌های شیطانی در آنان اثری نگذارد و این وجه تسمیه اشاره به این حکمت ازدواج دارد که زن و مرد بستر بسیاری از گناهان را با ازدواج از میان برمی‌دارند و عفت و پاکدامنیشان حفظ می‌شود.

بعد از ازدواج افراد نسبت به هم مسئولیت‌هایی دارند که بهتر است در انجام دادن آن‌ها نهایت تلاش را داشته باشند. زوجین باید به جایگاه و مسئولیت دیگری احترام بگذارند. هنگامی که انسان از مرحله تجرد گام به مرحله زندگی می‌گذارد، شخصیت تازه‌ای در خود می‌یابد و احساس مسئولیت بیشتری می‌کند. در ازدواج زوجین به همدیگر افتخار می‌کند و یک انسان متأهل علاوه بر تعبد و پیروی از دستورات الهی با ازدواج خویش سعادتمند شده و از مرز انزوا و تجرد به کانون اجتماع و مسئولیت قدم می‌گذارد و از سوی دیگران و اجتماع مردم اعتبار و ارزش بیشتری کسب می‌کند و مورد احترام و استقبال سایر انسان‌ها قرار می‌گیرد. «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره/ ۱۸۷). بعد از ازدواج، شخصیت انسان اجتماعی می‌شود و خود را مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین وسایل زندگی می‌بیند.

روابط خارج از حیطه‌ی زناشویی، روابطی بسیار ناپایدار و موقتی است که تنها دستاوردش، تخریب بنیان خانواده و ایجاد تنش‌هایی در سیستم آن است. یکی از بزرگترین علت‌هایی که افراد به ازدواج سفید تن می‌دهند، کم کاری و فرار از بار مسئولیت است. در ازدواج سفید به خاطر این که سندی مبتنی بر زوجیت وجود ندارد، خیلی راحت هر وقت بخواهند به رابطه پایان می‌دهند بدون این که اتفاقی بیافتد و کسی از کسی انتظار و توقعی داشته باشد، پس از مهم‌ترین علت انتخاب این پدیده در میان جوانان، زیر بار مسئولیت نرفتن است.

^۱ . و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده اید [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است و غیر از این [زنان نامبرده] برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید و زنانی را که متعه کرده اید مهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید و بر شما گناهی نیست که پس از مقرر با یکدیگر توافق کنید مسلماً خداوند دانای حکیم است.

^۲ . آنان لباس شمایند و شما لباس آنانید (و دوری از آمیزش با یکدیگر برایتان بسی رنج‌آور است).

۲-۲-۴- حفظ و تداوم نسل

ازدواج نخستین سنگ بنای تشکیل خانواده و سبب اصل وجود است و میزان اندیشه و تدبّر در آن در میزان پیشرفت یا انحطاط و صعود یا سقوط جامعه تأثیر دارد. از این رو اسلام به عنوان یک مکتب آسمانی، ازدواج را نه تنها کاری محبوب و مقدس دانسته، بلکه جوانان را به آن توصیه کرده است.

قرآن پیوند ازدواج را "میثاق غلیظ" می‌نامد: "وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا" (نساء/ ۲۱) و بقای نسل و اجتماع مدنی را به ازدواج منوط کرده است: "وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَقْبِلُ الْبَاطِلَ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ" (نحل/ ۷۲) و روی آوردن به زنا و لواط را ناپذیرنده‌ی راه بقای نسل می‌داند: "لا تقربوا الزنا" (اسراء/ ۳۲)؛ زیرا با رواج راه‌های نامشروع، رغبت به نکاح و ازدواج کم می‌شود و آسان‌ترین راه‌های اشباع غرایز که نامشروع است، رایج می‌شود و هدف بقای نسل رنگ می‌بازد.

ازدواج راهی مطمئن و والا برای زیاد شدن نسل و حفظ آن به شمار می‌آید. جامعه اسلامی برای بقای نوع و نسل محتاج به زنان است، زیرا خداوند تکوّن انسان و مصوّر شدن او را در رحم زنان مقرر نموده و مردان را جزئی از آن قرار داده است. پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرمایند: "تَزَوَّجُوا الْوَدُودَ الْوَلُودَ، فَإِنِّي مُكَاثِّرٌ بِكُمْ الْأُمّةُ"^۱. قطعاً یکی از پیامدها و آثار ازدواج فرزندان شدن است که به عنوان میوه و ثمره‌ی زندگی شناخته می‌شود.

در دین اسلام، ازدواج تنها راه برای ایجاد رابطه‌ی زناشویی است. در ازدواج سفید زن و مرد با هم زندگی می‌کنند ولی از لحاظ شرعی و قانونی زن و شوهر محسوب نمی‌شوند و این نهایت آسیب به طرفین بعد از پایان رابطه است و جوانانی که درگیر روابط جنسی با جنس مخالف

^۱. و چگونه (سزاوار شما است که) آن را بازپس بگیرید؟ و حال آن که با یکدیگر آمیزش داشته‌اید و هر یک بر عورت دیگری اطلاع پیدا کرده‌اید و (گذشته از این) زنان پیمان محکمی (هنگام ازدواج) از شما گرفته‌اند (و خداوند برابر آن، امر زناشویی را حلال نموده است).

^۲. خدا از جنس خودتان همسرانی برای شما ساخت (تا در کنار آنان بیاسائید)، و از همسرانتان پسران و نوادگانی به شما داد (تا بدانان دل خوش کنید)، و چیزهای پاکیزه‌ای (همچون غلات و میوه‌جات و حیوانات) به شما عطا کرد (تا از آنها استفاده کنید و خدای را سپاسگزاری نمائید). آیا (با وجود این که کافران می‌دانند که سرچشمه‌ی همه‌ی نعمتها خدا است و نه کس و نه چیز دیگری، آیا باز هم) به (بت‌های) باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را (با شرک ورزیدن) ناسپاس می‌گذارند؟!

^۳. هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید.

^۴. با زنی که بسیار زاینده و پر محبت است ازدواج کنید، زیرا من به دلیل افزایش شما مسلمانان، بر امت‌های دیگر فخر می‌فروشم (به روایت أبوداود در حدیث ۲۰۵۰، این حدیث حسن صحیح است).

می‌شوند، اغلب از دریافت اطلاعات و خدمات مناسب برای حفاظت از خود در برابر بیماری‌های مراقبتی از جمله ایدز، محروم بوده و در نتیجه با احتمال بیشتری در معرض عواقب جسمانی ناشی از روابط محافظت نشده هستند که عواقب روانی فراوانی به همراه دارد (رمضانی‌فر و آدیش، ۱۳۹۷، ۱۹۷). در مورد تعهد متقابل، بیشتر زنان بر این باورند خودشان نسبت به شریکشان، تعهد و وفاداری بیشتری نسبت به رابطه و شریکشان دارند. در واقع زنان بیشتر از مردان این رابطه را جدی می‌گیرند و خود را بیشتر متعهد به حفظ و دوام آن می‌دانند و به دلیل این که نگران وضعیت خود و پیامدهای بعدی آن هستند، تلاش می‌کنند با نشان دادن تعهد و حس مراقبت خود، طرفشان را به ادامه‌ی رابطه و یا حتی ازدواج تشویق کنند. اما در روابط هم‌خانگی، برخلاف انتظارشان، تعهد دوجانبه کمتر رخ می‌دهد و زنان به نوعی خود را شکست‌خورده می‌پندارند (کریمیان و زارعی، ۱۳۹۵، ۶۱).

۲-۲-۵- تعدیل بخشیدن به شهوت و غریزه جنسی

شریعت اسلام برای اشباع انگیزه‌ی جنسی روشی پسندیده و پاک، که در بردارنده‌ی کرامت انسان و برتری بشر از حیوان می‌باشد، ارائه داده که عبارت از «ازدواج» است.

از آن‌جا که غریزه جنسی غریزه‌ای است سرکش و نیرومند و ریشه دار که در نهاد هر بشری قرار داده شده است و روشن است که وجود این غریزه تنها برای لذت بردن و تمتع نیست، اصولاً خویشتنداری در برابر آن نیاز به تقوی و پرهیزکاری فراوان و ایمان قوی و نیرومند دارد، و همان‌گونه که بیان شد، تنها راهی که بتواند جواب‌گوی تمام خواسته‌های جنسی باشد، ازدواج مشروع و قانونی و گرفتن همسر است. پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرمایند: «یا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ؛ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصَرِ، وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ. وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ».

غریزه‌ی جنسی در انسان در جنب خواسته‌های انسانی قرار دارد، به همین جهت در ارضاء آن باید خواسته‌های انسانی مورد توجه قرار گیرد. خواست واقعی انسان، وجود نسل سالم و پاک است. جوامع بشری به لحاظ وجود سنت‌های غلط، پیچیدگی‌های اقتصادی و مالی، وسواس‌های افراطی، نادیده گرفتن ارزش‌های انسانی در مسأله‌ی ازدواج، جهل به اهداف حیات انسانی و یا نادیده گرفتن آن‌ها و ... راه ارضاء شرافتمندانه‌ی غریزه‌ی جنسی را به روی خود بسته‌اند.

اشباع غرایز جنسی در ازدواج مشروع، عامل آرامش روانی بشر و پایداری مادی و معنوی افراد است و از فرو رفتن زوجین در منجلاب بیماری‌های خطرناک جنسی جلوگیری می‌کند، پس نیازی به اثبات ندارد که روابط جنسی غیر مشروع و خارج از ضوابط شرعی که در آن تنها خواسته‌ی انسان‌ها، ارضای غرایز مادی و شهوت‌رانی است، نمی‌تواند جایگزین رابطه‌ی مشروع و

در چارچوب قانون الهی باشد.

ازدواج، کنشی اجتماعی است که ریشه در ارزش‌های خانواده دارد. با تضعیف نفوذ این ارزش‌ها در حوزه‌ی باورهای افراد، از اهمیت ازدواج نیز کاسته می‌شود. با کاهش اهمیت و کارکرد خانواده، فرد به خود اجازه می‌دهد در فضایی که تحت حمایت خانواده نیست، اقدام به به برقراری رابطه با جنس مخالف کند. افراد، به ویژه جوانان، برای برطرف کردن نیازهای خود و در نتیجه کم‌رنگ شدن مرزهای رفتارهای مشروع و نامشروع، به خود اجازه می‌دهند که چنین سبک زندگی‌ای را تجربه کنند.

آنهايي که قبل از ازدواج با هم زندگي می‌کنند، بعد از ازدواج، زندگي ناشادتری دارند و بیشتر طلاق می‌گیرند، بنابراین افرادی که تن به این رابطه می‌دهند، دنیایی سرشار از تعارض، درگیری و مسائل حل نشده دارند؛ به همین جهت دیری نمی‌پاید که عشق و عاطفه‌ی اولیه رنگ می‌بازد و جای خود را به کینه و خود سرزنش‌گری می‌دهد. همچنین افرادی که قبل از ازدواج، رابطه‌ی جنسی را تجربه کرده‌اند، احتمال این که بعد از ازدواج به همسرشان خیانت کنند، بیشتر است (رجبی و وفادارنژاد، ۱۳۹۷، ۳؛ عبدی‌نیا و علامت‌ساز، ۱۳۹۸، ۱۰۴). این رابطه و با هم بودن را نمی‌توان ازدواج نامید. متأسفانه موضوعی که شبیه "زناي رایگان" است، نام ازدواج را به خود گرفته است. فرزندان متولد از ازدواج سفید در صورت عدم سرپرستی والدین نامشروع آن‌ها، فاقد پشتوانه خواهد بود و در چنین مواردی اغلب زنان به خاطر پرهیز از بی‌آبرویی به دنبال اثبات رابطه‌ی ابوت فرزند و والد نمی‌رود.

۲-۲-۶- تربیت فرزندان

از جمله حکمت‌های ازدواج این است که خانواده امیدوار است صاحب فرزندان صالحی شوند و برای آن‌ها بعد از وفاتشان دعا کنند. از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت شده است که فرمودند: "هرگاه انسان بمیرد، همه‌ی اعمالش از او منقطع می‌شوند، مگر سه عمل: صدقه‌ی جاریه، علم نافع و فرزند صالح که برای او دعا کند" (صحیح مسلم، بی‌تا، ۳/ ۱۲۵۵، حدیث ۱۶۳۱). داشتن فرزند ثمره‌ی ازدواج و زینت زندگی دنیا شمرده شده است: "الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا" (کهف/ ۴۶) و اگر فرزند صالح نصیب پدر و مادر شود، شکرگزار خواهند بود: "هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا

۱. حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ أَبِي بُرَيْدٍ، وَقَتِيْبَةُ يَعْنِي ابْنَ سَعِيدٍ، وَابْنُ حُجْرٍ، قَالُوا: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ هُوَ ابْنُ جَعْفَرٍ، عَنِ الْعَلَاءِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: " إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ".

۲. دارائی و فرزندان، زینت زندگی دنیایند (و زوال‌پذیر و گذرایند).

أُثْقَلْتُ دَعْوَا اللَّهِ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ^۱ (اعراف/ ۱۸۹).

آن زمان که فرزندان هم به جمع زوجین اضافه شوند، این بار زن و مرد از مقام زوجیت به مقام والدین ارتقا می‌یابند و چه زحمت‌ها، تلاش‌ها و کوشش‌ها برای این‌که انسانی دیگر به این دنیا قدم بگذارد و رشد و پرورش یابد را متحمل می‌شوند.

اگر والدین می‌خواهند فرزندی معتقد و دین‌داری را تربیت نمایند، ابتدا باید خود، الگویی شایسته در این زمینه باشند و فرزند را با اصول دین‌داری آشنا سازند و وی را موعظه کنند: "وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ"^۲ (بقره/ ۱۳۲).

ازدواج باعث به وجود آمدن سرپناهی برای کودکان می‌شود. کودکانی که در خانواده سالم و به دور از امراض اجتماعی رشد می‌کنند، در آینده افرادی مفید و دارای اعتماد به نفس بالایی می‌باشند. ثمره اصلی ازدواج، داشتن فرزندان صالح است و تمام لذاذی طبیعی و پاداش اخروی و انس و محبت‌ها در میان زن و شوهر، برای تحمل تربیت و تولید فرزندان استوار است. ازدواج خانه و اهل خانه را از فساد دور داشته، زمینه رشد و تربیت و تکامل زن و فرزند را که از اهم امور است، فراهم می‌نماید و فرزند هرگاه یک موضوع ناراحت‌کننده و یا احیاناً انحرافی برایش پیش آید به کانون مقدس خانواده پناه می‌برد و با اعصابی آرام و آرامش خاطر به کار خود می‌پردازد. هر آن طفل کو‌جور آموزگار نبیند، جفا بیند از روزگار

سعدی

چون گذارد خشت اول بر زمین معمار کج گر رساند بر فلک، باشد همان دیوار کج
صائب تبریزی

امروزه فرزندان در پی خودمختاری هستند و ادامه تحصیل و اشتغال، این فرصت را به آن‌ها می‌دهد تا از حیطه‌ی نظارتی والدین خارج شده و براساس خواسته‌ی خود تصمیم بگیرند و عمل کنند. در نتیجه دوری از خانواده به مناسبت تحصیل یا کار، فرصتی مناسب را در اختیار این افراد

^۱. او آن کسی است که شما را از یک جنس آفرید، و همسران شما را از جنس شما ساخت تا شوهران در کنار همسران بیاسایند. ولی (بسیار اتفاق می‌افتد که) هنگامی که شوهران با همسران آمیزش جنسی می‌کنند، همسران بار سبکی (به نام جنین) برمی‌دارند و به آسانی با آن روزگار را بسر می‌برند. اما هنگامی که بار آنان سنگین می‌شود، شوهران و همسران خدای خود را فریاد می‌دارند و می‌گویند: اگر فرزند سالم و شایسته‌ای به ما عطاء فرمائی از زمره سپاسگزاران خواهیم بود.

^۲. و ابراهیم فرزندان خود را به این آئین سفارش کرد، و یعقوب (نوه‌ی او نیز چنین کرد. هر کدام به فرزندان خویش گفتند: ای فرزندان من! خداوند، آئین (توحیدی اسلام) را برای شما برگزیده است. (پس به ما قول بدهید که یک لحظه هم از آن دوری نکنید) و نمیرید جز این که مسلمان باشید.

قرار می‌دهد تا به دور از نظارت والدین، انواع روابط پیش از ازدواج را تجربه کنند. از علل عهدشکنی که باعث بی‌اعتمادی فرزندان می‌شود، می‌توان محیط خانوادگی را مورد بررسی قرار داد، زیرا فرزندان، والدین خود را سرمشق قرار می‌دهند و تصور می‌کنند آن‌ها کامل‌ترین انسان‌های جامعه هستند. از جمله زمینه‌ها و بسترهای خطرآفرین در خانواده‌ها: جدایی والدین از همدیگر، درگیری‌های شدید پدر و مادر با هم، الگوی خیانت در خانواده و... می‌باشد، در نتیجه کودکانی که در این محیط‌ها قرار دارند ممکن است در آینده، از برقراری روابط صمیمانه بر پایه‌ی اعتماد متقابل اجتناب کنند و به راحتی با برقراری رابطه‌ی سطحی به زندگی خود و دیگران صدمه بزنند (رجبی و وفادارنژاد، ۱۳۹۷، ۷).

هم‌خانگی را می‌توان به نوعی پدیده‌ی حاصل از تضاد ارزش‌های نسل‌های مختلف در نظر گرفت. در واقع پیوند رویکرد تضاد ارزش‌ها با بحث شکاف نسلی، هنگامی اتفاق می‌افتد که مجموعه هنجارها و ارزش‌های یک نسل با مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای نسل دیگر متضاد باشد؛ این‌گونه است که پدیده‌ی هم‌خانگی از شکاف حاصل از تفاوت‌های فرهنگی دو نسل نو و کهنه سر بر می‌آورد و به این ترتیب، نسل نو، هم‌خانگی را پدیده‌ای بهنجار می‌داند و نسل قدیمی‌تر آن را برنمی‌تابد، در نتیجه هم‌خانگی را می‌توان به نوعی، رابطه‌ای با ویژگی‌های رابطه‌ی ناب که مختص دوران مدرن است، در نظر گرفت (رمضانی‌فر و آدیش، ۱۳۹۷، ۲۰۵-۲۰۴) به هر حال، از آن جایی که این سبک زندگی مغایر با قوانین شرعی و اسلامی است، از سوی خانواده‌ها مورد پذیرش قرار نگرفته است.

مسئله‌ی صیغه‌ی مبالغه بر وزن مفعال از ریشه‌ی واژه‌ی "سیر" به معنی رفت و آمد و راه رفتن بر روی زمین است. عرب می‌گوید: "سار القوم یسیرون سیراً أو مسیراً" (زمانی که سیر در جهتی که متوجه آن هستند، امتداد یابد) همچنین می‌گویند: "سار الکلام أو المثل" (زمانی که کلام شایع شود) (فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۴۱۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۴/۳۸۹؛ جوهری، ۱۴۳۰، ۵۷۶). این لغت اصطلاح عامیانه‌ای است برای شخصی که در یکی از شهرهای مسیر تردد برای تجارت یا کسب علم با زنی ازدواج می‌کند. استعمال این واژه در این معنا ابتدا در خلیج فارس رواج یافته است (أشقر، ۱۴۲۰، ۱۶۲). ازدواج بسیار در اصطلاح همان ازدواج شرعی است با این تفاوت که زن با رضایت خودش، از بعضی حقوق شرعی خود که بر عهده‌ی شوهر است مانند: مسکن، عدم رعایت قسم (عدالت در همبستری میان همسران)، درخواست نفقه و... تنازل می‌کند. در نتیجه ازدواج بسیار اگر ارکان و شرایط شرعی خود از جمله رضایت زوجین، حضور ولی و شاهدین را داشته باشد، صحیح است و این‌که بانو از برخی حقوق خود تنازل می‌کند، در صحت عقد ازدواج خلل ایجاد نمی‌کند (زحیلی، ۲۰۰۷، ۸۹؛ قرضاوی، بی‌تا، ۴؛ أشقر، ۱۴۲۰، ۱۶۳). در تأیید تنزل زن از برخی حقوق زناشویی خود، نصوص شرعی وجود دارد:

- خداوند متعال می‌فرماید: "وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَغْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا"^۱ (نساء/ ۱۲۸). حضرت عایشه درباره‌ی سبب نزول این آیه می‌فرماید: "زنی که شوهرش از او بهره‌ی کامل نمی‌برد و می‌خواهد طلاقش دهد و زن دیگری را عقد کند ولی زن به مرد می‌گوید: "مرا نگه‌دار (طلاق مده) و زن دیگری عقد کن و در نفقه و قسم درباره‌ی من اختیار کامل داری". این مصداق قول خداوند است که می‌فرماید: "فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصَالِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ"^۲ (بخاری، ۱۴۲۲، ۳۳/۷، حدیث ۵۲۰۶).

- عروۀ بن زبیر از حضرت عایشه روایت می‌کند که سوده دختر زمعه روز خودش را به حضرت عایشه بخشید و پیامبر در سهم سوده و سهم خودش نزد حضرت عایشه می‌رفت^۳ (بخاری، ۱۴۲۲، ۳۳/۷، حدیث ۵۲۱۲).

پس به این خاطر که ازدواج مسیار، ازدواجی صحیح است، احکام شرعی ازدواج بر آن مترتب می‌گردد؛ یعنی مرد، پدر فرزندان محسوب می‌شود، بانو مستحق دریافت مهریه است، خویشاوندان زن (مادر زن، خواهر زن و...) بر مرد حرام می‌شوند، زن بعد از طلاق یا فوت شوهر عده می‌گذراند و در صورت فوت یکی از زوجین، دیگری از او ارث می‌برد.

^۱ . و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر به آشتی گرایند که سازش بهتر است و [الی] بخل [و] بی گذشت بودن [در نفوس حضور او غلبه] دارد و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه نمایید قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

^۲ . حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَامٍ، أَخْبَرَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ، عَنْ هِشَامٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: [وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَغْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا] {النساء: ۱۲۸} قَالَتْ: "هِيَ الْمَرْأَةُ تَكُونُ عِنْدَ الرَّجُلِ لَا يَسْتَكْثِرُ مِنْهَا، فَيُرِيدُ طَلَاقَهَا وَيَتَزَوَّجُ غَيْرَهَا، تَقُولُ لَهُ: أُمْسِكْنِي وَلَا تَطْلُقْنِي، ثُمَّ تَزَوَّجَ غَيْرِي، فَأَنْتَ فِي حِلٍّ مِنَ التَّفَقُّعِ عَلَيَّ وَالْقِسْمَةِ لِي، فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: (فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصَالِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ).

^۳ . حَدَّثَنَا مَالِكُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، حَدَّثَنَا زُهَيْرٌ، عَنْ هِشَامٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ سَوْدَةَ بِنْتَ زَمْعَةَ وَهَبَتْ يَوْمَهَا لِعَائِشَةَ «وَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْسِمُ لِعَائِشَةَ يَوْمَهَا وَسَوْدَةَ».

فصل سوم

نتیجه گیری

از آن چه گفتیم خواستیم به این موضوع برسیم که نهاد خانواده یکی از اصیل ترین نهادهای اجتماعی است و ازدواج سنگ بنای خانواده است. از جمله عقدهایی که دارای اهمیت و ارکان و شرایط خاصی در دین مبین اسلام است، ازدواج می باشد. ازدواج بدون دارا بودن ارکان آن که صیغه، طرفین عقد، شاهدان و ولی است، باطل و غیرنافذ است و هیچ گونه آثاری بر آن جاری نمی شود. اما آن چه در دنیای امروز به تدریج شاهد آن هستیم این است که روابط میان زنان و مردان از حالت قطعیت و پایداری و رفتن به سمت تشکیل خانواده خارج شده و تبدیل به روابطی مقطعی شده است. با این همه حساسیت در خصوص عقد ازدواج، پدیده ای در دنیای مدرن با عنوان ازدواج سفید یا هم باشی شکل گرفته است که در با موضوع و مقاصد ازدواج در تضاد است. در پاسخ به سؤال اول تحقیق، ازدواج سفید ازدواجی است که در آن طرفین بدون ثبت رسمی عقد ازدواج با هم و مخفیانه در زیر یک سقف زندگی می کنند.

با توجه به این که هم خانگی (هم باشی) یک چالش نو می باشد، آسیب های روانی و اجتماعی زیادی برای طرفین، خانواده ها و حتی جامعه دارد. فقر مالی، مسئولیت گریزی، عدم اعتقاد به ازدواج، سست شدن اعتقادات مذهبی و ... مهم ترین عوامل گرایش به این رابطه می توان برشمرد و افراد با انتخاب های عقلانی خود، اشکال هم باشی و ازدواج سفید را بر ازدواج ترجیح می دهند. متأسفانه موضوعی که شبیه زنا ی رایگان است، نام ازدواج را به خود گرفته است.

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق: برای امر ازدواج در اسلام و فقه شافعی اهدافی ذکر شده است که حفظ نسب، ایجاد سکون و آرامش، حفظ عفت و پاکدامنی، بقای نسل، تعدیل بخشیدن به غریزه ی جنسی از مهم ترین آن ها می باشد.

در فقه شافعی ازدواج سفید به دلایل عدم ثبت شرعی، عدم مشروعیت فقهی، و منافات با ارکان ازدواج (صیغه، شاهدان، ولی) و اهداف آن، باطل و فاقد ترتب آثار شرعی بر آن می باشد و حکم زنا بر آن جاری می شود.

منابع

عربی

آلبانی، محمد ناصرالدین (بی‌تا). صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه.
آلبانی، محمد ناصرالدین (بی‌تا). صحیح و ضعیف سنن أبوداود.
ابن حجر هیتمی، أحمد بن محمد بن علی (۱۳۵۷). تحفه المحتاج فی شرح المنهاج و حواشی الشرنانی و العبادی. بیروت.

ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن زید القزوينی (بی‌تا). سنن ابن ماجه. بیروت: دارالفکر.
ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت.
ابوداود، سلیمان بن اشعث سجستانی ازدی (۱۹۹۸). سنن ابوداود. بیروت: المكتبة العصرية.
أبوعلیان، بسام محمد (۲۰۱۳). الحیة الأسریة.
أشقر، اسامه عمر سلیمان (۱۴۲۰). مستجدات فقهیه فی قضايا الزواج والطلاق. أردن: دارالنفاثس.
انصاری، زکریا (۱۴۲۲). أسنى المطالب فی شرح روض الطالب. بیروت: دار الکتب العلمیه.
بخاری، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله (۱۴۰۷). صحیح البخاری. بیروت: دار ابن کثیر.
ترمانینی، عبدالسلام (۱۹۹۸). زواج عند العرب فی الجاهلیة و الاسلام. کویت: عالم‌المعرفة.
ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره (بی‌تا). سنن ترمذی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
رافعی‌القزوينی، عبدالکریم بن محمد بن عبدالکریم (۱۴۱۷). العزیز شرح الوجیز المعروف بالشرح الكبير. بیروت: دارالکتب العلمیه.

_____ (۱۴۳۴). المحرر فی فقه الإمام الشافعی. القاهرة:

دارالسلام للطباعة و النشر و التوزیع و ترجمه.

_____ (۱۴۲۶). منهاج الطالبین و عمدة المفتین. بیروت:

دارالمنهاج.

رملی، شمس‌الدین محمد بن أبی العباس أحمد بن حمزه شهاب‌الدین (۱۴۰۴). نهاية‌المحتاج إلى شرح المنهاج. بیروت: دارالفکر.

رویانی، أبوالمحسن عبدالواحد بن إسماعیل (۲۰۰۹). بحرالمذهب (فی فروع المذهب الشافعی). دارالکتب العلمیه.

زحیلی، وهبة (۱۴۱۹). الوجیز فی أصول الفقه. دمشق: دارالفکر.

شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۱۰). الأم. بیروت: دار المعرفة.

شریینی، محمد بن محمد الخطیب (۱۴۲۱). مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج. بیروت: دار الکتب العلمیه.

علی، جواد (بی‌تا). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام.

عمرانی الیمنی الشافعی، أبوالحسین یحیی بن أبی الخیر بن سالم (۱۴۲۱). البیان فی مذهب الإمام الشافعی، جدّة: دارالمنهاج.

غزالی، محمد بن محمد بن محمد (۱۴۱۷). الوسيط في المذهب. الأزهر: دارالسلام للطباعة و النشر.

فیروزآبادی الشیرازی، أبی اسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف (۱۴۱۶). المذهب فی فقه الإمام الشافعی. بیروت: دارالکتب العلمیة.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۶). القاموس المحيط. بیروت: مؤسسة الرسالة للطباعة و النشر و التوزیع.

قرآن کریم.

قفال الشاشی، سیف الدین أبوبکر محمد بن أحمد (۱۹۸۸). حلیة العلماء فی معرفة مذاهب الفقهاء. عمان: مكتبة الرسالة الحديثة، المملكة الأردنية الهاشمية.

قمنی، سیدجواد (بی تا). العرب قبل الاسلام. مصر.

کلبی، ابی المنذر هشام بن محمد السائب (۲۰۱۵). مثالب العرب. دمشق.

مسلم، مسلم بن الحجاج ابوالحسن القشیری النیشابوری (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نووی، أبوزکریا محیی الدین یحیی بن شرف (بی تا). المجموع شرح المذهب. ادارة الطباعة المنيرية.

_____ (۱۴۱۲). روضة الطالبین و عمدة المفتین. بیروت: المكتبة الإسلامية.

هیتمی، احمد بن محمد بن علی بن حجر (۱۳۵۷). تحفة المحتاج فی الشرح المنهاج و حواشی الشروانی و العبادی. المكتبة التجارية الكبرى.

فارسی

آزادارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم؛ طالبی، سحر (۱۳۹۰). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره ۲.

آزادارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم؛ طالبی، سحر (۱۳۹۱). هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره ۱.

ابراهیم‌پیری، طیبہ (۱۳۹۶). ازدواج سفید و مقایسه‌ی آن با نکاح معاطاتی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر امیر حمزه سالارزایی. استاد مشاور: اسحاق بامری. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

احمدی، کامیل (۲۰۰۹). وجود همجنس‌گرایی و تراجنسیتی (ترنس) پنهان در داخل فرهنگ کردی مطالعات موردی از همجنس‌گرایان زن و مرد در کردستان و خارج از کشور.

ارجمند دانش، جعفر؛ آیتی، سید محمدرضا؛ عربیان، اصغر (۱۳۹۷). ماهیت، مشروعیت و آثار ازدواج سفید. فصلنامه‌ی علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴. افراشته، مهری؛ فرمانفرمایی، تکتک (۱۳۹۶). شناسایی عوامل نفوذ فرهنگی در تمایل افراد به نوع جدید زندگی زوجین (هم‌خانگی). مجله‌ی مدیریت فرهنگی، سال یازدهم، شماره ۳۷. اکبری، شایان (۱۳۹۷). زوایا و آثار حقوقی و جرم‌شناختی ازدواج سفید و بررسی راهکارهای مداخله و مقابله با آن. پنجمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم اجتماعی. جعفری، الهه (بی‌تا). تغییر مفهوم خانواده از ازدواج سفید تا همجنسگرایی با نگاهی بر سبک زندگی، آسیب‌ها و چالش‌ها. فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان. درویشی‌نژاد خنار، مطهره (۱۳۹۵). بررسی حقوقی جرم‌شناختی ازدواج سفید در ایران. پایان‌نامه‌ی ارشد. استاد راهنما: دکتر محمدرضا رهبرپور. استاد مشاور: دکتر حسن‌علی مؤذن-زادگان. دانشگاه علامه طباطبائی، واحد پردیس تحصیلات تکمیلی. رجبی، طاهره؛ وفادارنژاد، فرشته (۱۳۹۷). ازدواج سفید، روابط پرخطر، طلاق. اولین کنگره‌ی ملی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی. رستمی‌زاد، بهزاد (۱۳۹۶). ماهیت فقهی و حقوقی ازدواج سفید. پایان‌نامه‌ی ارشد. استاد راهنما: دکتر سیامک جعفرزاده. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ماکو. رضاییان بیلندی، حسین؛ منیرپور، نادر؛ حسن‌آبادی، حمیدرضا (۱۳۹۵). تبیین تنوع‌طلبی جنسی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه سبک‌های فرزندپروری و خلق‌وخو. مجله‌ی اندیشه و فکر، دوره‌ی دهم، شماره ۴۰. رضائی‌فر، حدیثه؛ آدیش، محمدعلی (۱۳۹۷). مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی افراد در مورد ازدواج سفید در ایران (مطالعه‌ی کیفی جوانان شهرستان گیلان). فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره ۱. زنگوله‌چی، زهرا (۱۳۹۳). نقش سبک‌های فرزندپروری و کانون کنترل در پیش‌بینی نشانگان خودشیفتگی. پایان‌نامه‌ی ارشد. استاد راهنما: دکتر تورج هاشمی نصرت‌آباد. استادمشاور: مجید محمود علیلو. دانشگاه تبریز، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی. سهراب‌زاده، مهران؛ نوروزی، میلاد؛ عسکری کویری، اسماء (۱۳۹۶). ازدواج سفید؛ انگیزه‌ها و زمینه‌ها. فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال سوم، شماره ۹. صفری، سعید (۱۳۹۴). مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی زوجین تشکیل‌دهنده‌ی ازدواج سفید در تهران با روش نظریه‌ی زمینه‌ای. پایان‌نامه‌ی ارشد. استاد راهنما: دکتر مسعود گلچین. دانشگاه خوارزمی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی.

عبدی‌نیا، افروز؛ علامت‌ساز، بتول (۱۳۹۸). ازدواج سفید و پیامدهای آن در کشور در ایران. مجله‌ی دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال دوم، شماره ۱۱.

قنبریان، مهدی (۲۰۱۷). بررسی ازدواج سفید در نظام حقوقی ایران و غرب (مدرنیته). کبرزاده، فاطمه؛ هاشمیان‌فر، سیدعلی (۱۳۹۸). از اخلاق متعارف تا اخلاق فراعرفی؛ گونه‌شناسی تجربه تعهد در ازدواج سفید. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره‌ی ششم، شماره ۱۴.

کریمیان، نادر؛ زارعی، اقبال (۱۳۹۵). بررسی کیفی وضعیت زندگی زنان دارای رابطه‌ی هم‌خانگی با جنس مخالف. فصلنامه‌ی علمی پژوهشی زن و جامعه، سال هفتم، شماره ۲.

کریمیان، نادر؛ سالاری، سمانه؛ ملکاری، بختیار (۱۳۹۴). رابطه‌ی هم‌خانگی در ایران: بررسی کیفی علل و انگیزه‌های گرایش به آن. فصلنامه‌ی مطالعات روان‌شناسی، سال ششم، شماره ۲۱.

گرچی‌پشتی، مرضیه؛ منصور لک‌ورج، محمدهادی؛ سام‌دلیری، سعید (۱۳۹۸). تحلیلی توصیفی درباره‌ی خانواده، ازدواج رسمی و ازدواج (زیر یک سقف) در ایران. فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲.

گلچین، مسعود؛ صفری، سعید (۱۳۹۶). کلان‌شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از زندگی روابط زن و مرد؛ مطالعه‌ی زمینه‌ها، فرایند و پیامدهای هم‌خانگی. فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی ایران، دوره‌ی دهم، شماره ۱.

لشنی، موسی (۱۳۹۷). بازپژوهی فقهی ازدواج سفید. دو فصلنامه‌ی گفتمان فقه و اصول، سال سوم.

مسعودیان، منصوره (۱۳۹۸). رهیافت پیشگیرانه اجتماعی ناظر بر ازدواج سفید. نشریه علمی تخصصی شباک، سال پنجم، شماره ۴.

موسی‌زاده، میثم؛ باقری‌توانی، محسن؛ نحوی، عادل (بی‌تا). دیدگاه حقوقی نسبت به ازدواج سفید در ایران. اولین همایش ملی آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی پدیده شکاف بین‌نسلی (زمینه‌ها، چالش‌ها و راهکارها).

میرمحمدی عزیز، سیده زهرا (بی‌تا). تفاوت نسل‌ها در پذیرش ازدواج سفید.

نصرتی‌نژاد، فرهاد؛ بهرامی، گیتی (۱۳۹۶). عوامل تعیین‌کننده‌ی هم‌باشی. فصلنامه‌ی مددکاری اجتماعی، دوره‌ی ششم، شماره ۲.

Abstract

Marriage in Islam is one of the most important marriages that a person enters into during his life, which is emphasized in the book and tradition. Husbands and wives marry in order to form a bond and mercy between them so that each of them considers the other as a valuable blessing from God and his partner; But the pattern of marriage and family formation has changed dramatically around the world in recent decades. These changes include "white marriage" or "cohabitation." This pattern refers to the cohabitation of two sexual partners without the signing of a marriage contract, in which the parties begin their life in a common place with consent and agreement, regardless of religious and customary ceremonies, but nowhere is their marriage neither legally nor legally. Legal will not be registered. Cohabitation without formal and legal marriage and unregistered marital relationship is illegal and illegitimate. Due to the direct effect of this model on families, its study is considered from a religious point of view. The purpose of this study is to analyze and evaluate white marriage, which has been done in a descriptive-analytical library method, and has examined the jurisprudential view of white marriage. Research findings have shown that this type of marriage is the product of a process of modernization and globalization. This study showed that from the perspective of Shafi'i jurisprudence, white marriage due to the lack of marriage elements such as: lack of concubine, lack of guardian and lack of witnesses and failure to realize the wisdom of marriage such as preserving lineage and generation, stillness and peace and opposition to principles Sharia is not acceptable and will cause chaos in the society. According to the Shari'a, the wording of the marriage contract must be stated and it must be verbal, except in the case of inability to pronounce, which all indicates the importance and status of marriage, not its strictness.

Keywords: Marriage, White Marriage, Pillars and Wisdoms of Marriage, Household, Concubine, Guardian.



University of Kurdistan

Faculty of Humanities and Sciences

Jurisprudence Department of Theology and Shafi'i

A Thesis

Submitted to the Postgraduate Studies Office in Partial Fulfillment of
the Requirements for the Degree of M.Sc. in Shafi'i Jurisprudence

Title:

The ruling on white marriage based on the principles of Shafi'i
jurisprudence

By:

Soran Faridi

The above thesis was evaluated and approved by the following members of
the thesis committee **with excellent quality** on September, 21th, 2021.

Position

Title and Name

Signature

Supervisor:

Assist. Prof Wrya Hafidi

Advisor:

Assist. Prof Soheila Rostami

External Examiner:

Assist. Prof Eghbal Ali Mirzaee

Internal Examiner:

Assist. Prof Navid Naghshbandi

Head of Department:

Dr. S. Navid Naghshbandi

Faculty Graduate Coordinator:

Dr. Jamal Mohammadi





University of Kurdistan
Faculty of Humanities and Social Sciences
Department of Shafi'i jurisprudence

A Thesis

**Submitted to the Postgraduate Studies Office in Partial Fulfillment of
the Requirements for the Degree of M.A in Shafi'i Jurisprudence**

Title:

**The rulling on white marriage based on the
principles in Shafi'i jurisprudence**

By:

Soran Faridi

Supervisor:

Dr. Wera Hafidi

Advisor:

Dr. Soheila Rostami

September, 2021



University of Kurdistan
Faculty of Humanities and Social Sciences
Department of Shafi'i jurisprudence

A Thesis
Submitted to the Postgraduate Studies Office in Partial Fulfillment of
the Requirements for the Degree of M.A in Shafi'i Jurisprudence

Title:
The rulling on white marriage based on the
principles in Shafi'i jurisprudence

By:
Soran Faridi

Supervisor:
Dr. Wera Hafidi

Advisor:
Dr. Soheila Rostami

September, 2021